

سال دوم شماره ۱۱
اردیبهشت - خرداد ۱۳۶۲
مه ژوئن ۱۹۸۳



نشریه دانشجویان و دانشوران سازمان چریک‌های فدائیان خلق در خارج از کشور

نگذار مبارز
نگذار ویران کند
دانش را
داستان را

سلب مقاومت
باروی ارتجاع را
فرو میریزد

www.iran-archive.com



در سنگر دانشگاه

اردیبهشت را
 در سنگر سارزه و آزادی
 کاسین سارنیز
 همچون گذشته ها
 از خون پاک باران
 رنگین است
 با یاد پیرشکوه شهیدان
 در راه سرخشان
 آغاز میکنم
 با کوله بار دانش و آگاهی
 با چاهل . پایگاه رخنه دشمن
 در قلب توده ها
 با سینه های نعره آ میردشمنان
 ما نام کهرودین
 ما فقر ، رحبرنا گسسته استعمار
 بسکا زمینکیم .
 اردیبهشت را
 در سنگر وفا و است و آگاهی
 ما سنو سانه ای زلفان و سارزه
 در طول سالهای نمره و خونبار
 ما عس در سرا بر خلق
 ما خیم در مقابل دشمن
 آغاز میکنم
 ما نظره نظره خون
 با ذره ذره هستی خود
 بسکروا سنوار
 و سی هراس از گنوله و کشتار و سنگ و چوب
 در سنگر وفا و است و آگاهی
 ما روز پیرشکوه رهائی
 ما محتوا نشد: رجا نخواستار
 بسکا زمینکیم

۲ اردیبهشت ۱۳۵۲

اردیبهشت

APRIL - MAY

تقویم تاریخ

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
				۱	۲	۳
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱

- اردیبهشت ۱۳۵۲
 اردیبهشت ۱۳۹۶
 اردیبهشت ۱۳۳۹
 ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹
 ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹
 (۲۲ آوریل ۱۸۷۰)
 ۵ اردیبهشت
 (۲۴ آوریل ۱۹۱۵)
 ۶ اردیبهشت ۱۳۵۳
 ۸ اردیبهشت ۱۳۵۰
 ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰
 ۱۱ اردیبهشت
 (اول مه ۱۸۸۶)
 ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹
 ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۰
 ۱۳۴۷
 ۱۳۳۲
 ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۸
 ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴
 (۸ مه ۱۹۴۵)
 ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷
 ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۰
 ۱۳۵۴
 ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۵
 ۲۹ اردیبهشت ۱۳۷۰
 ۲۹ اردیبهشت
 (۱۹ مه ۱۸۹۰)
 ۱۹۸۱
 ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰
- شهادت رفیق فدائی شیرین فضیلت کلام در زیر شکنجه عمال شاه
 تشکیل حزب عدالت ایران
 پایه گذاری "کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی" در
 خارج از کشور
 پیورن ملحقان به اسد اران و اوپاشان جمهوری اسلامی به دانشگاه -
 ها و مدارس عالی
 تولد ولادیمیر ایلچ اولیانف (لنین)
 قتل عام ۱/۵ میلیون آرامنه توسط دولت ترکیه
 شهادت رفیق فدائی مرضیه احمدی اسکولنی
 حمله مزدوران شاه به کارگران جهان چیت و شهادت ۳۰ کارگر
 و زخمی شدن ۱۴ نفر دیگر
 تشکیل دولت ملی دکتر محمد مصدق
 روز همبستگی جهانی کارگران
 نخستین نمایش جمعی به مناسبت روز کارگر در ایران
 شهادت دکتر ابوالحسن خانعلی (روز معلم)
 شهادت اسماعیل شریفزاده و یارانش در کردستان به دست
 عمال رژیم شاه
 شهادت رفیق وارطان سالخاریان، عضو حزب توده
 درگذشت محمد علی افراشته، شاعر مبارز
 پایان جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم هیتلری
 شهادت رفیق خسرو روزبه
 شهادت رفیق فدائی کاظم سما دتی (همرزم رفیق فدائی سپهروز دهقانی)
 شهادت رفیق فدائی علیاکبر (فریدون) جعفری، عضو مرکزیت -
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 شهادت رفیق فدائی هوشنگ اعظمی لرستانی، بهزنگ، نویسنده و شاعر
 - شهادت رفیق فدائی عزت‌غروی (رفیق مادر)، مادر فدائیان
 شهید رفقا احمد و محمود خرم آبادی
 لغو امتیاز تنباکو
 تولد رهبر کبیر خلق ویتنام، هوشی مین
 شهادت یایی سندز، انقلابی ایرلندی
 تشکیل "سازمان زنان ایران" (تشکیلات مترقی دمکراتیک زنان)

تلفن های خبری

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا

هوادار: «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»

در صفحه ۴۶

برای تماس با جهان با آدرس
 زیر مکاتبه نمایید:

JAHAN جهان
 P.O. BOX 540
 N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

نماز میت بر جسد حزب توده

این حزب با اعمال و خیانت هانی
که صورت داده است، الان
بصورت لاشه گندیده ای است که
بایست دفن شود.

(از اعترافات به آذین یکی از سران
حزب توده در تلویزیون ارتجاع)
"بی گمان
نادان تر آن گمان
کافور نشان نهاده به همپای کاروان!
از بیم، شیخ دشمن را نیز میکنند،
وین گونه زان پلیدان پرهیز میکنند.
آنان به تنگنای شب سرد گورشان،
(گان را بدردهای خود آباد کرده اند)
بیهوده سوخته، چشم امید آنان
با مرگ ساخته،
سود خود و گمان دگر را
در کار باخته.
برباد میدهند
آنان زجا که باد در آید
همپای گاه و گاه نه همپا،
فکر خودند آنان
تا کامشان ز کار برآید.
آنان به روی دوست نموده،
بار موافقت و به تحقیق:
خصم منافقی که در این راه
زحمت بزمختی بفرزوده."

نیما



دفتر پانزدهم چریک‌ها در تهران، چریک‌های فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

سال دوم - شماره ۱۱ اردیبهشت خرداد ۱۳۶۲

در این شماره

- ۵ در عملیات قهرمانانه پیشمرگان دوبا دگان رژیم در کردستان در آتش سوخت
- ۶ زنده باد همبستگی کارگران سراسر ایران
- ۶ پیام همبستگی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به جبهه آزادبخش
- ۶ فارابوندو مارشی
- ۶ ۲۴ آوریل - قتل عام ارامنه
- ۷ اخبار ایران
- ۸ گزارش طلیب سرخ جهانی در مورد اسرای جنگی ایران و عراق
- ۱۰ درخواست ریگان از خمینی
- ۱۲ ۱۲ اردیبهشت، روز معلم را گرامی داریم
- ۱۲ یاد رفیق مرضیه احمدی اسکونی آموزگار فدائی و...
- ۱۵ اسناد مربوط به یورش به دانشگاه‌ها
- ۱۹ بدون تفسیر
- ۲۱ گرامی باد خاتره فدائی شهید امیر پرویز بویان
- ۲۲ سالروز شهادت فدائی خلق رفیق سعید سلطانپور
- ۲۴ از خوانندگان
- ۲۵ اخبار جهان
- ۲۸ کاردار رژیم جمهوری اسلامی در هند دستگیر شد
- ۲۸ دولت‌های ایران و آمریکا یکدیگر را بیشتر درک میکنند
- ۳۲ ۹ خرداد ۵۸ (چهارشنبه سیاه): روز خونین در تاریخ خلق عرب خوزستان
- ۳۳ دیدگاه‌ها: نقدی بر تئوری "سوسیال امپریالیسم"
- ۳۸ به مناسبت ۳۰ آوریل، هشتمین سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام
- ۴۱ سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد
- ۴۳ نقد کتاب: "بگذار سخن بگویم!"
- ۴۷ شعر
- ۴۸ لیست کتاب‌های موجود برای فروش
- ۵۰ کدهای کمک‌های مالی ارسال شده به سازمان چریک‌های فدائی خلق

سه شنبه شب دهم اردیبهشت ماه، روز -
جهانی کارگر، نورالدین کیانوری و محمود
اعتمادزاده، (به آذین) در صفحه تلویزیون
جمهوری اسلامی ظاهر شده و طی "مباحثه‌ای
خود را "جاسوس" و حزبشان را "خائن"
اعلام نموده و تقاضای شدیدترین مجازات‌ها
را از جمهوری اسلامی نمودند. این "مباحثه"
و "مباحثه‌های" سایر رهبران حزب در شب‌های
بعد انعکاس وسیع داخلی و جهان یافت و
از طرف همه جریان‌های داخلی و بین‌المللی
بذمه در صفحه ۴

اول اردیبهشت

۱۶ آذری دیگر

... بگذار بتازد
بگذار ویران کند
دانش را
دانشگاه را.
... شلیک مقاومت
باروی ارتجاع را
فرومیریزد. در صفحه ۱۳

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران

نخستین روز ماه مه، روز کارگر و عهد کارگران سراسر
جهان است. این روز محصول مبارزه بی‌امان کارگران
در نقاط مختلف گیتی بر علیه نظام طبقاتی سرمایه‌داری
و نیز نشان دهنده‌ی قدرت و عظمت نیروی توده‌ای
است که وظیفه‌ی رهائی بشریت را از استثمار و جهالت،
بقیه در صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

"نماز میت"

بقیه از صفحه ۲

با اهمیت تلقی گردید. به نظر ما نیز این مسئله دارای اهمیت است. برای برخی این مسئله بیانگر پایان دموکراسی در ایران و رویکرد به دیکتاتوری ارتجاعی با توسل به همه اهرمها منجمله شکنجه میباشد.

پاره‌های محافل بین المللی نیز آنرا نشانگر خطت ضد کمونیستی؛ حاکمیت تلقی کردند، برخی دیگر آنرا موضعگیری آشکار حاکمیت در مقابل اتحاد شوروی و چراغ سبز و یا بهتر بگوئیم دراز کردن دست دوستی و هم‌پیمانی به سوی غرب خوانند و جماعتی دیگر آنرا عمدتاً "بن بست" غمینی؟! تلقی کردند و ...

ما در این مقاله تلاش میکنیم اهمیت عینی این مسئله را نشان دهیم و سپس تا حد ممکن چشم انداز و نتایج حاصله از آنرا ترسیم نمائیم.

پایان نهائی جدل دو تحلیل

از فردای حاکمیت جمهوری اسلامی، یکی از اساسی ترین و در عین حال حادثترین مباحث نیروهای سیاسی در ایران عبارت بود از تحلیل از حاکمیت نوین و چشم انداز تحول آن. علیرغم تعدد این تحلیل ها، علیرغم ناهمگونی و تنوع این تحلیل ها از نظر صراحت، انسجام و غیره، به سرعت دو دسته تحلیل در مقابل یکدیگر صف آرا گسی می نمود. اولی با این استدلال که این حاکمیت محصول مبارزات توده ها بر علیه شاه میباشد، در نتیجه دارای نوعی مشروعیت و پتانسیل انقلابی بوده و بناچار در جهت تحقق خواسته های توده های قیام کننده گام بر خواهد داشت. بنابراین وظیفه نیروها را تقویت جمهوری اسلامی به سوی تشبیت و کمک بدان در جهت تحقق برنامه هایش میدانست که نهایتاً منجر به تأمین دموکراسی و تضمین استقلال در برابر امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا میگفت. دومی، علیرغم تنوع روایای نگرش به حاکمیت جدید، سمت و سوی آنرا به طرف دیکتاتوری و سلطه ارتجاع از یک طرف و سازش با امپریالیسم و یازسازی سرمایه داری وابسته از سوی دیگر ارزیابی میکرد. در نتیجه وظیفه خود را در مبارزه با جمهوری اسلامی در جهت سزنگونی قرار میداد.

مشخص ترین تحلیل را در گروه اول حزب توده و در گروه دوم بخش "افلبت" فدائیان خلق که پس از گسست قطعی از "اکثریت" بحق خود را "سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران" نامید، ارائه دادند. رخدادهای کنونی، یعنی تهاجم همه جانبه حاکمیت به حزب توده، برای کندی ذهن ترین عناصر نیز پایان نهائی این جدل بود و اثباتی بی چون و چرای تحلیل استراتژی دوم. در عین حال برای ما برخورد با حزب توده هرآینه در سطح تحلیل از حاکمیت باقی میماند، تنها برخوردی غیررادیکیال و سطحی میبود. پس میبایست برای برخوردی رادیکیال دست به ریشه مسائل میزدیم و در آنجا بود که برخورد حزب توده به حاکمیت تنها نمودی از میثاق ایدئولوژیک بود که در حوزه سیاست جلوه گر میشد. بدین ترتیب رخدادهای کنونی، شکست عینی و آشکار دیگری بود برای تراهای رویزیونیستی راه رشد غیر سرمایه داری، گذار و همزیستی سالم آریز و نفی ضرورت رهبری عملی طبقه کارگر در انقلاب و ... در ضمن طرح مجدد تئوریک "عناصر نفوذی طرفدار آمریکا" در درون رژیم از طرف کشورهای سوسیالیستی و یا بعضی احزاب کمونیستی رنگ باخته تر از آن است که نیازی به برخورد تئوریک داشته باشد.

آغاز زندگی بی پرده جمهوری اسلامی به امپریالیسم

در این ارتباط ممکن است سؤال شود که چرا رژیم این جریان بی آزار و بی غاصبت را که کاری جز توهم پراکنی به نفع رژیم و تکرار یک سری غزبهات خود رژیم و حداقل توقع برای حفظ موجودیت حقیر خود را نداشته دستگیر میکند؟ برای اینکه به این سؤال پاسخ گوئیم باید اندکی از خود رژیم سخن بگوئیم. مدتهاست که در بطن رژیم تخاصم بر سر چگونگی حل بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و ... جامعه در جریان است. این تضاد است که از بطن روابط سرمایه داری حاکم در ایران و به دنبال آن قیام بهمین ۵۷ و سزنگونی حکومت سلطنتی و رشد نسبی آگاهی توده ها و ماهیت واپسگرایی رژیم جمهوری اسلامی به وجود آمده است. تضادیکه نتوانست با طرد بنی صدر و بنی صدرها سبز حل شود. تضادیکه سرکوب غیرقابل وصف نیروهای انقلابی نیز آنرا از بین نبرد. تضادیکه به یک عبارت تنها با سزنگونی کل حاکمیت و جایگزینی آن با یک آلترناتیو انقلابی و با تعیین خط و مرز خود بطور آشکار با کلیه به اصطلاح آلترناتیوهای هم نوع و هم قماش "جمهوری اسلامی" (چه از نوع "دمکراتیک" و چه از نوع "غیردمکرا -

تیک" اش) حل خواهد شد.

واقعیت این است که رژیم برای "تشبیت" خود و به جریان انداختن حرکت سرمایه، می بایست مسیر "سرکوب"، "انسجام درونی" خود و "فرم اقتصادی" را نه جدا از هم، که در ارتباط لاینفک و همزمان با هم سپری کند. رژیم در عین متمرکز کردن نیروی خود بر مدار فاکتور اول به تشبیت پیرامون مسئله و دم و سوم نیز تلاش های عینی را به عمل آورد. اما تمام طرح های او در رابطه با مسئله دوم کوتاه مدت و ناموفق بوده و در رابطه با مسئله سوم یعنی "فرم اقتصادی" از حد شمار خارج نشده است. طرح سرکوب نیروهای اپوزیسیون، چه انقلابی و چه ارتجاعی، طی اسنادی از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در "کار" شماره ۱۱۲ افشا شد. رژیم از آن پس علیرغم بر ملا شدن دسیسه اش طبق همان طرح سرکوب هیستریک و سیستماتیک خود را آغاز و به مرحله اجرا درآورده است. سازمانهای سیاسی به دلایل مختلف از جمله عدم آمادگی برای مقابله با حملات رژیم، پس از پایان دوره کوتاه دمکراسی نیم بند حاصل از قیام، به درجات مختلف متحمل مددات و ضربات کم و بیش جدی شدند. بنابراین رژیم در بخش اول قاده شد که به سازمانهای سیاسی (به جز کردستان) با درجات مختلف ضربه بزند. اگر به اسناد مربوط به "طرح سرکوب" احزاب و سازمانهای سیاسی مراجعه کنیم، نام حزب توده را در انتهای لیست خواهیم یافت. بنابراین از دید رژیم دستگیری و انحلال حزب توده در این مقطع به معنای پایان لزوم حضور این حزب در جامعه و فراهم شدن ضروریات و شرایط لازم برای سرکوب آن است و چنانکه مهدوی کنی در این زمینه گفت: "میوه را به موقع باید چید"

"او" اول سراغ یهودی ها رفت

- من یهودی نبودم - اعتراضی نکردم
- بنیاز آن به لهستانی ها حمله برد
- من لهستانی نبودم - اعتراضی نکردم
- آنگاه به لیبیرال ها فشار آورد
- من لیبیرال نبودم - اعتراضی نکردم

بعد ثوبت کمونیست ها رسید

- من کمونیست نبودم - بنا بر این اعتراضی نکردم

سرا انجام "او" سراغ من آمد

هرچه فریاد زد من کسی نمانده بودم که اعتراضی کند!

برشت

اما این تنها بخشی از واقعیت است. ما

در عملیات قهرمانانه پیشمرگان دو پادگان رژیم در کردستان در آتش سوخت

پیشمرگان کرد طی حملات روزهای ۱۷ و ۲۰ مه به نیروهای جمهوری اسلامی در کردستان، دو پایگاه نظامی رژیم در بناوه و راوان در منطقه سردشت را به تصرف درآوردند. در پی تصرف این دو پایگاه ۶۲ جاس به اسارت پیشمرگان درآمد، تمامی سلاحها، مهمات و تجهیزات پایگاههای مزبور توسط پیشمرگان مصادره گشت.

بنا بر اخبار رسیده از ایران، پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان یک ستون از نیروهای رژیم را در ۵۰ کیلومتری جاده مهاباد - ارومیه به تله انداخته، سپس از درگیریهای شدید موفق میشوند ۲۳ تن از مزدوران را بهلاکت رسانده و ۱۸ تن دیگر را بشدت زخمی نمایند. طی این درگیری یکی از پیشمرگان فدائی بنام اصغر شهید شده و دو پیشمرگه فدائی و یک پیشمرگه دمکرات نیز زخمی گردیدند.

روستای قم قلعه واقع در ۱۰ کیلومتری مهاباد مورد حملات جنون آمیز مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت، لیکن بواسطه مقابله ندید پیشمرگان فدائی و دمکرات، ۲۴ تن از نیروهای دشمن بهلاکت رسیده و تعداد زیادی زخمی شدند. دشمن ناگزیر به عقب نشینی می گردد. طی این درگیری دو پیشمرگه شهید و یک تن زخمی میگردد.

۵۰ مزدور بهلاکت رسیدند!

در اواسط فروردین ماه نیروهای جمهوری اسلامی جهت تصرف روستای قرکند در حومه بوکان در ساعت ۲/۵ نیمه شب حمله خود را به این روستا آغاز نمودند. در اولین حمله پیشمرگان موفق شدند دشمن را وادار به عقب نشینی نمایند و در دومین حمله به روستا که مدت دو ساعت به طول انجامید، نیروهای رژیم با به جا گذاشتن ۲۰ کشته عقب نشینی نمودند. در حمله سوم که مزدوران گیاده موقت، پاسداران و ارتش را همراهی میکردند و بنسب تویخانه و چهاره انداز پشتیبانی میشدند برای بار سوم شکست خوردند. در این درگیری پیشمرگان موفق به سرنگونی یک هلیکوپتر و منهدم نمودن یک بولدوزر و آمبولانس شدند. در این درگیری رژیم بیش از ۵۰ کشته به جای گذاشت.



در این درگیری در روستای قم قلعه، پیشمرگان موفق شدند ۲۳ تن از مزدوران را بهلاکت رسانند.

ساعت ۵/۵ عصر روز سه شنبه ۱۷ مه پادگان و خانه جوانان که محل استقرار پاسداران رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بود، به مدت ۴۵ دقیقه زیر آتش سلاحهای پیشمرگان حزب دمکرات قرار گرفت. در این درگیری علاوه بر تلفات سنگینی که به مزدوران رژیم وارد آمد، ۲۷ خودرو، یک تانک، یک دستگاه موشک انداز کاتیوشا و منبج سوخت و بسیاری دیگر از تاسیسات پادگان در آتش سوخت. پس از این عملیات، پیشمرگان وارد شهر شده و تا ساعت ۱۱/۵ صبح چهارشنبه ۱۸ مه در داخل شهر باقی ماندند. پیشمرگان از نخستین لحظات ورود به شهر کنترل دقیق نقاط کلیدی شهر را بدست گرفتند. درگیری پیشمرگان با مزدوران رژیم عموماً ساعت بطول انجام میدهد که در پی آن بخش اعظم دو پادگان دیگر رژیم ویران شد و بیش از ۲۰ تن از نیروهای سرکوبگر رژیم بهلاکت رسیدند. بطوریکه غیابانهای شهر مملو از جنازه های مزدوران رژیم شده بود. محمد بروجردی معاون قرارگاه حمزه در بیان کشته شدگان بود. نیروهای رژیم که با رای مقابله با پیشمرگان را در عود نمی دیدند، اقدام به خمپاره باران شهر نمودند که منجر به شهادت چهار تن از اهالی مدافع مهاباد، از جمله دو کودک ۲ ساله و زخمی شدن ۸ نفر گردید. همچنین به تعدادی از خانه های مسکونی خسارتی وارد آمد. بدنبال خمپاره باران شهر از سوی دشمن، پیشمرگان یک بار دیگر پادگان و خانه جوانان را به توپ بسته و موفق شدند توپخانه دشمن را منهدم سازند.

این عملیات موفقیت آمیز، آنچنان ضربه مهلکی بر پیکر رژیم در کردستان وارد کرد که موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی شیونناگزیبر شد که در برنامه های رادیویی یکشنبه ۲۲ و دو شنبه ۲۳ ماه مه به کشته شدن معاون قرارگاه حمزه و تعداد بیشماری از پاسداران و ارتشیان اقرار کند. طی این عملیات قهرمانانه ۵ تن از پیشمرگان زخمی و ۴ تن شهید گردیدند.

کوردستان

یولی داغی یولی دادی کوردستان
تویا، تفنگه، بولداغدی کوردستان
انقلابدا بوگون باغدی کوردستان
خلقلره بیر قارداغدی کوردستان
دوشمن بوگون بیر اوداغدی کوردستان
بالالار قانا چولاغدی کوردستان
قارنانیان، قلعتان هامی کوردستان
فاغیتلر اولتیبیر گور بوواستان
اگر هامی میمیز بیرلشاخ کوردستان
تفنگ الیب بیر دیلشاخ کوردستان
آنام وطن آذربایجان، لرستان
ترکمنن هامی ایران، خوزستان
اگر نیماخ بیر بولداغدان بیر دوستان
ایران اولی آزاد، باغ گلستان
بایراغیمیز چکشین، اوراغان، اولد وزدان
کلین تار بخلرد بیزدا بازاغ، بیرداستان
(میرزا بگوس)

نشریه

ریگای گهل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شاخه کردستان

را بخوانید

زند ه باد همبستگی کارگران سراسر ایران اگر بسازان نیرو مند شما اراد ه کند تمام پرچمها از حرکت باز خواهد ایستاد



کارگران مبارز سراسر ایران!

۱۱ اردیبهشت روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران سراسر جهان، روز قدرت نمایی اردوی بهشتکار علیه سرمایه فراموشید. کارگران ایران اسال در شرایطی به استقبال این روز تاریخی میشتابند که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران عظیم ترین صائب را برای کارگران و کلمه زحمتکشان بهار آورد است. فقر و فلاکت عمومی زندگی کارگران را به تنهایی سوق داده است. بیگاری به آنچنان ابعاد فاجعه آسایش رسیده است که میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان ایران با بیگاری و گرسنگی روبرو هستند. سطح زندگی کارگران بنحویت آوری تنزل نموده است در حالیکه دستمزده کارگران به حد اقل ممکن باقی مانده است. افزایش بیبایی قیمت ها سبب شده است که حتی نتوانند ما محتاج روزمره خود را تهیه کنند. عدم اعتصاب به آینده و فقدان تامین اجتماعی بنحو روز افزونی گسترش یافته است. در حالیکه سرمایه داران و ملاکین کمترین و اساسی ترین بخش مسائل تولید، زمین، کارخانه و... را در اختیار دارند با استثمار هولناک کارگران حد ام غنی تر شده اند. کارگران که ناگزیر از فروش نیروی کار خود هستند و مد ام فقیرتر شده اند. تضاد میان فقر و ثروت بنحو بارزی در همه جا چشم میخورد. این شرایط هولناک زندگی کارگران موجب صعبان و ناراضی را بشدت در میان کارگران دامن زده است. موج اعتصاب تعد اد زیادی از کارخانهها و دیگر موسسات تولیدی را فراگرفته است. اعتصابات اخیر در تاسیسات ذوب آهن ایران، ناسیونال و رنوزامیاد و بسیاری از کارخانههای دیگر بهانگر تلاش کارگران برای رهایی از یوغ تحمل ناپذیر سرمایه است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که پاسدار نظام سرمایه داری، مدافع ستمگران و استثمارگران و محافظ منافع سرمایه داران ایران و امپریالیسم جهانی است، برای حفظ این نظام پوسیده و در برابر پیشرفت انقلابی کارگران، به سهمیت و درنده خوئی کم نظیری متوسل شده است. هزاران تن از روشنفکران انقلابی و نیز کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود، این آگاهترین، پیشروترین و مصمم ترین بخش کارگران ایران، این قهرمانان دفاع از منافع خود، همای زحمتکش، این نماد یان نبرد کار علیه سرمایه، این پیشروین سوسیالیسم و آینده روشن و تابناک بشریت را بجزم دفاع از منافع و آرمانهای والای کارگران به جوشه اعد ام سپرده و با بزدلی آن افکنده است. هم اکنون تعد اد زیادی از کارگران مسابذ صنعت نفت، تاسیسات ذوب آهن، صنایع دفاع، جنرال موتورز، ایران ناسیونال و بسیاری از کارخانههای دیگر با اعد ام شده و با در بنقلیه هر صفحه ۲۰

۲۴ آوریل سالگرد قتل عام ارمنه

۲۴ آوریل (۵ اردیبهشت) معادف بود با سالگرد قتل عام یک میلیون و یانصد هزار نفر از ارمنه توسط دولت ترکیه. شصت و هشت سال پیش در سال ۱۹۱۵ حاکمیت جدید عثمانی که به دست "ترکهای جوان" برقرار میگردد برای سرکوب قطعی جنبشهای آزادی بخش ارمنه توطئه شوم ناپودی آنها را طرح ریزی کرد. بورژوازی شوئیست ترکیه قصد داشت با قتل عام ارمنه، مسئله خلق ارمن را برای همیشه "حل" کند. آنان میخواهند که ثروتهای این خلق تحت ستم را تصاحب کرده و تمام منطقه آناتولی را به یک منطقه ترک نشین تبدیل کنند.

در این روز دولت عثمانی صدها تن از روشنفکران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، پزشکان و... ارمنی را دستگیر کرده و به انحاء مختلف از بین برد. به دنبال آن - کشتار دسته جمعی تودهها آغاز شد. مامورین دولت عثمانی به بهانه کوچ مردم از مناطق جنگیبه نقاط امن، آنها را از روستاها و شهرهای مسکونیشان خارج نموده، در بین راه قتل عام کردند یا با ویران کردن روستاهای ارمنی نشین، بسیاری از ساکنین آنها را به قتل رساندند.

ما خاطره ۱/۵ میلیون شهید ارمنی و دلاوریهای این خلق قهرمان را گرامی داشته، ایمان داریم که کارگران، زحمت کشان و سایر اقشار خلق ارمن در مبارزه خود در کنار خلقهای ایران و ترکیه و... علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی اش به مبارزه ادامه خواهند داد.

رفیق روزبه...
دفاعیات قاطعانه ی رفیق روزبه از مارکسیسم-لنینیسم یعنی علم رهایی طبقاتی کارگر چون شست پولادینی بر پیروزی دشمنان خلق فرود آمد و ایستادگی، زیندگی و شهادت حماسه آفرین او، تسلیم طلبی، سازشکاری و خیانت رهبران فرصت طلب حزب توده را پیش از پیش در معرض هزات تاریخ و سازندگان تاریخ قرار داد.

اگر امروز خیانتهای رهبران حزب توده در مسیر تاریخی خود در ابعادی نوین و سطوح تازه تکرار می گردد، راه سرخ رفیق روزبه نیز بوسیلهی تسلسل از کونیتهای انقلابی یعنی رژیمندگان فدایی بسوی آینده رهایی کارگران و زحمتکشان پیچوده می شود. راهش پیمان و ناش جاودان.

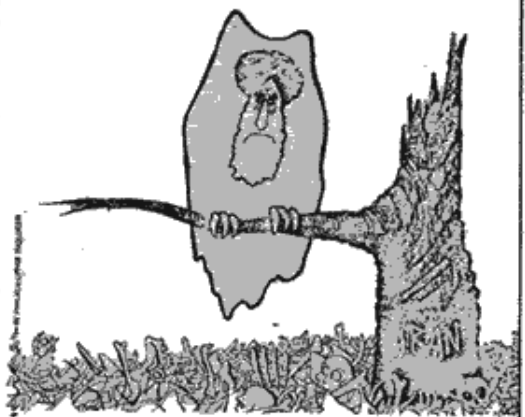
پیام همبستگی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به جبهه آزادیبخش فارابوندمارتی



رفقای روزبه! اگر بیشترین درود ها و صمیمانه ترین مراتب همبستگی ما را با خلق قهرمان السالوادور، با انقلاب پرشکوه و رهبری پر افتخار آن جبهه فارابوندمارتی (FMLN) بپذیرید. شهادت رفیق طیدا آنایا مونتنز (آنا ماریا) و به دنبال آن مرگ رفیق السالوادور کاپاتانو کاربرد برای ما و همه انقلابیون دنیا بسیار تلخ و ناگوار بود. لیکن ما ایمان داریم که این خیانت شرم آور و از دست دادن رفقای چون کاپیو و آنا ماریا نخواهد توانست غلغلی در عزم استوار شما در راه گسترش انقلاب و رهایی السالوادور ایجاد نماید.

ما به خوبی نسبت به شرایط دشوار مبارزات شما واقف بوده و از توطئه های رنگارنگ امپریالیسم جهانی بر علیه شما آگاهیم. امپریالیسم آمریکا از خلق مختلف می خواهد با استفاده از رژیم های وابسته اثر در منطقه نظیر هندوچین و سیچ ضد انقلابیون و فشار آوردن بر نیروها و کشورهای شرقی منطقه نظیر نیکاراگوئه، اعزام نیروهای مسلح و صرف میلیون ها دلار پول و اسلحه خلق قهرمان السالوادور را به زانو در آورد. اما همچنانکه ویتنام قهرمان امپریالیسم آمریکا را در آسیا به زانو در آورد، خلق قهرمان السالوادور نیز پشت این امپریالیسم چنانپیکار و مجروران دغلیش را در آمریکا به خاک خواهد مالید و یک بار دیگر به خیانتیان نشان داده خواهد شد که پیروزی از آن خلق هاست.

رفقای! سازمان ما نیز خلقی سزود، شادان، حیانت خیز، تجربه های شجاعت و لاجنات بحران بسیار را تجربه کرده است و در هر نقطه بحرانی با تکیه بر اصول و پرنسیپ های انقلابی و با ایمان به نیروی خلق توانسته است بر خیانت ها و انواع بغیچه هر صفحه ۲۲



به حکم قرآن

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در سخنرانی خود راجع به جنگ و وضعیت جمهوری اسلامی در منطقه گفت: به حکم قرآن و به حکم وظیفه اساسی ناچاریم امنیت منطقه را تضمین نمائیم. رفسنجانی در نطق خود به خوبی موضع جمهوری اسلامی را در منطقه و تبدیل شدن این دولت را به ژاندارم منطقه و چانه‌بندی‌شاه معدوم عنوان نمود.

صف خیانت

رعاشی، فرمانده کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای اعلام داشت: بیش از هزارو پانصد نفر از اعضای بالا و کادر رهبری حزب توده تا بحال دستگیر شده‌اند و از زمان صدور حکم دادستانی کل انقلاب مبنی بر معرفی اعضای هوا داران این حزب متحله، صفهای طولانی از این افراد در جلوی مقرهای سپاه پاسداران جهت تسلیم خود به دولت بوجود آمده است.

میوه قانون قصاص

به دنبال تصویب قانون قصاص که حدود ۲ سال پیش در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، هفته گذشته دو تن در اراک به جرم قتل به خانواده مقتول سپرده شدند، ماده ۱ فصل اول قانون قصاص میگوید: "قتل نفس اگر عمدی باشد، موجب قصاص است و اولیاء مقتول میتوانند قاتل را با رعایت شرایطی که خواهد آمد، به قتل برسانند." قابل توضیح است که شرایط فوق الذکر شامل اعدام قاتل با حربه‌ای تیز و برنده است. قانون قصاص از جمله قوانین بنیاد ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

تا سیس وزارت سا و ما

رادیو جمهوری اسلامی اعلام نمود، دوشنبه ۹ می، شش ماده از طرح تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در شور دوم مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. ماده ۱ این طرح تصریح کرده است: "به منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی و به دست آوردن آگاهیهای لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی، به منظور پیشگیری و مقابله با توطئه آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل میگردد." این ماده شامل ۳ تبصره به این شرح میگردد: "۱- اطلاعات نظامی با حفظ هماهنگی با وزارت اطلاعات بر عهده ارگاتهای نظامی خواهد بود. ۲- اطلاعات تخصصی آشکار در هر زمینه به عهده ارگان تخصصی مربوط است و ۳- هر یک از وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی و نهادها و نیروهای نظامی و انتظامی که در کسب اطلاعات تخصصی خود به مسائل امنیتی برخورد کنند و هر گونه اطلاعاتی که مورد تقاضای وزارت اطلاعات باشد موظف هستند که آن اطلاعات را در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهند." قابل ذکر است که وزارت اطلاعات با سلاواک جمهوری اسلامی بلافاصله بعد از قیام توده‌ها با استفاده از مزدوران ساواک شاه کار خود را آغاز نموده و با استفاده از تجربیات قبلی سعی در شناسایی و سرکوب نیروهای انقلابی کرد، حال جمهوری اسلامی برای مشروعیت بخشیدن به سرکوب توده‌ها با استفاده از اهرمهای به اصطلاح قانونی خود، طرح سازمان امنیت را به تصویب میرساند، طرحی که حاکی از عربان شدن هر چه بیشتر ماهیت واقعی جمهوری اسلامی است.

زندگی مرفه

دکتر سلیمی غلیق، یکی از مسئولین وزارت علوم طی مقاله مندرج در روزنامه اطلاعات اعلام داشت: "بیش از ۸۰ درصد متخصصین و پزشکان این مملکت زندگی مرفهی را که در این کشور دارند در هیچ جای دنیا نمیتوانند داشته باشند و به این جهت انگیزه‌ای برای رخص ندارند و آن عده‌ای هم که رفته‌اند به دلایل دیگری رفته‌اند و همان بهتر که بروند!"

امپریالیسم ژاپن نه شرقی، نه غربی

پنجشنبه ۱۲ می رادیو جمهوری اسلامی اعلام نمود که دور جدید مذاکرات رؤس و ژاپن پیرامون بکاراندازی مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور در توکیو آغاز شد. رئیس هیئت اعزامی به ژاپن گفت در صورتیکه عملیات اجرایی تکمیل پروژه مذکور از سوی شرکای ژاپنی ایران آغاز شود، جمهوری اسلامی به مسائل مالی آنها و خسارتهایی که ادعا کرده‌اند توجه خواهد کرد و در زمینه حل مشکلات مالی آنان به کمک آنها خواهد رفت. قابل توضیح است که در چهار سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی همواره در مدد بکاراندازی مجتمع ناتمام پتروشیمی در جنوب ایران بود، ولی شرکتهای ژاپنی از حرکت عملی در این جهت خودداری نموده‌اند.

تهدید ژاپن

خبرگزاری بی‌بی‌سی روز پنجشنبه ۱۲ می گزارش داد: دولت عراق به شرکتهای ژاپنی هشدار داد که از راه انداختن مجتمع پترو-شیمی ایران و ژاپن در خوزستان خود داری بپایند. زیرا این مجتمع در منطقه جنگی قرار دارد و در صورت شروع کار مجتمع مؤبور عراق آنها را بمباران خواهد نمود.

ریسکش مال شما، پولش مال ما

رادیو بی بی سی گزارش داد بعد از پنج روز مذاکرات بین هیئت اعزامی جمهوری اسلامی به ژاپن با شرکتهای ژاپنی پیرامون شروع کار مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن جهت تکمیل آن، شرکتهای ژاپنی حاضر به اتمام پروژه مذکور گردیدند. در این رابطه شرکتهای ژاپنی تصریح نموده‌اند به علت جنگ بین جمهوری اسلامی و عراق و قرار داشتن مجتمع مذکور در منطقه جنگی، کارگران ایرانی می‌بایست در منطقه مذکور کار نمایند و متخصصین ژاپنی در خارج از منطقه جنگی کار اتمام پروژه را به جلو خواهند برد.

گزارش صلیب سرخ جهانی در مورد اسرای جنگی ایران و عراق

چهارشنبه ۱۱ می، صلیب سرخ جهانی بعد از اتمام جلسه خود در ژنو اعلام داشت هر دو دولت جمهوری اسلامی و عراق قانسون بین المللی جنگ در برخورد به اسرای جنگی را شکسته و زیر پا گذاشته اند و هر دو کشور ایران و عراق را متهم به اعدام های متوالی اسرای جنگی خود نموده همینطور کمیته مزبور اعلام داشت که هر دو کشور نه تنها از مداوای سربازان زخمی طرف مقابل خودداری میکنند، بلکه اسرای زخمی را نیز تحت فشار و بی توجهی قرار داده اند و اسرای عراقی در ایوان که به مرز ۵۰ هزار نفر میرسند در

بدترین شرایط بسر میبرند. برغورد دولت ایران به اسرای جنگی هولناک است. همینطور ۶۸۰۰ نفر از نیروهای ایران تحت اسارت عراق قرار دارند. کمیته مزبور میبوی - اسلامی را متهم به جلوگیری از بازپسند نمایندگان صلیب سرخ از اردوگاه اسرای جنگی و فشار ایدئولوژیک و سیاسی به اسرای مزبور نمود و همچنین عراق را متهم به عدم مداوای اسرای زخمی و اخراج دهها هزار ایرانی از عراق کرد. صلیب سرخ اضافه نمود هر دو طرف در جنگه شهرها و مناطق مسکونی را پی در پی بمباران نموده اند. صلیب سرخ اعلام نمود: "ما مجبور به انتشار این اطلاعیه در محکومیت دولتهای ایران و عراق شده ایم زیرا هر دو کشور از ابتدا شروع جنگ یعنی سپتامبر ۱۹۸۰، قوانین حقوق بشر بین المللی را زیر پا گذارده اند."

بمباران شهرهای خوزستان

در چند روز گذشته ارتش عراق عملیات نظامی خود را گسترش داده و به دنبال آن شهرهای دزفول و اندیمشک را به موشک بست بر اثر این حملات صدها خانه مسکونی در دو شهر دزفول و اندیمشک ویران و مدها ناسر از اهالی این دو شهر کشته و زخمی گردیدند همچنین شنبه ۱۲ می آبادان مورد حمله شویخانه عراق قرار گرفت. بر اثر این حمله چند نفر کشته و دهها خانه ویران گردیدند. خامنه ای رئیس جمهور رژیم در چهارمین روز آغاز کشتار حزب جمهوری اسلامی در رابطه با حملات مذکور اعلام داشت: "حمله موشکی به دزفول و اندیمشک بی پاسخ نخواهد بود و ما قادر هستیم بیش از ۲ میلیون نفر از مردم عراق را بی خاشاک سازیم."



صحنه ای از اعدام دسته جمعی اسرای جنگی توسط رژیم جمهوری اسلامی (از نشریه مجاهد شماره ۱۳۱)

به یاد رفیق شهید خسرو روزبه

"... من سنگرمبارزه را ترک نکردم و اکنون نیز تمام مواقیب آن را باروی گشاده تحمل میکنم..."

از دفاعیات رفیق خسرو روزبه



روزبه در دفاعیات رفیق پیش از تیرباران

طرح صلح

عبرگزاری روپتر گزارش داد: "دوشنبه ۱۶ می وزرای خارجه کویت و امارات متحده عربی بعد از ملاقات خود با خامنه ای جهت پایان دادن به جنگ بین جمهوری اسلامی و عراق و تعمیر تاسیسات نفتی نوروز، سه شنبه به بغداد وارد گردیدند و ادامه مذاکرات را با مقامات عراقی شروع نمودند." افراد نامبرده در مصاحبه ای مطبوعاتی اعلام داشتند که گزارش ملاقات خود با خامنه ای و مقامات عراقی را به نمایندگان شش کشور خلیج فارس ارائه دادند. وزیر خارجه کویت در سخنانش ادامه داد که در سفر بعدیما - به تهران گزارش این جلسه را به مقامات جمهوری اسلامی خواهیم داد. در رابطه با پایان دادن جنگ بین دولتینا رجایی جمهوری اسلامی

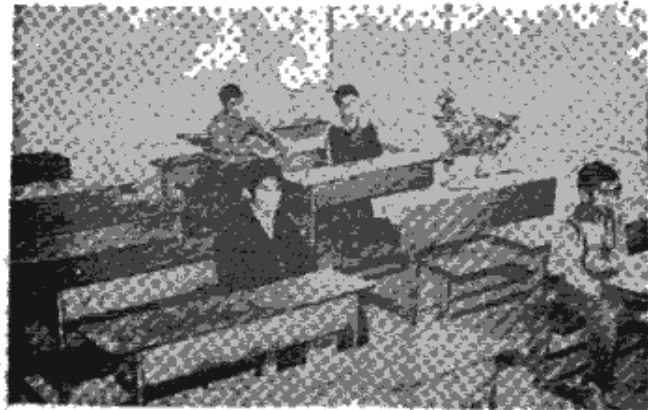
با طلوع سپیده می صبح بیست و یکم اردیبهشت خاطره ای شهادت انقلا بی بزرگ رفیق خسرو روزبه دوباره در یادها زنده می شود. رفیق روزبه که در سراسر زندگی افتخارآمیز و مبارزه جویانه اش به آرمان کارگران و زحمتکشان می اندیشید سرانجام رسیده - دمان بیست و یکم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۷ با نثار خون سرخ و پاکش مهر وفاداری بر پیمان دیرینه اش با کارگران و زحمتکشان جامعه کهنه - و در حالیکه

و عراق وزیر خارجه الجزایر اظهار داشت که ما سعی خواهیم کرد معاهده مرزی بین ایران و عراق که در سال ۷۵ منعقد گردید را به تصویب طرفین برسانیم. وزرای خارجه مزبور ملاقات های خود را با طرفین درگیر در جنگ "طرح صلح" اعلام داشتند.

با طنین فریاد "زنده باد کمونیسم ... لوزه براندام مزدوران جلا درهم سفاک پهلوی انداخته بود با قلبی پر امید و قاضی برافراشته به پیشواز شهادت شتافت و به این ترتیب صفحات تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان بار دیگر بخون یکی از درخشان ترین چهره های انقلابی جنبش کمونیستی ایران گلگون شد. رفیق روزبه زمانی به استقبال شهادت شتافت و در شرایطی به دفاع از مارکسیسم - لنینیسم پرداخت که رهبران خائن حزب توده - با چون گیائوری ها و ظبری ها فرار را برقرار ترجیح داده و یا چون قریشی ها و شرمینی ها و بی شومان دیگر به خدمت دشمنان خلق درآمده بودند و به رژیم وابسته ی پهلوی پس از سرکشی جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده ها می کشید تا با استفاده از خیانتها و انحرافات حزب توده کمونیسمو کمونیستهارا بی اعتبار کنند.

بقیه در صفحه ۶

تنها ۴۴ دانش آموز در یک درگیری از یک دبیرستان



عکس فوق یکی از کلاس‌های دبیرستان
 دکتر شریعتی، کرج را نشان میدهد اما
 فقط ۴ نفر در یک کلاس نشسته‌اند و بقیه
 نیمکت‌ها خالی است. مابقی این کلاس
 قربانی سیاست‌های جنگ طلبانه و تجاوز -
 کارانه رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند. طبق
 گزارش روزنامه اطلاعات ۸ اردیبهشت در
 عملیات به اصطلاح "الفجر" که رژیم در آن
 وعده "پیروزی کامل سپاهیان اسلام بر کفر"
 را داده بود تنها ۴۴ دانش آموز از یک
 دبیرستان کشته شدند. تنها ۴۴ نفر در یک
 درگیری و از یک دبیرستان - میتوان حدس
 زد که طی این جنگ ارتجاعی چنده هزار نفر
 از دانش آموزان مدارس سراسر کشور قربانی
 سیاست‌های رژیم شده‌اند. جنگی که تا بحال
 قریب نیم میلیون کشته، زخمی و اسیر به
 جای گذاشته است جنگی که هیچ نتیجه ای
 جز فقر، بیماری، آوارگی، و غم و ماتم
 برای مردم به همراه نداشته است. این
 نوجوانان قربانی عقب ماندگی جامعه و
 حیل‌های ملایان روبه صفت جمهوری اسلامی
 شده‌اند. این دانش آموزان را با وعده‌های
 رفتن به "بهشت"، در اصل به جهنم ساخته
 شده به دست دو رژیم فد خلقی ایران و عراق
 فرستادند. بیشک چیزی نخواهد گذشت که
 با پایان مفتضحانه جنگ، بدون آنکه رژیم
 ایران قادر باشد از ارتجاعی مدور انقلاب
 خود را عملی سازد، توده‌ها به عیب بودن
 جنگ ارتجاعی و قربانی شدن در راه توطئه
 های شوم جمهوری اسلامی واقف شوند. اما
 مسلماً بسیاری از دل‌بستگی‌ها شیکه آنها در
 راه واهی "گسترش اسلام" از دست داده‌اند
 قابل جبران نخواهد بود. نهایتاً خود یا
 سرنگونی عاملین اصلی جنگ عیب بودن آنها
 به رژیم نشان خواهند داد.

"بنیاد مستضعفین"

دفتر بازرگانی "بنیاد مستضعفین"
 سالانه ۳۰۰ میلیون دلار داد و ستد انجام
 میدهد. در واقع "بنیاد مستضعفین" به یکی از
 بزرگترین سازمانهای بازرگانی و تجاری
 ایران تبدیل شده است که به تنهایی مسئول
 ۹۰ هزار کارگر و کارمند در کارخانجات و
 شرکت‌های تحت کنترل خود میباشد. دفتر
 بازرگانی بنیاد سعی در مرکزیت بخشیدن به
 امر خرید و اسفند بختی، مواد خام، ابزار
 ماشین آلات، مواد شیمیایی و وسایل اولیه
 برای کارخانه‌ها و شرکت‌های تحت کنترل خود
 مینماید. بنا بر گفته سرپرست
 دفتر بازرگانی "بنیاد مستضعفین" در سال
 گذشته این دفتر مبلغ ۲۱۰ میلیون دلار برای
 اینگونه سفارشات پرداخته است که تماماً با
 شرکت‌های غربی صورت گرفته است. در سال
 جاری این مبلغ به ۳۰۰ میلیون دلار بالغ
 شده است. این ارقام تنها بخشی از مبلغی
 است که "بنیاد" صرف کرده است. بازرگانان
 خارجی اظهار میدارند که بطور مداوم -
 معاملات مستقیم با کمیته‌های تحت کنترل
 "بنیاد مستضعفین" انجام میدهند.

نیم میلیون کشته،

زخمی و اسیر

به گزارش روزنامه تایمز لندن (مورخ
 ۲۶ آوریل ۸۳)، جنگ ایران و عراق تاکنون
 در حدود نیم میلیون کشته، زخمی و اسیر
 بر جای گذاشته است. طبق آمار موجود،
 عراق هنوز ۲ هزار تانک در اختیار دارد،
 در حالیکه ایران تعداد ۱۲۰۰ تانک دارا -
 میباشد. تعداد هواپیماهای عراق در حدود
 ۳۵۰ فروند است که ۳ آن قابل پرواز
 است، حال آنکه تعداد هواپیماهای قابل
 پرواز ایران بین ۸۰ تا ۱۰۰ فروند میباشد.

دو دلار ارزان تر

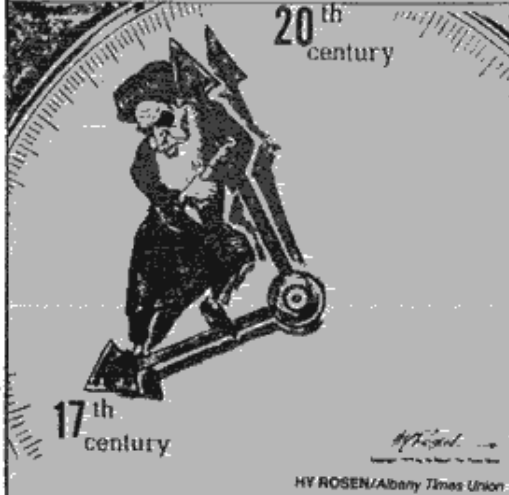
به گزارش فایننشال تایمز (۵ مه ۱۹۸۲)
 وزیر منابع و بازرگانی ژاپن اخیراً در -
 کویت اعلام داشت که ایران موافقت کرده‌است
 که مبلغ ۲ دلار در هر بشکه کمتر از قیمت
 رسمی اوپک به خریداران ژاپنی تخفیف دهد.
 در نتیجه دیگر مشتریان ایران نیز احتمالاً
 درخواست کاهش قیمت خرید نفت خود را به
 میزان مشابه خواهند نمود که این خود ضربه
 جدی به نرخ توافق شده اوپک در لندن در ماه
 مارس گذشته بشمار میرود.

معامله با "شیطان بزرگ"

روزنامه واشنگتن پست گزارش داد: "بر
 طبق اعلام مقامات کانادا، راه آهن جمهوری
 اسلامی با شمه کمپانی جنرال موتورز آمریکا
 در کانادا وارد مذاکره‌ای یک هفته‌ای جهت
 خرید لکوموتیو از این کمپانی شده است."
 قیمت لکوموتیوهای مزبور هر یک یک میلیون
 دلار اعلام شده است. سنگوی جنرال موتورز
 کانادا در رابطه با فروش عینی لکوموتیو -
 های مزبور و اثر آن در افکار عمومی جهان
 گفت: کانادا هیچگونه تگرانی در این
 زمینه ندارد و بر توسعه مناسبات بازرگانی
 بین کانادا و جمهوری اسلامی که در زمان
 گروهان گیری قطع گردیده بود شرح و اعلام
 داشت که صادرات کالاهای تجاری کانادا به
 ایران در سال ۸۲ بالغ بر ۱۵۰ میلیون
 دلار بوده است.

نه محافظه کار و نه رادیکال

به دنبال شدت تضادهای خط حجتیه و خط
 امام، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای
 اسلامی، جهت پوشش بر بحران موجود در -
 حاکمیت سیاسی در سخنرانی در کنگره حزب
 جمهوری اسلامی عنوان نمود: "در حاکمیت نه
 محافظه کار وجود دارد، نه رادیکال، همه
 مسلمانیم و اتفاق نظر داریم، حال شاید بر
 سر مسأله‌ای اختلافی نیز داشته باشیم."



اطلاعات



معيار نزدیکی

حاشی شیرازی امام جمعه شیراز در -
ملاقاتی با مسئولین کمیته امور منعی شیراز
اعلام داشت :

چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه
۱۳۶۲ - شماره ۱۶۹۸۶

دید اسلام این نیست که دولت، زارع
تاجر و کارخانه دار باشد

بازاریان، نزدیکترین عناصر به
روحانیت هستند

شیراز - مسئولین جدید کمیته امور منعی شیراز
همراه نمایندگان بازاریان و اصناف این شهر، پس
حجت الاسلام حاشی شیرازی امام جمعه شیراز دیدار
و گفتگو کردند.
بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، امامجمعه
شیراز طی سخنانی در این دیدار علکرد بازار در
گذشته و حال را تشریح کرد و با اشاره به آثار سوء
تدریس علوم انسانی فاسد در دانشگاه در گذشته به
روی افراد گفت: انتشار مردم هرگدایه حوزه نزدیکتر
و از دانشگاه دورتر بودند. خطشان سالمتر ماند، و
بهین جهت شش در بازار خط نمی بیند و اگر گناهی
هست گناه خطی و اعتقادی نیست. گناه اقتصادی
است.

بازاریان، نزدیکترین عناصر به روحانیت
حجت الاسلام حاشی افزود : در بازار التزام
تخلی و التزام به نماز بیشتر از همه جا پدیده میخورد
و تقلید در گوشت و پوست و استخوان بازاریان نمود
کرده و بازاریان نزدیکترین عناصر به روحانیت بوده
و هستند.

وی افزود : چون این قشر صمیمیترین اقشار
نسبت به روحانیت اند و دولت همال روحانیت نشانی
گرفته پس بازاریان صمیمیترین اقشار نسبت به دولتند
و دولت اگر فکر کند که اینها دوستش نیستند و به
غیر اعتماد کند، اشتباه کرده است. و دولت باید سیاست
خود را در حفظ این قشر و این قدر هم سیاست خود
را در حفظ دولت هماهنگ کند.

تجارت، بهره کشی نیست.
امام جمعه شیراز آنگاه مسئله احتکار و گرانفروشی
را مطرح کرد و گفت : نه دولت طرفدار متحرک است
و نه بازاری، و دید اسلام هم این نیست که تجار و
دولتی کتد و دولت بخواد زارع، تاجر و کارخانه
دار باشد، و ما هم معتقد نیستیم که تجارت آستار
و بهره کشی است، منتهی هدف باید خدمت باشد و
مومنین خادم بکدیگر باشند.

وی در پایان خواستار همکاری همهجانبه
بازاریان با مسئولین دولتی در حل گرفتاریهای مردم
شد و گفت : تنها با گرم کردن پشنا و یکی شدن
معلوم میشود فساد از کجاست، و بهترین کار است
که در هر صحنی آزادی راهها را زیر نظر بگیرند و
ببینند دشمن از کجا و از چه میشود.
امام جمعه شیراز همچنین نسبت به مسکرات
تذکرش داد و گفت : حرام مرد، زن را محبوب می
کند و کسبه باید مانت دهند. افراد را که به صورت
شامه نگاه نکنند و حجاب را در خودشان اجساد
کنند. چون مسئله ما مسئله مردانی است که حجابشان
کم است و باید اینها را تذیر کنیم و این آئین اصلاح
است.

درخواست ریگان از خمینی

روزنامه واشنگتن تایمز در تاریخ ۲۴
مه ۱۹۸۳ نوشت که ریگان رئیس جمهور آمریکا
در یک پیام که از طرف گاخ سفید مادر شد
از خمینی خواست که تعقیب و آزار ۲۲ تن
از اعضا فرقه بهائیت را متوقف نماید. وی
در پیام خود به خمینی اشاره کرد که :
"این افراد مرتکب هیچگونه تلف سیاسی
و یا جرائم جناحی نشده اند. آنها در توطئه -
ای علیه سرنگونی رژیم شرکت نداشته اند و
مسئولیت قتل کسی را نیز ندارند". ریگان
در این پیام خود بطور ویژه از خمینی
خواست که مانع اقدام ۲۲ نفر از بهائیهایی
شود که محکوم به اعدام گردیده اند.

پیام ریگان به خمینی در عین حال به
این معناست که هیچگونه مخالفتی با اعدام
انقلابیون ندارد. بهمین دلیل نیز امپریا -
لیسم آمریکا ، همانطوریکه انتظار میرفت،
تا بحال در مورد کشتار ۲۰ هزار نفر از
انقلابیون و ۵۰ هزار نفر زندانیان سیاسی
که بیشتر آنها شکنجه شده و میشوند، سکوت
از پایت آمیزی کرده است و حتی اخبار مربوط
به این اعدام های دسته جمعی که در تاریخ
کم سابقه بوده است را نیز سانسور کرده اند.
سانسور اخبار این جنایات از جانب رادیو،
تلویزیون، روزنامه ها و مجلاتی انجام
گرفته است که مثلا دستگیری یک نفر در
فلان کشور سوسیالیستی را بارها و بارها به
صورت مختلف و تفاسیر گوناگون پخش میکنند.
مگر از امپریالیسم انتظار دیگری هست ؟



و کوشه که همه این ها قیام مسلحانه
کرده اند، در زندان هستند و یا بعضی از
توده های ها که جاسوسی کرده اند. " تیریزی
در آخر سخنان تاکید نمود " ما در زندان
های خودمان شخمی را که فقط کمونیست با عد،
نداریم. " .

۹۹ درصد

از محموله های پستی

به دنبال فشار مردم بر پست جمهوری
اسلامی مبنی بر نرسیدن نامه های ارسالی از
کشورهای خارجی به ایران و با خالی رسیدن
پاکت های نامه و همچنین دریافت نمودن
بسته های ارسال شده به خانواده ها در ایران
محمد جعفری مدیر کل پست جمهوری اسلامی
اعلام نمود: آمریکا و متحدانش مسئول این
کار هستند و از آغاز انقلاب تا بحال ۹۹
درصد از محموله های پستی توسط آمریکا و
سایر متحدانش به ایران ارسال نشده است .

"کمونیستی در زندان
نیست"

موسوی تیریزی ، دادستان کل انقلاب
اسلامی در مصاحبه ای با خبرگزاری آلمان
فدرال و اطریش گفت : "در باره مجازات
سی حجابها ، متخلفین از حجاب اسلامی محکوم
به خوردن شلاق، زندان و جرائم نقدی خواهند
شد". موسوی تیریزی در بخش دیگری از -
مصاحبه اش با بیضرمی عنوان نمود : " در -
زندانیهای ایران هیچکس به اتهام کمونیست
بودن زندانی نیست" و اضافه نمود: کمونیست
هایی که تخریب ترور و جاسوسی بکنند به
دادگاه انقلاب میروند اما کمونیستهایی که
چنین اعمالی نمیکند نه تنها به دادگاه
انقلاب نمی روند، بلکه در شرایط حاضر خیلی
از کمونیستها بدون هیچگونه مزاحمتی
مشغول کار خود هستند، اما کمونیستهایی
مانند اعضای پیکار، با چریکهای اقلیت

روزاول ماهمه (۱۱ اردیبهشت)

فکر و نابسامانی و دیگر عوارض نظام منحط سرمایه‌داری پدید دارد. اول ماه مه روزی است که قدرت تاریخی انقلابی ترین و بالنده ترین طبقه تاریخ سراسر جهان به نمایش گزارده می‌شود. حرکت تاریخ می‌آموزد که در عصر حاضر یعنی عصر پوسیدگی و فروپاشی نظام امپریالیستی و عصر تکوین نظام جهانی سرمایه‌دستی تنها یک طبقه تا به آخر انقلابی در جوامع بشری وجود دارد که می‌تواند بشریت را از چنگ استثمار، جنگ، تباهی، فقر، بیکاری و همه آفات دیگری که زایندهی نظام ارتجاعی سرمایه‌داری است رهایی بخشد.

درک مادیت تاریخ و شناخت قانونضدیه‌های تکامل جامعه نقش رهبری طبقه کارگر را بمنزلهی انقلابی ترین نیرو در عصر حاضر تعیین می‌کند. بدین معنی که تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت تضاد اساسی در جامعهی سرمایه‌داری است و تنها طبقه‌ای که وظیفهی تاریخی حل این تضاد و از بین بردن مالکیت خصوصی و نظام سرمایه‌داری را پدید دارد طبقه کارگر است. بعبارت دیگر طبقه کارگر که بنا به خصلت اجتماعی فعالیت تولیدی خود یعنی بر این اساس که در کارخانه‌ها و دیگر مراکز تولیدی بصورت جمعی بکار اشتغال دارد با مالکیت خصوصی در تضادی آتش ناپذیر پسر می‌برد و بی‌وقفه در جهت مود این نظام و ساختاری که در آن محصول تولید اجتماعی بصورت برآورد جامعه توزیع شود، حرکت می‌کند.

بابت برگزاری مراسم بزرگداشت ماه مه کارگران جهان از یکسو خاطره‌ی مبارزات خونین و قهرمانانهی هم‌زمان خود را بر طبله سرمایه‌داری استعمارگر و نیز خاطره‌ی پیروزی‌های خود را در عرصه‌ی مبارزات جهانی گرامی می‌دارند، و از سوی دیگر صفوف متحد و متشکل کارگران اراده‌ی آهنین آنان را برای درهم شکستن نظام طبقاتی سرمایه‌داری و ساختن نهن جهانی خالی از جوهر و پند و نشان می‌دهد.

اول مه یادآور مبارزات قهرآمیز کارگران ایالات متحده در سال ۱۸۸۶ برای بهبود شرایط کار، افزایش دستمزد و کاستن ساعات کار از ۱۱ ساعت در روز به هشت ساعت است. تظاهرات ۴۰۰ هزار نفره‌ی کارگران ایالات متحده در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ با شعار "هشت ساعت کار در روز" اگرچه در شیکاگو و بسیاری از شهرهای دیگر آمریکا وحشیانه بخن کشیده شد. اما خاطره‌ی کارگران قهرمانی چون "پارسنز" همواره الهام بخش کارگران سراسر جهان برای مبارزه در راه برابری و سوسیالیسم است.

تشیب روز اول مه بعنوان روز جهانی کارگر خود محصول مبارزاتی بی‌پایان و دیرینه از طرفی کمونیستها و

بقیه از صفحه ۳

کارگران سراسر جهان با دولتهای سرمایه‌داری است. اگرچه هنوز در بعضی از کشورهای صنعتی این روز، روز جهانی کارگر باز شناخته نمی‌شود اما آهنگ پر صلابت قدمهای کارگرانی که روز اول مه در ارضی نقاط جهان بر می‌روند ناقوس مرگ سرمایه‌داری و نظامهای سرمایه‌داری را می‌نوازد.

جشن اول ماه مه در ایران نخستین بار در سال ۱۲۹۹ برگزار شد. در آن سال به ابتکار شورای مرکزی اتحادیهی کارگران که از پانزده اتحادیه تشکیل شده بود تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت و جنبش کارگری و سندیکایی ایران در این تظاهرات کاملاً جلوهگر شد. در دوران خفقان و دیکتاتوری رضاخانی کارگران ایران جشن روز کارگر را اغلب پنهانی برگزار می‌کردند اما از سال ۱۳۲۰ که مبارزات ملی و کارگری در ایران ابعاد گسترده تری یافت مراسم اول مه بطور آشکار از جانب



روزان اتحاد و مبارزه کارگران را گرامی میدارند. کارگران برگزار می‌شد. در سال ۱۳۲۵ در تظاهرات اول مه بیش از ۲۵۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان شرکت کردند. در همان سال دهها هزار نفر از کارگران نفت حزب دست به اعتصاب زدند و طوسی همین اعتصاب به باره‌ای از خواسته‌های خود که یکی از آنها برسمت شناختن اول مه بعنوان روز کارگر و تعطیلی این روز بود موقتاً دست یافتند.

با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ به جنبش کارگری و سندیکایی ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد. رهبری جنبش کارگری بخاطر خصلتهای دنیاله روی سیاستهای فرصت طلبانهی خود نتوانست از تشکیل و قدرت نودها استفاده کند و سرانجام راه فرار و خیانت در پیش گرفت و جنبش به بیراهه کشیده شد. از آن پس جشن روز کارگر دوباره بصورت پنهانی در

تجمعات کارگری یا در نقاط دور افتاده کوهستانها به وسیله کارگران پیشرو و کمونیستها برگزار می‌گردید. پس از سرنگونی رژیم مشروطیت و سقوط پهلوی مراسم روز کارگر در ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ دوباره بصورت علنی برگزار شد. در این مراسم که به ابتکار "شورای هماهنگی برگزاری مراسم اول ماه مه" و عمدتاً بواسطه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار گردید صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان کمونیستها شرکت کردند. اما آن بهار آزادی رهبری نیافتد و رژیم جمهوری اسلامی که خود را حافظ شافع کارگران و زحمتکشان وانمود می‌کرد بزودی با اعمال سیاستهای سرمایه‌داری و استثمار کارگران و زحمتکشان چهره‌ی واقعی خود را بنمایش گذاشت. همه دامپلهای مبارزات ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی بیخ و پیشالی از آب درآمد و دوباره این تجربه تاریخی اثبات شد که در سرنگونی فقط رهبری طبقه کارگر پیروزی انقلاب را تضمین می‌کند.

امروز این واقعیت مسلم و تردیدناپذیر است که تمام چرخهای حناج و اساس موجودیت تمدن کنونی بشری به انگه بازاوان نیرومند طبقه کارگر و زحمتکش سراسر جهان در حرکت است. طبقه‌ی کارگر که تاریخ بشریت رسالت دگرگونیهای عظیم اقتصادی اجتماعی و سیاسی عصر حاضر را بردوش او نهاد است، تنها نیروی است که مبارزه‌ی سرنوشت ساز بشریت را بسوی پیشرفت و ترقی صلح و سوسیالیسم و جهانی عاری از هرگونه ستم و استثمار به سرانجام می‌رساند.

نیرو پیروزنده کارگران در انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ و پیروزیهای بعدی کارگران در اروپای شرقی، آسیا و آمریکای لاتین به تجربه نشان داد که چگونه پرولتاریا قادر است در راه نجات بشریت زیر راه استقرار سوسیالیسم در راه ایجاد جامعه‌ای نهنی از استثمار، ستم و بندگی گام بردارد. اما پیروزیهای کارگران طی مبارزات طولانی و انداختن تجربیاتی که غالباً بهای سنگینی در قبال آن پرداخت شده است بدست آمده است و امروز در بحبوحه‌ی اوضاع بحرانی جامعه‌ی ایران پس از نخستین قیامی که کارگران در شادوش سایر اقشار و طبقات خلق پشت سرکذاشته اند وظیفه‌ی بس سنگین و سرنوشت ساز به کارگران محول شده است.

تجربیات کارگران پس از سرنگونی رژیم شاه تا به امروز به آنها می‌آموزد که هیچ نیروی و هیچ شخصیتی بجز خود کارگران نمی‌تواند بار سنگین فقر و بدبختی را از دوش آنان بردارد و جامعه را از وابستگی به امپریالیسم و روابط فلاکت بار موجود نجات بخشد. این یکی از بزرگترین درسهای انقلاب ایران است. در

بقیه در صفحه ۲۱

۱۲ اردیبهشت، روز معلم را گرامی می‌داریم



روز هم اردیبهشت "روز معلم" و یادآور مبارزات بهرمانانه‌ی دهها هزار تن از معلمان و فرهنگیان شریف زحمتکش ایران در سال ۱۳۲۰ شمسی است. بیست و دو سال پیش در روز دوازدهم اردیبهشت معلمان تهران برای کسب خواستههای بحیث خود اعتصابی استوار و تنظیم را آغاز کردند و بدنبال آن در سراسر کشور است به راهپیمایی زدند. تجمع عظیم معلمان که بیست و دانشجو و دانش آموزان، روشنفکران، کارگران و زحمتکشان و عناصر انقلابی به آن وسعت و شکوهی بی مانند بخشیده بود در میدان بهارستان تهران بوسیلهی مزدوران رژیم وابستهی پهلوی بخون کشیده شدند. رژیم شاه خائن که از وسعت تظاهرات و پیگیری تظاهرکنندگان سخت بوحشت افتاده بود بوسه‌ی رژیمهای ارتجاعی و ضد مردمی سرکوب و حمله را آغاز کرد. یورش و تیراندازی مزدوران رژیم منجر به شهادت معلم مبارز دکتر ابوالحسن خانعلی و مجروح شدن چند تن از معلمان دیگر گردید. اما با شهادت دکتر خانعلی رژیم پهلوی زندگانی معلمان اوج بیشتری یافت. اعلام همبستگی اقشار دیگر مردم و تعطیل شدن مدارس و دانشگاهها و بحالت نیمه تعطیل درآمد ادارات و کارخانهها به جنبش اعتراضی معلمان ابعاد گسترده تری بخشید. رژیم شاه خائن عراسان از حدت و وسعت مبارزات معلمان که چشم انداز اوج مبارزات توده‌ها را نیز در پی داشت لایحهی افزایش حقوق معلمان را بوسیلهی دولت شریف‌قاسمی به مجلس فرستاد و با تصویب آن در صدد مهار کردن مبارزات معلمان برآمده مبارزات و تظاهرات معلمان با همه گستردگی و عظمت خود ناقد رهبری نیروهای آگاه انقلابی و ضد امپریالیست بود بهین جهت در بخش ساز سرداران دارو پستهی دکتر امینی خائسان - توانست رهبری "جامعهی معلمان" را بدست گیرد

یاد رفیق مرضیه احمدی اسکویی آموزگار فدائی و دوست جوانان روستا گرامی باد!



رفیق فدایی مرضیه احمدی اسکویی زنی است از نسل پرتلاش و مبارز زنان کمونیست که زندگی کوتاه اما پر شر خود را به شناخت از قانون ضد پیمایی تکامل جامعه آگاهی از مبارزات خلق ها کارگران و زحمتکشان و تلاش برای تسخیر شرایط حاکم بر جامعه ایران اختصاص داده بود.

رفیق مرضیه که در خانواده‌ی شریف و زحمتکش از تبار سرفراز خلق در شهرک "اسکو" متولد شده بود از همان کودکی با زندگی زحمتکشان و ستمی که بر آنان می‌رود آشنایی یافت. تلاش او برای ریشخندی فقر، نابسامانی و اختلافات طبقاتی، زمینهی لازم را برای آشنایی اش با سبیل اجتماعی سیاسی و مبارزاتی طبقاتی فراهم آورد.

رفیق مرضیه چه در دوران آموزگاری و چه در دوران تحصیل در دانشسرای عالی سپاه دانش و چه پس از آن همواره در صدد شناخت دنیای پیرامون، ارتقا سطح دانش سیاسی خود و نشر آن در میان روستا و اطرافیان خود بود. نقش فعال و برجسته فدایی شهید رفیق مرضیه احمدی اسکویی در سازماندهی اعتصابات دانشجویان دانشسرای عالی سپاه دانش و رهبری آن فراموش ناشدنی است.

رفیق مرضیه اگرچه استعداد سرشاری در فنون شاعری و نویسندگی داشت اما همواره می‌گفت: "من نمی‌خواهم با قلم زندگی کنم، بلکه می‌خواهم قضایایم را بازندگیم بنویسم". نوشته‌ها و سروده‌های رفیق شناخت او را از سبیل اجتماعی سلطه‌ی امپریالیسم و ستم دیکتانه‌ی که بر خلقها و زنان در جوامع تحت سلطه می‌رود به روشنی تصویر می‌کند.

عشق عمیق رفیق به خلق و کینه‌ی بی‌پایانش به دشمن خلق، از او آشنایی شمعید و مبارز ساخته بود. تحریک و روحیهی معترضانه و سرسختی اش در برخورد با مشکلات جنبش از بارزترین خصیصه‌های او بود. سرانجام رفیق مرضیه روز ششم اردیبهشت سال ۱۳۵۳ در نرسردی حماسه آفرین با مزدوران ساواک قهرمانانه به شهادت رسید.

نامش زنده و راهش پاینده باد.

هان ای خلق سنگش،
ای رنج برده سالیان دراز،
ای جوش کینه‌های کهنه،
ای نهایت درد های نهفته،
ای طنین سهندک فریاد های فرو خورده،
قیام کن.
زمان برخاستن است!

و به بهای خون خانعلی شهید و مبارزات معلمان سیند وزارت را بچنگ آورد و با دادن پاره ای امتیازات شلوار مبارزاتی معلمان را گهتر دهد.
- امروز معلمان ایران مانند همهی زحمتکشان دیگر در زیر شدید ترین فشارها و سرکوبها به مبارزات خود بر علیه رژیم مغز جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند.
بسیاری از آنان بعلت برخورداری از روحیهی زندگانی و کرایش به سازمانهای انقلابی و مخالفت با نظام آموزشی حاکم پاکسازی شده‌اند و تعداد کثیری از آنان در سبیل راهپیمایی تاریخ رژیم در اسارت بسر می‌برند. معلمان که عدالت از اقتضای پایینی و مانی جامعه هستند منافع طبقاتی شان با منافع کارگران و زحمتکشان شهرو روستا عجین شده است. از طرف دیگر آشنایی با کتاب و دانش آنان را غالباً از سطح نسبتاً بالایی از آگاهی برخوردار کرده است. بهین جهت در هر حرکت انقلابی جامعه معلمان دوشادوش کارگران و زحمتکشان در صف اول مبارزه جای گرفته‌اند.

دیر نیست روزی که معلمان دوباره دوشادوش کارگران و زحمتکشان دیگر ازین حکومت ضحوس را نیز چون سلفش پهلوی به گورستان تاریخ رهسپار کنند.

گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم و خاطر سهری معلمان رزمنده، فرزندان دلاور خلق صد به سرنگی صفایی فراهانی بهروز دهقانی غیر ضا نا بدل مرضیه احمدی اسکویی صبا بیژن زاده فاطمه امینی رفعت انزلی زنداد ایمانی هرمزگنجی بیانی رفیق کهنه پیش بهین عزتی حسین شیانی عبد الحکیم مخنوم رحمت منصوری خوجه محمد تیروندی عبد الحکیم شهنازی ابوالحسن خانعلی و ...

اول اردیبهشت

۱۶ آذری دیگر

کارنامه‌ی سیات چهارسال و نیمه‌ی رژیم جمهوری اسلامی نطع خوشینی از جنایت و خیانت است. این کاپوس نکتیت که شالوده‌ی سیطره‌ی خود بر سرزوش مردم ستمدیده‌ی ایران را تنها بر زمین اعتقادات پاک‌لانه‌ی بن‌شهای عظیمی از ناآگاهترین اقشار جامعه، زودباوری، توهم و اعتماد آنان استوار کرده‌بود، در معدوده‌ی همین چهار سال و چندماه از زندگی انگلی و ننگین خود حنان عرصه را بر زحمتگان جامعه تنگ کرده و چنان ابعاد عظیمی از بحرانیهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آفریده که عمتی جامعه را در همه شئون دستخوش تباهی و ناپسایانی کرده و همه ارزشهای اجتماعی را در آستانه‌ی اسمحلال و تلاش قرار داده‌است.

قتربت دیرشکن و تعمب خشکیدهای که خمیره‌ی اندیشه‌ی دولت‌مردان این حکومت سیاه را شک می‌دهد ریشه در ظلمات جاهلیت انصار گذشته دارد و رده آوردن این اندیشه‌ی بی رمق، این پیش سحدود و این تفکر شجره، ساسیات سیاسی ناهنجار و فرسوده‌ی است که ماهیتاً با آنچه که رنگ و بویی از رنده با ندگی، تنگام و بلوغ دارد از بین دندان می‌ستیزد. راستی کدام قلم می‌تواند دشمنانک ها، درنده - خصی‌ها و جنایات این رژیم لعنتی را که با ظلم اسلام* جامعه‌ای را به منجین عذاب و منطقه ای را به آتوب کشیده و - پنهان و آشکار - جز در خدمت امیر لیسنا حرکت نکرده، تصویر کند. امروز ایران ۱۰ صون* بزرگی است در دامان خونین خلیج و خیزر. شمار شهادت از مرز دهها هزار گذشته است. مردان زنان و حتی کودکان دیوانه‌وار شگبده می‌شوند.

کردستان در خون و کتوله بخود می‌بیچد. نپسفر خوزستان در تب‌جنگ و ویرانی از تیر افتاده است. موج سبکین اشتقاق و خفتان جامعه را فرو پوشانده است. چرخ تولید از حرکت باز ایستاده است. توهم، گرانی و ناپایی پشت کارگران زحمتگان را شکسته است. بیگاری در مرز انفجار می‌لرزد.

شکلی خانگی گریبانگیر میلی از مردم است. نفرت در توده‌ها می‌جوید، در توده‌هایی که مسم و دشمن‌شکن برخاسته و پالا هتک در هزار و پانصد ساله‌ی لعنت را در زیر پای استوارشان سرهم شکستند. توده‌هایی که آتش فروزان انقلاب را در چارگوشا میپنهان بر - افروختند و سنگر های آزادی را خشت خشت و هبر خشتی را به قیمت خون سوخ و سیاه هزاران مبارز جان برنگ تسخیر کردند. و اینک این رژیم حق و جنون از این رژیم صرخ و سالتوس همه‌ی آن سنگرهای سرخ را از توده‌ها پازین گرفته و بساط اقتدار پوشالی

خود را با نیرنگ و با منطق چماق و گلوله بر صرانه‌ی آرزوهای مردم بنا نهاده است.

یکی از بزرگترین سنگرهای انقلاب توده‌ها دانشگاه بود - و همیشه نیز خواهد بود. - این سنگر که پیوندی دیرینه و ناگسستی با جنبش زحمتگان و محرومان جامعه دارد در حقیقت بمثابة حنجره‌ی خونینی است که در دور و راهی خلق را همواره فیراد می‌کند. تاریخ مبارزات مردم ایران بجزه تاریخچه‌ی جنبش نون کمونیستی بوضوح نشان میدهد که بخت عظیمی از برجسته‌ترین کمونیستهای زمان ما از دانشگاه برخاسته‌اند. پلی که دانشگاه را به جامعه پیوند میدهد آنچنان استوار است که هیچ سلاحی توانایی انهدام آنرا ندارد. فرزندان زحمتگان جامعه و پروردگان جامعه‌ی طبقاتی در اثر ارتقا سطح دانش اجتماعی و سیاسی خود در دانشگاه به غل ا اصلی دردها و نابرابریهای اجتماعی می‌میرند و برای سوزانیدن ریشه‌ی دردهای بی افکندن جامعه‌ای نوین تا پای جان مبارزه بر می‌خیزند. دانشجویان آگاه و مبارز بکارخانه‌ها و بجان توده‌ها می‌روند و در مبارزات کارگران و زحمتگان شرکت می‌کنند، به این مبارزات سدا می‌دهند و پیشاپیش توده‌ها به حرکت در می‌آیند و ابزار آموزش علم رهایی بشریت را برای سازندگان راستین تاریخ فراهم می‌آورند.

آیا اینهمه خشم و عناد ارتجاعیون و سرسیردگان و وابستگان امپریالیسم را برنی انگیزد؟ آیا این کشت انقلابی دانشجویان چون خار در چشم ارتجاعیون و دشمنان خلق نمی‌خلد؟ از این رو دانشگاه که کانون مشتعلی از مبارزات توده‌ها به شمار می‌آید همواره آماج حقد و کین نیروهای ارتجاعی جامعه قرار داشته است و تاریخچه‌ی جنبش دانشجویی خود گواه صادقی بر این امر است.

جنبش دانشجویی که بر اساس وضعیت رژیم حاکم، تناسب قوای نیروهای سیاسی و ترکیب و توازن طبقاتی جامعه در هر مقطعی از تاریخ مبارزات توده‌ها از کیفیت ویژه‌ی برخوردار بود، در دوران استیلا و انقلابی که به قیام شکوهند بهمن و انهدام رژیم مخط پهلوی منجر شد بی‌گمان در مناسب‌ترین و بهترین وضعیت ممکن قرار داشت. در حقیقت دانشگاه بمنزله‌ی ستاد انقلاب زحمتگان ریشهای - ترین و انقلابی‌ترین خواستهای کارگران و زحمت - گان جامعه را در قالب شعارهای اساسی انقلاب در سطح جامعه طرح و تبلیغ می‌کرد و از آنجا که این شعارهای انقلابی و "سیمبل آسا" در تعارض و رویاری با شعارهای مدعیان تصاحب قدرت که خواستار "باران" بودند قرار می‌گرفت نخستین رگه‌های اختلاف بین دانشجویان انقلابی و مدعیان کسب قدرت از همان زمان آشکار شد.

با استقرار رژیم جمهوری اسلامی و اعمال سیاستهای ضد خلقی از سوی این رژیم دانشجویان از نخستین اقشار جامعه بودند که به ماهیت جنایتگرانه‌ی رژیم می‌بردند و دریافتند که جمهوری اسلامی نه پشتیبان منافع کارگران و زحمتگان بلکه حافظ منافع سرمایه‌داران و زمینداران است. بهمین سبب بار دیگر برجم مبارزه در دانشگاهها برافراشته شد و افتخارگهها آفاق گردید. ایجاد نمایشگاههای عکس رازانه‌ی فیلم و نمایش مستند، سخنرانیهای افشاگرانه، بحثهای سیاسی در مورد ماهیت رژیم پخش اخبار کردستان و افتخاری در باره‌ی سرکوب خلقی کرد و کشتار و قتل و غارت رژیم در کردستان خشم حاکمیت را بر می‌انگیخت و حاکمیت چون ماری زخم خورده در مدار سرکوبی دانشجویان بود.

حاکمیت بقدرت خزیده و تازه به‌وران رسیده‌ی جمهوری اسلامی که از همان آغاز مبارز کردن و در هم کوفتن جنبش اوج گیرنده‌ی توده‌ها و جلوگیری از مبارزات ضد امپریالیستی - دیوکراتیک آنان را - وجهی

اول اردیبهشت

بقیه از صفحه ۱۳

همت خود قرار داد بود و طبیعتاً بدانشگاه با حق و کینه می نگریست و آنرا "بیب خوشه‌ای" می پنداشت از یکسو حاکمیت که سیاست باز سازی اقتصاد وابسته و سازش با امپریالیسم را دنبال می کرده، ادعای کار دانشگاهها را جهت تربیت نیروی متخصص مورد نیاز سرمایه داری وابسته ضروری میدانست. اما از سوی دیگر رژیم از وجود سنگرهای خونین آزادی و آگاهی که نقششان در روفش و سوبی بخشی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده‌ها بیش از پیش افزونی یافته بود سخت هراسان بود. حاکمیت می پنداشت که با ایجاد ۳۰ جنبه‌های اسلامی می تواند دانشگاهها را تحت کنترل خود در آورد. ولی با گذشت زمان و از دست دادن حمایت توده‌ها به "خطر" دانشگاهها که کانون عده افشاکری علیه سیاستهای ضد انقلابی رژیم در مورد کارگران و زحمتکشان و خلقهای کرد و ترکمن و عرب و... تبدیل شده بودند، می بود. از این رو از همان آغاز هر دو جناح حاکمیت طیفم اختلافانسان در شیوهی استعمار خلق علیه دعویشان بر سر کسب قدرت بیشتر و علیه پکوکیشان در باره شیوهی سرکوب، سیاست متحد و واحدی را در رابطه با دانشگاهها و مدارس عالی در پیش گرفتند.

هیئت حاکمه برای "استقرار" حاکمیت خود در دانشگاهها و جلوگیری از بیبوند فزاینده دانشگاهیان انقلابی با کارگران و زحمتکشان توطئه های گوناگونی را آزمایش کرد. اما همه این تشبثات با هشیاری و تدبیر دانشجویان آگاه و انقلابی نقش بر آب شد و هیچیک از تلاشهای حاکمیت به ثمر نرسید. با گسترش نارفایتی عمومی و اوج گیری اعتراضات کارگران و زحمتکشان و افت تب و تاب ماجرای اشغال سفارت آمریکا - حرکتهای ارتجایی و ضد مردمی حاکمیت تشدید می یافت. در فروردین ۵۸ حمله جدید به خلق کرد آغاز می شد و نیروهای انقلابی بهش از پیش مورد یورش رژیم قرار میگرفتند در چنین موقعیتی طرح توطئه جدیدی برای به بند کشیدن دانشگاهیان در دستور کار حاکمیت قرار گرفت. خمینی خون آشام در پیام نوروزی خود ردالت و وقاحت خود را به حد کمال رسانید و دانشگاهها، این سنگرهای مبارزه را که در سراسر سالهای خفقان آریا مبری پرچمدار مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقها بودند لانه فساد و آمریکائی خواند و نقشه



شوم یورش به دانشگاهها با پوشش عوام - فریبانه "انقلاب فرهنگی" طرح ریزی شد. اگرچه جزئیات این طرح ضد مردمی به وسیله دانشجویان مبارز فاش شد، اما بعد از رشته‌ای از زمینه سازیها و سخنرانیهای سران حزب جمهوری اسلامی حمله به دانشگاه در سراسر کشور آغاز گردید. روز اول اردیبهشت دانشگاهها به صحنه نبرد خونین میان نیروهای مترقی از یک طرف و چاقاقداران این حاملین "انقلاب فرهنگی" و پاسداران سرمایه از طرف دیگر بدل شد و طی درگیری چند روزه صدها نفر به خاک و خون کشیده شدند. این روز بار دیگر خاطره روز ۱۶ آذر را تداعی کرد که چگونه رژیمهای ارتجاعی و ضد مردمی آنجا که خواسته اند مبارزات توده‌ها را سرکوب کنند ابتدا از دانشگاه آغاز کرده و آنرا به خاک و خون کشیده اند. دانشجویان انقلابی و مبارز از جمله دانشجویان پیشگام به ایستادگی و پایداری در برابر یورش سازمان یافته ارتجاع که علیه حقوق و آزادی های دموکراتیک آنان در محیط دانشگاه انجام میگرفت برخاستند. آنان به دفاع از دستاوردهایی که با مبارزات قهرمانانه خلق به کف آورده بودند پرداختند و سرانجام پس از چند روز مقاومت با کشتار و غریب و جرح چندین تن از دانشجویان آزادبخواه و مبارز، نیروهای سرکوبگر به

زعامت بنی صدر خائن دانشگاهها را به تسخیر خود در آورده و به زعم خود حاکمیت دولت را در دانشگاهها، مستقر ساختند. بنی صدر خائن در سخنرانی خود در دانشگاه روز ولادت حاکمیت دولت را جشن گرفت و نشان داد که در برقراری امنیت برای سرکوبگران خلق و سرمایه داران از "قاطعیت" چشمگیری برخوردار است. بنی صدر که در جریان حمله به دانشگاهها سعی داشت یورش کورا و با شان چاقاقداران حزب الهی ها را با دوران دیشی کامل به حرکتی منسجم در جهت "سیاست زدایی" از دانشگاه و تخلیه دفاتر دانشجویی بدل کند، پس از چندی عملاً تعطیلی دانشگاهها را با منافع لیبرالها در تضاد دید. او دانشگاهی میخواست "تخصصی" "کادر پرور" که دانشجویان غیرغیاسی و سرمایه داران اشتغال داشته باشند. بنی صدر در نطق افتتاحیه سمینار "بررسی بحران دانشگاهها و مدارس عالی" نشانی دانشگاه مطلوب خود را چنین می دهد: "دانشگاهی که "دانش" "گاه" است، یعنی محل دانش است... اگر دانشگاه، دفاتر احزاب و گروههای سیاسی شد، دیگر دانشگاه نیست" (انقلاب اسلامی ۶۵/۲/۱۲).



مزدوران پاسدار در محوطه دانشگاه

اسناد



یورش مسلحانه پاسداران و اوباشان



صورت گرفت لازم به تذکر است هرگزاری این سخنرانی بدون اطلاع مسئولین دانشگاه و طبعی اطلاعیه‌های بدون امضا بوده است. متعاقب تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه به وسیله گروه‌های فوق و دعوت از مردم با بخش اطلاعیه‌های شماره یک و دو و سه عده‌ای را جهت پشتیبانی از تصرف ساختمان مرکزی راهی دانشگاه کرده‌اند که در بین آنها متأسفانه افراد مسلح به سلاح‌های سرد و گرم وجود داشتند.

در تهران چه گذشت؟

در پی تهاجم علیه دانشگاه تبریز، دانشجویان پیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان و سایر گروه‌های دانشجویی دانشگاه تهران با هوشیاری تمام اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های متعددی منتشر می‌کنند و طی آن نوطه تعطیل دانشگاهها را به اطلاع همه رساندند. بدینسان دانشجویان مسلمان در اطلاعیه خود نوشت:

بقیه در صفحه ۱۸

دست زدند. در پی آن جامعه روحانیت مبارز تبریز و عده‌ای از بازاربان به حمایت از نوطه‌گران پرداختند و قسمتی از بازار تبریز به صورت تعطیل درآمد و عصر روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ۵۹ بدعوت جامعه روحانیت مبارز از میدان خیرداری تبریز سوی دانشگاه که در تصرف انجمن اسلامی بود حرکت کردند و به این مناسبت نماز وحدت به امامت آیت الله مدنی برگزار شد.

رئیس و دو معاون دانشگاه تبریز از سمت خود استعفا دادند و از ۳۰ فروردین ۵۹ از خود سلب مسئولیت نمودند.

شورای دانشگاه تبریز در ارتباط با اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه تبریز توسط اشغالگران قطعنامه‌ای صادر کرد و در آن نوشت:

... این اقدام ظاهراً به دنبال تشنجاتی در جلسه سخنرانی حجت‌الاسلام رفسنجانی در تالار دانشکده پزشکی

مساجد منطقه از قبل و دعوت از مردم در روز عملیات با توضیح آن در مساجد.

نوطه تعطیل دانشگاهها از تبریز با سخنرانی هاشمی رفسنجانی عضو شورای انقلاب در تالار اجتماعات دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز و در روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۵۹ آغاز شد. او در متن سخنرانی خود که همه نیروها را به مبارزه علیه "حق و غرب" و مبارزه علیه افغانستان و عراق دعوت می‌کرد موجب شد که سؤا‌لهائی را از جانب دانشجویان مبارز و آگاه برانگیزد و با تشنجاتی که از جانب عناصر ارتجاعی ایجاد شد جلسه سخنرانی به هم خورد و بلافاصله دستای در دانشگاه و با شعارهای ضد کمونیستی و با ادعای "اسلامی کردن دانشگاه" به راه افتاد و با تهاجم به پلاکاردها، ساختمان مرکزی دانشگاه را به اشغال خود درآوردند. جماعت مستقر در ساختمان مرکزی اطلاعیه‌ای صادر کردند و متعاقب آن ارادل و اوباش در سطح دانشگاه به ضرب و جرح دانشجویان پیشگام و سایر نیروهای مبارز و انقلابی

تهاجم علیه دانشگاهها چگونه آغاز شد؟

پس از حوادث تبریز، از جانب نیروهای سیاسی سندی افشا می‌نمود که نشان می‌دهد شورای انقلاب برای تهاجم علیه دانشگاه و مراکز آموزشی کشور تدارک دیده‌اند. پس از این افشاگری، سندی از جانب "دانشجویان مسلمان" افشا شد که حقایق را به وضوح روشن می‌ساخت. این سند نشان داد که ۹ ارگان تشکلاتی به نام‌های ستاد مرکزی - روابط عمومی شورای هاشمی - انتظامات عملیات سازندگی - تدارکات تحقیقات و - برنامه‌ریزی، وظایف اشغال و تعطیل دانشگاهها را به عهده داشته است. وظایف ارگانها که در سند آمده است عبارت است از تهیه بوار سرود، آسباب قرآن و مقالات ایدئولوژیک - سیاسی و پخش آن در جلوی درب دانشگاه برای هفته اول عملیات، گذاشتن جلسات سخنرانی و توجیه کاری که انجام داده‌اند از طریق بلندگوی درب دانشگاه نصب پلاکاردها، شناسایی



شهید مصمن رفتی



شهید فریدون آهوری



عکس جسدها رتن از شهدای فاجعه خونین دانشگاهها را که به دست اوباشان اجیرشده رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفته است را نشان میدهد. نام‌دوستان از این شهدا مشخص نشده است.

فاجعه‌ای که بعنوان "انقلاب فرهنگی" در دانشگاه اهواز اتفاق افتاد

● کشتار وحشیانه دانشجویان در زندان اهواز حتی در ضد مردمی ترین رژیمهای تاریخ نیز بی سابقه بود ● در دانشگاه پاسداران جلوی چشم دانشجویان کلت را روی شقیقه یک دختر قرار دادند و شلیک کردند

"گزارشی از اهواز" مقاله‌ای است که مینا از نشریه "پیوند" (کانون مستقل استادان دانشگاه ملی ایران) سال اول شماره ۳ خرداد ۱۳۵۹ نقل میگردد.

پورش وحشیانه بیست و نه ساله‌های سراسر ایران در دانشگاه جندی شاپور در ماه مه‌ای بسیار سهمگین تروچنا بیت با پتر پیدا می‌کند. سیرجسوادت هفته‌های گذشته در اهواز بی‌خوبی نغمه‌های از پیش طر پر بی‌زبی شده رادراجرای توطنه‌های میریالیسم امریکاناست می‌کند.

در اهواز چند هفته قبل از پورش سازمان یافته به دانشگاه حملات سرکوتنگرا نه در سطح کارخانه‌ها و بخشهای دیگر شروع میشود. یکشنبه ۳۱ فروردین بدعوت جنت الاسلام جنتی در دانشگاه نماز جماعت با تمام "نماز و جنت" برگزار میشود. در این روز دانشجویانی که در دانشگاه بودند به میان مردمی که برای نماز به دانشگاه آمده بودند میروند و با آنها به گفتگو می‌پردازند. با توجه به ترکیب جمعیت هیچ برخورد خنثیست - آمیزیم در این روز رخ نمیدهد. جنت الاسلام جنتی با آنها همه این شرایط اعلام میکند:

امروز با دانشجویان کسانی نخواهیم داشت و تا روز سه‌شنبه به آنها وقت میدهم!
روز دوشنبه ۵۹/۲/۱ اعضا هیئت علمی دانشگاه میانیه‌ای را با ۳۰۰ امضا مادر میکنند که طی آن به محدودیت آزادیهای دموکراتیک در دانشگاه اعتراض نموده و خواستار استقلال دانشگاهها و ولتک مستقیم دانشگاهان در دکتورنوسی نظام آموزشی که همواره مورد درخواست آنها بوده میشود.

در این بیانیه همچنین، ایجاد شکاف در صفوف مردم و منحرف نمودن مبارزه ضد امپریالیستی محکوم شده و بر لزوم جهت‌گیری خدا مبریا لیستی مبارزه مردم تاکید جدی میشود. این بیانیه به تمام ارگانهای رسمی در سطح استان و کشور فرستاده میشود ولی در حالیکه رادیو تلویزیون بیانیه‌های تحریک آمیز متعددی (حتی از سوی محافل با هویت نامشخص) را مرتباً پخش میکرد از این بیانیه‌نگاری به میان نیامد.

جنت الاسلام جنتی، روز سه‌شنبه ۵۹/۲/۲ با صدور اعلامیه‌ای مردم را به برگزاری نماز در دانشگاه دعوت میکند. در اعلامیه‌ها اشاره شده بود که

دفا تردا دانشجویی قبلاً تخلیه شده است. ولی آقای جنتی مطمئناً میداند که دانشجویان هنوز در دانشگاه هستند. چنین شعارهای ضد آمریکا ای دانشجویان در محوطه دانشگاه حضور آنها را به روشنی اعلام میکرد. جنت الاسلام جنتی در سخنرانی خود دکتور دواشی رئیس دانشگاه را متهم به گزارش دروغ در مورد تخلیه مراکز دانشجویی مینماید و ادعا میکند که وی بشمورا ینگه تخلیه دانشگاه بدون برخورد صورت گرفته میخواست این نماز را به شکرانه آن، برگزار نماید. در حالیکه دعوت از مردم برای تجمع در دانشگاه عملاً نه در روز سه‌شنبه و نه فقط برای برگزاری نماز به شکرانه آراش، بلکه از روز یکشنبه همراه با تهدید دانشجویان صورت گرفته بود. اطلاعات دکتور دواشی نیز در رابطه با اتهام گزارش دروغ، بخشی از مسائل را روشن نمود.

روز سه‌شنبه عده‌ای از مردم بی خبر که واقعا فکر میکردند دانشگاه تخلیه شده، صرفاً برای برگزاری نماز به دانشگاه آمده بودند. ولی همراه آنها، چند مدافع از اوپاش مسلح به چاقو و قمه و میله آهنی که عده آنها خیلی بیشتر از نمازگزاران بود با آمادگی کامل برای حمله و کشتار به دانشگاه گسیل شده بودند. این عده در طول نماز اطراف محوطه دانشگاه کشتار و زنی می‌چرخیدند.

پس از برگزاری نماز جنت الاسلام جنتی شروع به تحریک جمعیت بر علیه دانشجویان میکند. در این حال گروهی با سنگ و چاقو به دانشجویان هجوم می‌برند و بلافاصله مهاجمین با شلیک‌های بیابایی پاسداران که محوطه را کاملاً محاصره کرده بودند حمایت میشوند. چند ساعت قبل از درگیری انومیلهای متعددی را در اطراف دانشگاه پارک کرده بودند و آنرا در محاصره داشتند و بیمارستان نماز: اهواز نیز به شرح روز سه‌شنبه به بیانیه‌خشی کردن همی که ادعا میشود در بیمارستان کار گذاشته شده بود هم میریزد. بدنبال تیراندازی پاسداران

* در حالی بیمارستان گلستان در محوطه دانشگاه دختر دانشجویی را میگیرند و از نزدیک با کلت به شقیقه‌اش شلیک میکنند. این جنایت آنچنان غیرمنتظره بود که عده‌ای از ناظران صحنه دچار رشک میشوند.

اوباشان انومیلهای را که زخمی‌ها را حمل میکنند متوقف کرده و سر نشینان آنها را مضروب و دستگیر میکنند. در این میان تهییج از سوی رادیو تلویزیون با شدت بیشتری ادامه می‌یابد. بعد از دستگیری نزدیک به ۷۰۰ نفر تعقیب درخیا با آنها شروع میشود. باره‌ای از اعضای انجمن‌های اسلامی به شناسایی افرادی پردازند. بسیاری درخیا با آنها و منازل توسط جماعت داران مضروب و دستگیر میشوند. تاکنون صدعربان چند دختر از کار گرفته شده است. در نزدیکی پل کارون جندی که با گلوله به قتل رسیده از آب گرفته شده است.

در محوطه دانشگاه، رادیو تلویزیون شروع به تهییج مردم میکند، از رادیو اعلام میشود که دانشجویان با مسلسلهای تیربارانه نماز گزاران حمله کرده‌اند! پیام جنت الاسلام جنتی که از دانشگاه کشتار و زنی برای رادیو فرستاده شد نیز پخش میشود که طی آن از مردم کمک خواسته میشود. (لازم به ذکر است که سرپرستی رادیو تلویزیون اهواز را پسر جنت الاسلام جنتی بعهده دارد). پاسداران مسلح، از داخل ماشینهای پارک شده تیراندازی میکنند. حمله وحشیانه به دانشجویان شدت میگیرد.

دانشجویان را با لگد، قنداق تنگ، چوب و میله آهنی و چاقو بشدت مضروب میکنند. پاسداران از فاصله‌های چندمتری به پای دانشجویان شلیک میکنند. گزارشی هست که یکی از همسین دانشجویان در بیمارستان به علت شدت جراحت به شهادت میرسد.

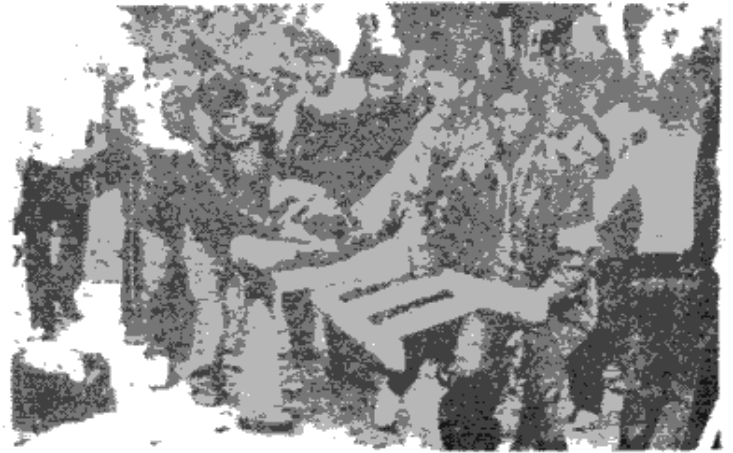
اوباشان مهاجم نسبت به دانشجویان دختری که از شدت ضربات بی‌هوش شده بودند با وقاحت تمام مرتکب اعمال زنده‌ای میشوند. دختر جوانی را از پا آویزان کرده و لباسهایش را در بریدن و با کابل به جان او افتادند.

دور زندانها، کشتار و شکنجه دستگیر شده‌ها ادامه می‌یابد. دهها زندانی را بشدت با کابلهای سیمی شلاق میزنند. دختران زندانی، به زشتی مورداها ت و آزار فرار می‌گیرند.

در روز پنجشنبه ۵۹/۲/۴ خانواده‌های دانشجویان دستگیر شده مقابل تالار شهرداری اجتماع کرده و به یادداشت شکنجه فرزندانشان اعتراض می‌کنند. دستگیرشدگان در داخل تالار نیز شروع به دادن شعارهای ضد امریکائی و خواندن سرود می‌کنند. در این حال پاسداران با سی‌رحمی غرقابیل تهوری بمبار می‌کنند و زندانیان را کتار می‌کنند و ۸ نفر از آنها را شهادت می‌دهند. رسانندوبیش از ۲۰ نفر از زخمی‌ها را کتار می‌کنند. کارگری را که در این اشرا اندازی گلوله‌ها به پاسداران تیراندازی کرده بود با آنکه سبب مرگ رازی در نزدیکی تالار شهرداری واقع است، آنقدر در تالار نگه میدارند تا از شدت خونریزی به شهادت می‌رسد. در اخباری که رسماً اعلام شده که زندانیان در تالار شهرداری شورش کرده و در این شورش ۴ نفر کشته میشوند که یکی از آنها دختری بنام مینا ز معتمدی است. در حالی که از گزارشهای رسیده معلوم است که پاسداران در زندانهای جداگانه نگهداری میکنند. بنا بر گزارشها، مینا ز معتمدی که در زندان به شکنجه وحشیانه خود و دیگر دختران زندانی اعتراض می‌کند، مورد حمله شدید قرار میگیرد. موهای سرش را می‌گیرند و او را روی زمین می‌کشند و بشدت مضروب می‌کنند و سپس بیکر مجروح او را به گلوله می‌بندند.

زندانیان دختر در کمینته ۲۴ متری بعنوان اعتراض بی‌کشتاری رحمانه دانشگاه و تالار شهرداری از ۵۹/۲/۵ دست به اعتصاب غذا میزنند.

پورش و جنایات و فجایعی که تحت نام انقلاب فرهنگی در اهواز صورت گرفت تاکنون دهها شهید و مدعا زخمی و بیش از ۷۰۰ زندانی بر جای گذاشته است. طبق اخبار رسوبات رسمی دو نفر از دستگیرشدگان تاکنون اعلام و ۹ نفر دیگر به دلائل سیاسی از دانشگاه اخراج شده‌اند.



صحنه‌هایی از یورش و باستان و پاسداران رژیم به دانشجویان در حریم دانشگاه

امروز رژیم جمهوری اسلامی با صحنه‌سازی در صده جذب به اصطلاح فارغ التحصیلان و دانشجویان خارج از کشور برآمده و با وعده پست و مقام و فریب بورس و مزایای دیگر تبلیغات وسیعی را در زمینه حمایت از دانشجویان و فارغ التحصیلان خارج از کشور آغاز کرده است. پرسیدنی است که اگر این رژیم قصد حمایت از دانشجویان و فارغ التحصیلان را دارد چرا از چندین هزار اسحاق و متخص و فارغ التحصیل بیکار که در اثر سیاستهای ضد خلقی و ضد فرهنگی رژیم در جامعه سرگردان مانده‌اند استفاده نمیکنند؟ چرا دانشگاه را باز نمی‌گشاید؟ بی گمان رژیم از این تبلیغات بی‌حاصل چند هدف مشخص را دنبال میکند:

- ۱- با جذب عناصر متزلزل و حزب الهی بخشی از نیاز خود را برای گرداندن دستگاه پوسیده بوروکراتیک - نظامی تأمین کند.
- ۲- حتی المقدور در میان دانشجویان شکاف اندازد و دانشجویان حزب الهی را از انزوا بیرون آورد.
- ۳- خود از انزوای سیاسی و رسوایی بین المللی عظیمی که در اثر افشای گری دانشجویان مترقی و عناصر مبارز بدان دچار شده است، بیرون آید.
- ۴- دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور را همچنان بسته نگاه دارد.

اما بدیهی است که همه این تشبیهات حاصلی جز شکست ندارد و در آینده‌ای نه چندان دور دست توانای خلق دوباره دانشگاه‌ها را می‌گشاید و این رژیم منحوس را روانه زباله دانی تاریخ میکند.

لیبرالها که چندی بعد موقعیتشان در حاکمیت بیش از پیش تضعیف شده بود مذبحخانه کوشیدند که با سوار شدن بر موج نارضایتی توده‌ها و دفاع دروغین از دموکراسی و بازگشایی دانشگاهها، بار اصلی گناه را به دوش جناح رقیب انداخته و با تظاهر به آزادیخواهی و دموکرات مآبی و "ایستادگی" در مقابل اقدامات ضد دموکراتیک حزب جمهوری اسلامی، وجهه‌ای در میان دانشگاهیان و توده‌ها کسب کنند. اما گسترش مبارزات دانشگاهیان مترقی و نیروهای انقلابی نشان داد که وقتی پای دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی در میان باشد، آقای بنی صدر و سایر لیبرالها به همان اندازه "آزادیخواه" و "دموکرات" اند که آیت الله خمینی و پاسداران حزب جمهوری اسلامی "ضد امپریالیست".

اکنون سه سال از بسته شدن دانشگاه و "انقلاب فرهنگی" می‌گذرد. حاصل "انقلاب فرهنگی" رژیم جمهوری اسلامی جز کشتار و ضرب و جرح دانشجویان، بستن دانشگاهها و بلاتکلیفی هزاران دانشجو و استاد هیچ نبوده است. بیش از پانصد هزار دیپلمه آماده ورود به دانشگاه یا به میدان جنگ اعزام شده، یا در زمره شهدا و زندانیان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند و یا آواره راهی کشورهای دیگر شده‌اند و یا بی‌کار و بلاتکلیف در انتظار تحولات آینده جامعه نشسته‌اند. در مدت این سه سال رژیم در اثر فشار توده‌ها بارها مسئله باز شدن دانشگاه‌ها را مطرح کرده است اما همگان میدانند که وعده‌های این رژیم مبنی بر بازگشودن دانشگاه جز دروغ و وعده‌های فریاد زبانه هیچ نیست.

در ادامه تهاجم مشترک دو جناح حاکمیت به دانشگاهها، همه مدارس عالی و دانشگاه - های کشور از پانزدهم خرداد سال ۵۹ برای مدت نامعلومی بسته شد. حاکمیت منفور در شرایطی که نیاز به پزشک، معلم و مهندس و... بیش از همیشه در سطح سلطنت احساس می‌شد، شورای هفت نفره "انقلاب فرهنگی" را به وجود آورد و با اشغال دانشگاهها به وسیله "جهاد دانشگاهی" که در برگزیده زواید حزب جمهوری اسلامی از قبیل "انجمن‌های اسلامی"، "دفتر تحکیم وحدت"، "جامعه اسلامی دانشگاهیان" و... بود "پاکسازی" یعنی تصفیه و اخراج دانشجویان و استادان انقلابی و مترقی را آغاز کرد. به دنبال آن موج سرکوب خلقی کرد، حمله به آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک خلق دامنه گسترده تری یافت، اما مبارزات دانشجویان و استادان انقلابی همچنان ادامه یافت. به دنبال اعتراضات وسیع و افشاگریهای مداوم نیروهای انقلابی و عناصر مترقی و دانشجویان و استادان مبارز، دانشگاهیان مردم را به شرکت در مراسم بزرگداشت "۲۳ دی"، سالگرد بازگشایی دانشگاه که در سال ۵۷ به دست توانای توده‌ها انجام گرفت فراخواندند. شرکت گسترده مردم در این مراسم که علیرغم تلاشهای همه جانبه نیروهای ضد انقلابی و مرجعین صورت گرفت مشت محکمی بود بر دهان یاوه گویانی که می‌کوشیدند با طرح شعارهای احمقانه‌ای مانند "امریکائی بودن دانشگاه" توده‌های زحمتکش را از دانشگاهها دور نگه دارند و برای اقدام ضد مردمی خود مستمسک بیابند.



حزب جمهوری اسلامی طراح اصلی قشه‌کشتار دانشجویان انقلابی است • شورای انقلاب مسئول مستقیم این فجایع است •

حزب جمهوری اسلامی و کمیته‌ها که طراح اصلی یورش‌های سراسری اخیر علیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی هستند، تلاش دارند توطئه خود را که بستن دانشگاه‌ها، سرکوب آزادی‌های سیاسی، کشتار دانشجویان و دانش‌آموزان و انقلابیون خلق است، به هر قیمت عملی سازند.

دیروز پس از باز شدن مجدد دانشگاه‌ها، اوباش و پاسداران باز دیگر مسلحانه به دانشگاه‌ها یورش بردند و تحت رهبری مسئولین حزب جمهوری اسلامی، در رشت و اهواز دانشجویان را به خون کشیدند و بیش از ده شهید دیگر به شهدای انقلاب ایران افزودند. هم‌اکنون حزب جمهوری اسلامی، با حرکات فاشیستی خود سعی دارد در شهرهای بزرگ باعث درگیری و مشخما خونریزی شود. اما از آنجا که این حزب و اوباشان وابسته به آن به علت رشد آگاهی مردم، دیگر قدرت پیشبرد هدف‌های خود را ندارند، به تحریک هرچه بیشتر ناآگاه‌ترین عناصر و بسیج آنها پرداخته‌اند.

در همین حال شورای انقلاب و رئیس جمهور که با صدور اطلاعیه‌های جمع و شنبه گذشته مشخما مسئول کشتار دانشجویان شناخته می‌شوند، می‌خواهند برای شهادتی که خود مسئول کشتار آنها هستند، به اصطلاح تشییع جنازه برگزار کنند.

رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود در دانشگاه، حزب جمهوری اسلامی را که طراح اصلی کشتار و شهادت دانشجویان و انقلابیون بوده‌است، عملاً تبرئه کرد رئیس جمهور مسئولیت شورای انقلاب را در این کشتارها انکار کرد و کوشید خود دانشجویان و نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد. شورای انقلاب اکنون هم می‌خواهد با سرگسزار کردن مراسم تشییع جنازه ضمن پوشانیدن مسئولیت خود در فجایع اخیر دانشگاه‌ها علیه این شهدا و آرمان آنها تبلیغ کند. ما این عمل شورای انقلاب را قویا محکوم می‌کنیم.

ما از همه هواداران خود می‌خواهیم که از شرکت در حرکات سازمان‌ها و گروه‌هایی که بدون مسئولیت و شناخت از موقعیت کنونی مانع پیشبرد سیاست‌های درست و اصولی می‌شوند، اکیداً خودداری کنند.

در لحظات حساس کنونی باید با هوشیاری کامل طابع از گسترش تحریکات حزب جمهوری اسلامی و ایادی آن گردید. در شرایط فعلی گسترش این تهاجمات که با بسیج عناصر ناآگاه و تحریک شده صورت می‌گیرد، به زبان نیروهای انقلابی تمام می‌شود.

ما از همه مردم آگاه و مبارز می‌خواهیم که این به اصطلاح مراسم تشییع را تحریم و ماهیت آن را افشاء نمایند. ما از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم طراحان و مسئولین فجایع اخیر دانشگاه‌ها یعنی حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب و هدف‌های آنان را از کشتار دهها دانشجو در سراسر ایران با کار توضیحی و تبلیغی خود بطور وسیعی در همه جا برای مردم تشریح نمایند.

پرتوان باد جنبش انقلابی دانشجویی سنگر دفاع از آزادی‌های دموکراتیک
برافراشته باد پرچم مبارزات انقلابی خلقهای قهرمان ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۵

خانه‌های سرحرکات ناشیست ارتجایی و کور تهاجم علیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی که خود طراح آن بودند در برابر مردم صحنه گذارند. در این مراسم تمام شعارها تحریک مردم علیه دانشجویان مبارز و ترفیخواه بود و محوطه دانشگاه مرکز اخت و تاز و بازم تحریک مردم و نیز دعوت آنان به آهیمائی به سمت علم و صنعت و سایر دانشگاه‌ها بود.

حجت‌الاسلام خانه‌ای در سن خطبه خود چنین گفت: امروز در دانشگاه‌های سراسر کشور، گروه‌هایی نمی‌خواهند بگذارند که دانشگاه کار درست و رسالت واقعی خود را به این مللک انجام دهد. دانشجویان مسلمان ما دیگر تحمل این را ندارند که ستاد گروه‌های مسلح ضداسلامی، سازماندهی را در داخل دانشگاه‌ها

بکنند. دانشگاه‌هایی که با خون ملت غنچه می‌شود مرکزی شود برای اینکه چند نفر قدرتمند علیه جمهوری اسلامی آنجا بنشینند عده‌ای را به ترکین بفرستند. عده‌ای را به کردستان، خانه‌ای در سخنان خود "نوبت" پیام شورای انقلاب و رئیس جمهور را به مردم داد. متعاقب آن در جمع شب پیام شورای انقلاب اعلام گردید. در این پیام به دانشجویان به مدت ۲ روز مهلت داده شد که دفاتر خود را برچینند و اگر چنانچه تا پایان روز دوشنبه اول اردیبهشت دفاتر تعلیم نشود شورای انقلاب و رئیس جمهور برای برچیدن این مراکز اختلاف مردم را فرا خواهند خواند. در ضمن در این پیام، دانشگاه‌ها از ۱۵ خرداد تعطیل اعلام شد و استخدام در دانشگاه‌ها از همان روز منسوخ اعلام گردید.

طرح این توطئه در ساختمان هفت طبقه‌ای در پشت سفارت سابق امریکا ریخته شده و سردمداران این حرکات اعتداف دهنفر و پس از چندی حدود ۲۰ نفر دیگر به جمع آنان اضافه شده‌اند و در نظر دارند با شعار اصلاح نظام آموزشی و تصحیح و پاکسازی محیط دانشگاه‌ها، محیطی ملو و باطنی و هرج و مرج به وجود آورند. در دانشگاه تهران آغاز

تهاجم دانشجویان انجمن اسلامی از روز چهارشنبه و از دانشگاه فنی آغاز شده و در روز پنجشنبه شدت بیشتری یافت. این تهاجم که از جانب عده‌ای اوباش غیردانشگاهی حمایت می‌شد به تمام دانشگاه‌ها و مدارس عالی تهران کشیده شد و ناگهان و همزمان تمام مراکز آموزش عالی به صحنه نبرد بین دانشجویان مبارز و ترفیخواه و عناصر مهاجم گردید. کشاکش و زد و خورد در دانشگاه پلی‌تکنیک و دانشگاه‌های دانشگاه تهران، دانشگاه ملی، دانشگاه علوم ارتباطات، دانشگاه مهدی رضائی موجب مجروح شدن عده زیادی شد و دانشگاه تربیت معلم با مقاومت سرسختانه خود کانون مقاومت دانشگاه‌ها شد. در این درگیری سخت، حدود صدها نفر زخمی و یک نفر کشته شد.

در آغاز تصرف دانشگاه از طرف انجمن‌های اسلامی دانشجویان بیاسیه‌هایی صادر شد و در آن سعی شد که زیر پوشش اسلامی نمودن دانشگاه‌ها و جایگزینی نظامی انقلابی و الهی عمل خود را توجیه کنند. روز جمعه و در مراسم نماز جمعه دانشگاه، شورای انقلاب از زبان خلقالی و

این عفرای جنایتکاره این شورای انقلاب است که بسوی مردم و

دانشجویان شلیک میکند

جنایاتی که در این چند روزه در رشت واقع شده است، بقدری وحشیانه و نفرت انگیز است که تنها بالا برنشانی

واقعیتهای قرآن باز هم به فریب مردم ادامه داد.

حنایکارتی که مسئول مستقیم کشتار جوانان انقلابی شناخته می‌شوند، یعنی عفرای (مهرکاد) رهبری حزب جمهوری

اسلامی، انصاری (استادار) و کریمی (داستان)، تنها با انکار نقش‌کنیف خود می‌توانند همچنان بسوی

مردم عفرای به امپریالیسم امریکا و سرافشاران داخلی ادامه دهند.

امروز حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و رئیس جمهور به این دلیل که دانشجویان فعالیت سیاسی می‌کنند، توسط "عفرای" ها و "انصار" ها در سراسر ایران آنان را به خاک



و خون کشیدند. سازمان دانشجویان بیستام

در نهایت فردایی که با آگاهی مردم رشت

و این جنایتکاران را در دادگاه خلق ۵۹/۲۷

محاکمه و به جزای اعمال ننگین خود برسانیم.

عفو ما مانه برای "چهره تا بناک و مقدس انقلاب"

در دانشگاه هم مطرح شده و بمناسبت همه اینها در دادگاه امور قضایی آقای پوراستاد به ۱۱ روز زندان محکوم شده و بمناسبت این محکومیت ایشان را سر دهمت معرفی کردند و من از شورای عالی قضایی سؤال کردم که محکومیت ایشان نقش شده ابرامی نقش کنند نقش شده بلکه ایشان نامشان در لیست کسانی که میبایست مسؤولفرمان امام قرار بگیرند معرفی شوند گذاشته شده اینها هم اختلافی بین آقای عزیزان و افراد شورای عالی قضایی است که ایشان میفرمایند کسی عفو می شود که زندان رفته باشد و اصلاً او نشان دهد که توبه کرده و اصلاح شده ، کسی که زندان نرفته چگونه عفو میشود و آقای عزیز سؤال کرده که اگر قرار است محکوم فرستاده زندان عفو شود خیلی غیراز ایشان مستند که باید عفو شوند ، که اینهم امیدواریم زودتر روشن شود . بنسی از برادران میفرمایند ایشان سوابق مبارزاتی دارند و در توزیع کالا هم تلفات مالی که نداشتند بلکه ابراهیمات همه ما دچار اشتباهاتی شده ایم . بنده مرضی می کنم اگر این در اجراء ۲ و یا ۴ و یا ۱۰ مورد بود ، یک چیز پیشنهادی بود ، همه ما مسکن است در مسکن اجرائی دچار گرفتاری بنسی لشکلات شده باشیم اما ۱۱۵ مورد و ۱۲۲ مورد تلفات ، سؤالم مجدد اینست که مردم راه نظام جمهوری اسلامی و به روش توزیع کالا و به وزارت بازرگانی خوشبین کرده ؟ به بین کرده ؟ چه چیز هائی در روزنامه ها نوشته شده و الان هم کتب پیش ادامه دارد ؟



محکومیتشان ، در روزنامه صحبت شده و گاهی هم پیش محترم میوان محلات اداری در مصاحبه با ایشان از تلفات یکی از نمایندگان صحبت کرده اند.

اظهارات موافق

سخنان گروهی سرپرست بنیاد شهید در دفاع از اعتبارنامه علی اکبر پوراستاد

آنکه آقای گروهی طی سخنانی در دفاع از اعتبارنامه آقای علی اکبر پوراستاد گفت :
بهر جهت در پایان ترمایش مرضی می کشد که اگر پوراستاد از جهت های پاک و شایسته و وطنی انتخاب و اعتبارنامه بدهد و لذا از همه برادران می خواهیم که رای بدهند برای کوری دشمنان و آتشی که جوسازی و نامبرگشتی حسی کرده

بخشی از اظهارات رفسنجانی در دفاع از زخا موشی

ایشان یکی از دوستان بسیار نزدیک ما بودند و در کارهای مهم بازار کما داشتیم آقای خاموشی در کنار رفتاری دیگر بهترین کمکها را ما می کردند .
آقایان بازار تهران را دست کم نگیرند .
ما در کارهای ۲۰ سالمان اگر برای مبارزه بون لازم داشتیم اینها بودند .
و شما گفتید و نفوذ داشتید در دادگاهها و آن اسناد را پیدا کردید و چهره هایی بودند که این اسناد را درآوردند و این طور چیزها را پیدا کردند .
در اینجا کلمه تروریست اقتصادی را بکار بردند بی اساسانه می بینیم افراد می آیند اینرا در مورد جاسوسان تایید می کنند بکار می بردند شما ارزش آن کلمه را هم از بین بریدید هرگز این جوری رفتار کند ما که اینها را نمی گوئیم .
من خوشالم که اینها در مجلس آمدند حزب جمهوری اسلامی با روحانیت مبارزه که این آقایان را کالبدی کرده بیشتر از شعاعا می شناسد . شما تازه باین مسائل رسیدید که حالا مطرح است . ما در این کارها صمیم تر بودیم و با اینها آشنا بودیم و چهره ها را خوب می شناختیم .
اینها بنده اسلام می خورند و بنده مجلس می خورند و من می بینم که در حرکت انقلاب اینها می بینند .
یعنی در آینده این دلیل نشود که بگویند چون آقای فسواد کرمی مخالفت کردند پس ما دعسوا داریم .
نه ایشان پله تمایز است و حق دارد و ما مسئول هم هستیم . و این مخالفت ها ممکن است باعث درگیری و احیاناً در مواردی نزاع هم بشود ولی خودشان را بنظر می اندازند برای اینکه افکار و نظریات را بگویند از آنها هم تشکر می کنیم .
شامم حرفهای همه را شنیدید و هرچیز تشخیص ندادید رای می دهید .

به دنبال بالاگرفتن تضاد جناح های درون حاکمیت و روکردن دزدی در وزارت بازرگانی ، علی اکبر پوراستاد ، نماینده مجلس شورای اسلامی به جرم سوء استفاده مالی به ۶۱ روز (!) زندان محکوم شد ولی باز دوبند دست اندکاران اسمعی در لیست زندانیان عفو شده قرار گرفت !

گزارش مجلس اطلاعات یکشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۶۲ شماره ۱۶۹۸۶

اظهارات مخالف

سخنان سید کاظم اکرمی در اعتراض به پرونده انتخاباتی علی اکبر پوراستاد

بسیار فراتر گزارش کمیسیون تحقیق ، آقای اکرمی نماینده بهار و گویا آنکه بنوان مترشیر و در دستانتخاباتی آقای پوراستاد طی سخنانی گفت :
با فرمایشات جناب آقای هاشمی بنسی از برادران میفرمایند که آیا جایی برای اینکه سؤالات بنده مطرح شود مانده است یا نه ؟ زیرا هرچشم ما سؤال کنیم و ایشان توضیح دهند ، فرمایشات جناب آقای هاشمی جلوی اینها را گرفته (آقای هاشمی - نه من در این باره صحبت نمیکنم) اما اگر در مورد اعتبارنامه برادری که تصویب شد در روزنامه ها و بر سر زبانها سالی نیست ، در مورد آقای پوراستاد در روزنامه ها مطالبی آمده از جمله اطلاعات چهارشنبه ۱۱،۲۷ که از تلفات ایشان و

خدا را خوش بویاید چنین عمل کنیم علاوه بر تلفات در توزیع نسبت به مردم که ۱۱۵ مورد است ۱۲۲ مورد تلفات هم ایشان در مورد توزیع آهن میان اعضاء مرکب نماندند بجای اینکه ۲۰۰۰۰ کیلو با اعضاء شرکت بدهند به بنسی از اعضاء تا ۵۰۰۰۰ کیلو داده اند البته آهن است و مسکن است بگویم که کم و زیاد دارد ولی به تفاوت بین ۲۰۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰۰ کیلو باید حول و وحوش ۲۰ هزار کیلو بچرخد ، نه یکی ۹۰ هزار کیلو برود یکی ۱۴ هزار کیلو . خوب اینها در روزنامه مطرح است .

مشت نمونه خروار

گوشه ای از اظهارات نظرهای نمایندگان مجلس در مورد خودشان

قسمتی از اظهارات فواد کرمی

نماینده مجلس درباره سید تقی خاموشی ، نماینده دیگر مجلس :

سید تقی خاموشی خاموشی مسئول بازار سیاه و افزایش قیمتها و اختکار و سایر مفاسد است و برای ملت تاکنون دانسته است ، ایشان و گروه توزیع کنندگان و ایستة پدایشان میباشند و هرچه شده سرپرست آقایان بوده است و پول هزاران تن آهن تولید شده و وارداتی کشور به جیب آقایان رفته است و بیعت و دولت در سختترین شرایط شریه وارد شده اند .
و بر اساس این مدارک آقای خاموشی تلفات انگار تهاجیری مرتکب شده است که مستوجب مجازات میباشد که قسمتی از این پرونده در اختیار بنده است چون اوراق و اسناد مربوط به بانکهای و گرانفروشی در رابطه با تهیه مقفل ...
بنده دیگر از این اسامی نامبرست مربوط به توزیع انحصاری کالا و لوازم خانگی است که آقای خاموشی سهمیه آنها را به یکی از افرادی خود میدهند که تاکنون یک بار ایشان به سبب گرانفروشی در دادگاه ستر محکوم به پرداخت ۱۷۰ میلیون تومان شده است .

وسیدگی اعتبارنامه سید تقی خاموشی

اطلاعات چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۲ شماره ۱۶۹۸۶

در روزنامه اطلاعات شماره ۱۶۹۸۶ یکشنبه ۲۹ تیرماه ۵۹ ، یک نمونه از این قبیل تلفات آقای خاموشی بدین ترتیب افشا میگردد : که اختکاری در انبار شماره ۱۴۲ واقع در خیابان یادآوران کشف و توقیف میگردد که در این انبار ۱۶۷۵ حلقه لاستیک و ۵۴۱۶ کابین روغن و سیمه هزار لامپ مهتابی و بسیاری از ارقام مرشد کالاهای دیگر اختکار شده بود و آقای خاموشی از مسئولین کمیته ۱۲ تقاضای رفع توقیف می نماید .

اکنون با وجود این تلفات اگر اعتبارنامه آقای خاموشی بدلیل شرکت در گرانفروشی ، اختکار ، انحصار و غیره بوسیله مجلس رد نگردد دیگر چه کسی میتواند در این کشور با گرانفروشی و اختکار و تروریسم اقتصادی مبارزه کند . از آغاز انقلاب تاکنون کمال توزیع کالا و مرتب بازار در دست آقایان بوده است اگر اینچنین قاجمعی در کشور جمهوری اسلامی اتفاق افتد و مایه ها تومان سوء استفاده شود و این چنین مجرمین فرار کرده و حساسه قضائی کشور را تصفیه نمایند و اکنون یکی از عوامل این جریان در مجلس می توان نماینده مجلس قانون گذاری اسلامی به دنیا معرفی گردد . آینده انقلاب و جمهوری اسلامی در خطر خواهد بود .

قسمتی از اظهارات خاموشی

مسئولیت نماینگی که امروز بریزیمت شخصاً خودم مایل نبودم ، بلکه روحانیت مبارز تهران و حزب جمهوری اسلامی بمن تکلیف کردند که بمنوان ، مسئولیت شرمی بپذیرم .

گرامی باد خاطره بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران

یازده سال پیش در سرگناه چهارم خرد از خون پنج تن از فرزندان قهرمان خلق بوسه‌ای مزد بزرگان رژیم در پیش پهلوی پر خالک ریخت و پنج شکوفه عطراکین انقلاب در خاک برپوشید. این رزمندگان اندلین سعید محسن و حنیف نژاد، بدیع زادگان، هسکیزاده و مشکین فام که با نغی روشهای لیبرالی و سازشکارانهی نهضت آزادی خط انقلابی خود را از خط منحط بازگانه و لیبرالهای هزارچهره دیگر مشخص کرده بودند سازمان مجاهدین خلق را بوجود آوردند و سادها روشاد وشر قدائیان خلق با رژیم منحوس پهلوی مبارزه کردند. آنان از آزمون سخت تاریخ سرفراز بیرون آمدند و خاطره شان عماره در یاد زحمتکشان زنده خواهد ماند.

یادشان گرامی باد!



مجاهد خلق محمدحنیف نژاد



مجاهد خلق بدیع زادگان



مجاهد خلق سعید محسن



مجاهد خلق محمود مگرری زاده



مجاهد خلق رسول مشکین فام

زنده باد همبستگی کارگران سراسر ایران

بقیه از صفحه ۶

زنده انهای رژیم اسپرند. رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی برای درهم شکستن اعتصابات و دیگر اشکال مبارزات کارگران به حیوانی ترین و فاشیستی ترین شیوهها متوسل شده است. کارگران بایز و قهرمان زویاها را بگولگی می بندد و کارگران گلپاشا - نجات زور را با سرنیزه سرکوب میکند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حتی کار رسوائی را بجائی کشاند است که در طرح قانون کارش با کارگران پستابه برده سرمایه دار برخورد کرده است. سرانهای این رژیم در ارتجاع محض فرا گرفته است. امروز دیگر ماهیت کثیف ضد کارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بر اکثریت بسیار عظیم کارگران آشکار شده است. و ماهیت رسوائی ضد انسانی و حکومت مستضعفین "خمینی این عوام فریب و شارلاتان تاریخ برهنگان آشکار شده است. پیش از چهار سال ستکری و جنایت ، دروغ و فریب، فقر و بدبختی کافی بود تا حتی توده های ناآگاه نیز بی به ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی این رژیم بپردازند. دیگر حتی عوام فریبی مزدوران و خود فروختگان سرمایه منظر حزب توده و اکثریتی های خائن این روسپیان سازش طلبانی که برچم خیانت به طبقه کارگر را بردوش می کشند تمام آنگه باختعاست. کارگران بخود روز افزونی آگاه میگرددند که سوسیالیسم تنها راه نجات آنهاست. آنها بیامی می خیزند تا طویر حیات تنگین این رژیم ضد بشری را درهم کوبند و هیچ نیرویی قادر نیست و جنبش توفنده طبقه کارگر را علیه ظلم و ستم و استعمار سد کند.

نه اعدام زنده زندان و کشتار دستجمعی کارگران هیچک قادر نیست در مبارزه آنها خللی ایجاد کند. این حکم نخطسی ناپذیر تاریخ و این رسالت دوران ساز کارگران است که برای همیشه جهان را از کتافات و پلید بیهای وجود سرمایه داران همه استعمارگران و نیز روحانیون مفت خور وانگ که کاری جز مفت خوردن و ادامه زندگی انگل وارشان به خرج کارگران و زحمتکشان ندارند پاک کند.

طبقه کارگر بدون وقفه در راه رسیدن به سوسیالیسم بهراند اخشن نظام جتنی برستم و استعمار، محو طبقات و ایجاد نظامی تپی از استعمار و ستم مبارزه میکند. اما امروز رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بر طبقه کارگر گولگی توده وسیعی از مردم را در معرض ستم اقتصادی و سیاسی قرار داده است. شرایط زندگی عموم توده های زحمتکش در وضعیت اسفباری است. اختناق ، تهور و بدبختی در میان عموم خلق را از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم کرده است. مجبورهای شرایط توده وسیع مردم را مبارزه علیه رژیم برانگیخته است. بنابراین طبقه کارگر که در راه سوسیالیسم مبارزه میکند، برای رسیدن به هدف نهائی خود باید در مرحله کنونی انقلاب رهبری عموم خلق را برعهده گیرد و با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی انقلاب دیکراتیک را بطرحام برساند.

کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود، با درک این واقعیت که طبقه کارگر در مبارزه خود علیه سرمایه دار سلاحی جز تشکل و اتحاد نیلویی ندارد باید عموم توده های کارگر را بنیز برچم سرخ سازمان که همانا برچم برافراشته مارکسیسم - لنینیسم است مبارزه علیه رژیم فراخواند و با ایجاد کمیته های مخفی کارخانه که در شرایط کنونی هدف اصلی آنها برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی است. هر کارخانه را به دستخیز ناپذیر مبارزه کارگران علیه سرمایه داران تهدیل کند.

آنها باید شعار اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه را وسیعاً در میان کارگران تبلیغ کنند. کارگران ایران در روز اول ماه مه بمنظور نشان دادن همبستگی خود با کارگران سراسر جهان علیه سرمایه داران ، بمنظور نشان دادن وحدت و یکپارچگی خود در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران باید همانند تمام کارگران سراسر جهان در این روز دست از کار بکشند، کارخانه ها را تعطیل کنند و علیه رژیم ارتجاعی حاکم دست به تظاهرات بزنند. هیچ قهروری از جانب مرتجعین قادر نیست، جلومارش ظفر نمون انقلاب ایران و پیشرفت تاریخ را سد کند. رژیم جمهوری اسلامی با فجا بیی که بهار آورده است، گور خود را کنده است و در برابر اراده خلیل ناپذیر توده ها، صحت رهبری استوار و شزلزل ناپذیر طبقه کارگر، بگور سپرده خواهد شد. کارگران در این مبارزه چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نخواهند داد اما در عرض جهانی را بدست خواهند آورد.

زنده باد همبستگی کارگران سراسر جهان
زنده باد سوسیالیسم، سرکوب بر امپریالیسم
پیشرو باد نبرد کارگران علیه سرمایه داران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
بسرقرار باد جمهوری دیکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفیق محسن فاضل از چهره های آشنا در جنبش کمونیستی ایران و از کادرهای سازمان پیکار بود که به پیشوی سالهای عمر خود را در مبارزه با رژیم شاه خائن گذراند. و چه در دوران آزادی و چه در اسارت هرگز تسلیم سرمایه داران نگردید و از شایع کارگران و زحمتکشان روی نگردانید. رفیق فاضل سالها نیز در سنگر خلیف قسطنطنیه با سرمایه داران و سرمایه داری مبارزه می کرد. شهادت رفیق فاضل در خرداد سال ۶۰ لگهی ننگ دیگری است بر دامان سیاه جمهوری اسلامی. یادش جاویدست.



گرامی باد خاطره رفیق محسن فاضل

(اول ماهمه) روز جهانی کارگر ...

بقیة از صفحه ۱۱
 دوران انقلاب توده‌های مردم در سپه‌ای گرانبهایسی
 آموختند که در یک دوران رکود و آرامش هرگز مجال نرا-
 گرفتن آنها پدید نی‌ آمد . یکی از در سپه‌ای مهم
 انقلاب ایران در این بود که ماهیت واقعی تمام افسار و
 طبقات جامعه و نمایندگان سیاسی آنها را آشکار کرد و
 نشان داد که هر طبقه و قشری در انقلاب چگونه عمل
 می کند .

امسال کارگران ایران جشن ماه مه را در شرایطی برگزار
 می کنند که ایران بیش از همیشه در چنگال اختناق و
 استثمار دست و پا میزند . میلیونها کارگر بیگار و سرگردان
 در سراسر مملکت پراکنده‌اند . بیگاری آوارگی بیماری و فقر
 در میان زمینکنان بویژه زمینکنان جنوب پدید آمده .
 کارگران با شرایطی پس دشوار و تحمل ناپذیر گردان میگردند .
 فضای سیاسی کارخانه‌ها مسموم است . و عناصر مزدور و
 خود فروخته‌ی حزب الهی می کوشند تا با شناسایی و معرفی
 کارگران پیشرو جو وحشت و بی اعتمادی را در کارخانه‌ها
 رامی بزنند . کارخانه هاوسله‌ی مزدوران پاسدار
 اشتغال نظامی است .

فرایند اعتصاب در کارخانه ها هر روز رشد بیشتری
 می یابد . مبارزات ساکنان خارج از محدوده بیشتر رشد
 می کند ناراضی‌های مردم بخصوص کارگران در روند اعتصاب
 سراسری عمومی سرانجام این رژیم منحوس را به همان
 سرفروختن محتوی دچاری کند که نتیجه‌ی مبارزات
 طبقاتی عصر حاضر است .

کارگران و زمینکنان خواستها و مطالبات اقتصادی
 اجتماعی و سیاسی خود را در برنامه‌ی عمل سازمان
 چریکهای فدایی خلق ایران متبلور می بینند . این برنامه
 که تنها برنامه‌ی انقلابی و برخاسته از ضروریترین و فوری-
 ترین نیازهای جامعه است منافع طبقات و افسار مختلف
 را در بر دارد .

گواهی باد خاطرۀ فدائی شهید امیر پرویز پویان



سوم خرداد یادآور حماسه‌ی قهرمانانه‌ی محله‌ی نیروی
 هوایی و مبارزه‌ی بی‌امان و شهادت افتخارآمیزی که از
 بزرگترین پیوندگان راه انقلاب خلق یعنی رفیق فدایی
 امیر پرویز پویان در کنار همزمزم و همسنگرش رفیق
 رحمت الله بیروندیری است .

رفیق پویان کمونیستی پیشرو و برجسته با خلافتی کم
 نظیر در درک مسائل سیاسی و اجتماعی است که نظرانش
 در راهگشایی و بیابایی جنبش‌نیز کمونیستی ایران سببی
 سزاوار دارد . رفیق در کتاب "ضرورت مبارزه‌ی مسلحانه
 و برد نشوری بقا" مبارزه‌ی مسلحانه را بمنزله‌ی یک ضرورت
 تاریخی در آن مقطع اعلام می دارد و با دیدی دیالکتیکی
 مکتبسم درهم شکستن پندی را که پشاورن توده‌ها و
 پشاهنگ توده‌ها قرار دارد نشان می دهد . پس از
 تدوین این اثر رفیق پویان با همزمزش رفیق سعید
 احمدزاده و رفیق عباس مقناهی - سیانگداران کسروه
 اولیه‌ی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - بنام
 سازماندهی نظامی می پردازند .

رفیق پویان چهره‌ی سرشناسی در میان هنرمندان
 انقلابی جامعه محسوب می شود . اگرچه رفیق محمود
 کارهای ادبی اش را چندان جدی نمی گرفت اما
 الهام بخش درون آن انقلابی ترین هنرمندان معاصر
 ایران رفیق فدایی خسرو گلشنی و رفیق فدایی سعید
 سلطانپور محسوب می شود . رفیق گلشنی نام او را
 بر پرچم ایران می نویسد و رفیق سلطانپور او را بعنوان
 بزرگترین منتقد ادبی تاریخ ادبی ایران می شناساند و با
 پادش می سراید :

می گمان مبارزات طبقاتی سبکینی که در عین جامعه
 ایران امروز جریان دارد چشمانداز آینده‌ی روشن را
 نمود می دهد . آینده‌ای که کارگران برجستهرین و
 حساس‌ترین نقش را در آن پهمده خواهند داشت *

" از مرگ نیرومند تر برخاستی ،
 و با جنجری دست باشتی ات خواندی ،
 آوازه‌های سرخ بلندت راه "

روزی فلاحت غنچه‌ی دریند *
 از رفیق پویان غیر از کتاب "ضرورت مبارزه مسلحانه
 و برد نشوری بقا" چند نوشته‌ی دیگر نیز در دست است .
 یکی مقاله‌ای بنام "خشکان از امپریالیسم و ترسان از
 انقلاب" که در آن رفیق مواضع منزلت و ناپیکیر خود را
 بورژوازی را تحلیل می کند . چند مقاله و ترجمه که به
 نامها "مستعار" "مخسبری" و "علی کبری" در زبان
 حیات رفیق در نشریات مختلف چاپ رسیده‌اند .
 رفیق پویان نه تنها نویسنده ، منتقد ، مترجم ، و
 تئورسینی برجسته بلکه پراتسینی سازمانده نیز
 هست . او پس از خرابه‌ی سیاهنگ و شهادت
 قهرمانان آن در اقدام انقلابی فریسیوی جنایتکار و
 جناده‌ی بانک آیزنهاور شرکت می کند و سرانجام روز
 سوم خرداد سال ۵۰ در یک جنگ نامبر در محله
 نیروی هوایی تهران ساعتها با مزدوران رژیم مبارزه
 می کند و سرانجام با فریاد زنده باد کمونسم با آخرین
 گلوله‌ی خود به زندگی افتخار آمیز خود خاتمه
 می دهد . پادش زنده و راهش پویان باد *

صحنه‌های از نظرات دانشجویان هوا دار با زمان بمناسبت روز جهانی کارگر



مونترال - کانادا



وین - اطریش

پتک است خون من در دست کارگر
 داس است خون من در دست بزرگر



سالروز شهادت فدائی خلق رفیق سعید سلطانپور

استقامت و پیام دمیدن سپیده‌ی انقلاب خلق .
 و این پیام خط سرخ است که استوار و چشمنواز
 در همه‌ی نوشته‌های سعید درخشان و فروزین دارد .
 زمینه‌ی هنر سعید به شعر و نمایشنامه نویسی
 محدود نمی‌شود . انتقاد آزرده‌گاه دیگری است که
 سعید با سلاح کاری اندیشه و قلم در آن جالش
 می‌کند و در این زمینه نیز چندین زمین‌های دیگر گاری
 می‌کند کارستان . سعید در کتاب "تویی از اندیشه
 نوی از هنر" دستگاه‌های تریس و طویل فرهنگ و هنر
 تلویزیون و برنامه‌های گدایی جشن هنر را به
 محاکمه می‌کشد . و عملکرد فدمردی و غد فرهنگی
 آنها را از زوایای گوناگون به معرض تعارض می‌گذارد .
 و نشان می‌دهد که :

" دشمن طبقاتی یا حسابگری و طرح ریزی های لازم
 ... شیوه‌ی تفکرات خرافی و کهنه‌ی دورانهای
 گذشته را که ریشه‌هایی سبب در آسمان و مقدرات
 دارد و به توجیه تمام هائب معیشتی و روانی مردم
 می‌پردازد و همواره تحمل امروز را بر پایه‌ی تقدیر
 ممکن میسازد و تریس می‌کند و میستاید و به چاپ و
 نشر آثاری چنین‌گدرد آن به تمامای تعنیات و تصورات
 عقب مانده‌ی مردم در راه‌ی آسمان و زمین و زندگی
 رعایت شده‌است در گدایی زمینه‌ها از مبانی دینی
 گرفته تا سایل علمی دست می‌زند ..."
 در همین کتاب رفیق سعید هنرمندان جهون و
 بزدلی را که در دستگاه‌های دولتی به قلم فروشی و

بگذار تا ستاره‌ی شش‌پیک
 دیوانه وار بگذرد از کپشکان خون -
 خون شعله بر شود .
 بگذار باغ خون ؛
 برخاک تیرباران ،
 بریز شود .
 بگذار بذر "تیر"
 چون جنگلی برود در آفتاب خون
 فریادگر شود ؛
 این بذرها به خاک نمی‌ماند
 از قلب خاک می‌شکند چون برق
 روی قلات می‌گذرد چون رعد ؛
 خون است و
 ماندگار است !

زندگی‌نامه‌ی رفیق سعید بی‌گمان کارنامه‌ی زندگی
 و ایستادگی انسان اندیشمندی است از دودمان کار
 و احساس و مبارزه . " فدائی نامیرا تیش " را از
 "گشتارگاه" می‌شنویم که برادر کردن "حسنک" را به
 برخاشی نرفته‌ی قهراد برداشته‌است و " آوازهای
 بند "ش تویی از اندیشه و تویی از هنر" ... را
 عرضه می‌کند .
 اندیشه‌ی سیالش تاریخ‌خانه‌ی تاریخ را میشکافد
 و پرده‌های کهن را بارنگهای زندگی امروزی آشنا
 می‌کند . رفیق پیام روشن دارد بنیاسی به روانسی
 آب و به سادگی نوازش آفتاب : پیام امید و پیام

... حسن هنوز از این جنگله‌ی بیخواب
 فدای خسته‌ی من رنگ دیگری دارد
 فدای خسته‌ی من سرخ و تند و طوفانی است
 فدای خسته‌ی من آن غبار را مات
 که روی قلب ششگرم سال می‌کوبد
 و سره‌های تهنه‌ی قویا شش
 روی مدار آینه و انقلاب می‌چرخد
 فدائی سعید حدان تند و طربزانی انقلاب بود .
 صدای شکستن زنجیرها و صدای حرکت ؛ حرکت
 موج . صدای سعید فردا را نپید می‌داد . فدای
 لبخند و فدای امید و آزادی را . سعید خود بسرای
 فردا نیست ؛ برای فردا رزمید ؛ و سرانجام برای فردا ،
 هستی سرخ خود را جانانه ایثار کرد .
 زندگی سعید آمیزه‌ای است از مبارزه و مقاومت
 در دو سنگر : در سنگر زندگی و در سنگر هنر .
 اما سعید روند زندگی را چنان به هنر مبارزه و هنر
 مقاومت پیوند داده‌است که تنگینه‌ی هنر او از زندگی
 او امکان ناپذیر است . زیرا که بزرگترین هنر سعید
 زندگی تپنده و انقلابی است که حساس‌سوار در
 سروده‌هایش می‌خورشد و در هنرش انعکاس دارد :
 آرام ... آی ... ما مردم آرام
 بگذار تا سپیده برآید
 بگذار با سپیده ببندند ؛
 پشت مرا به تیر .
 بگذار تا برآید آفتاب .

سعید سلطانپور

مردی اشتغال دارند بهادریش شد و سخره کن کرد . شهید سعید سلطانپور هنر پر انرژی و مراثت داشت . فرخی ، گلبرخی و صمد در سال ۱۳۱۹ در خانواده این کارگری متولد شد و پس از پایان دوره دبیرستان در دبستانها به تدبیر پرداخت . تدبیر در مدارس جنوب شهر تهران او را از زودبختی زندگی کارگران و زحمتکشان آشنا کرد . چهره‌های تکیه و اندامهای استخوانی ، چشمهای فرورفته ، استخوانه فقر فرهنگی انگیزه‌ی سعید در خنثی آثار هنری اش گردید .

شناخت سعید از دوره‌های اجتماع در چارچوب مدرسه و رخصتهای کوچک و بزرگ فرزندان کارگران و زحمتکشان محدود نماند . بران او در سه آیینهای کوچک بود که تنها چیزی از باقیبختی زاده خود منعکس می کرد . سعید برای شناخت بیشتر دردها و درمان آنها به درون جامعه رفت . در با مردم زیست . برای مردم زیست . از مردم الهام گرفت و سرانجام بسا شبها تر الهام بخش مردم شد .

سعید هر جا که رفت آنجا را به میدان مبارزه بر غده مظالم اجتماعی بدل کرد . چه در زمان پهلوی و بعد در روزگار حکومت اسلامی . او در انتخاب فرهنگیان که به شهادت و کثرت خائسی انجامید از مدرسه‌های به مدرسی بیکر رفت و با شعر از مبارزه سخن گفت و بسیاری از آمریکاران را در سه مبارزه آرضت . در مراسم تشییع جنازه تخیلی تهدیدهای آزارهای سوررئالیستی ساواک دانشگاه را به خیرچ گرفت و به بسیج افشارگانه پرداخت . در شبهای شعر سال چهارم هفت ، زیر سیطره‌ی خفقان و سانسور ، دلیر و استوار با خواندن اشعاری سوزان دوباره ایران و غارت امپریالیسم سرخفشی ساواک را در محرمندان جوان برانگیخت و فضای تازه‌ای در چشم انداز شعر مبارز ایران گشود :

"ایران من
ایران انقدر بهای فراوان
مفلوب
خاموش
شیرگرسنه خلت به فرزای آسیا ."

نمایشنامه‌ی "آمریکاران" را در سال ۴۹ به صحنه برد و در همان سال کتاب تریبی از هنر نوی از اندیشه‌ی راپنهانی تجدید چاپ کرد و دوباره زندان رفت . او در دادگاه بیرخنشگر و رزمنده ، محاکمات را به محاکمه کشید . پس از رهایی از زندان بلا فاصله نمایشنامه‌ی "چهره‌های سیمین منار" را به صحنه آورد و تاج گذاری و دادگاههای شاهانه را با تصاویری انقلابی و نموندمانده به اعتراض و سخره گرفت . و باز زندان رفت . چهل روز در کمیته در سلولی مقابل اتاق شکنجه

و پهلویهای قزل قلمه پسر برد . شکنجه دید و شکنجه شد . اما سرانجام به دلیل بازتاب گسترده‌ی دستگیری اش روزم ناچار آزادش کرد . در سال ۵۳ به جرم سرودن اشعار "آوازهای بند" مجدداً دستگیر شد . هفت ماه شکنجه‌های اقراری و انتقادی و جیره‌های اعتقاد رفیق را به سازمان چریکهای فدایی خلق استوارتر کرد . بیست و یک راه زحمتکشان و آرمان سرخ کارگران استوارتر کرد . بیست و یک پایهای ریش‌ریش ، پاهای تاول زده ، با زخمهای به استخوان رسیده از خلق سخن گفت و سرانجام بدین هیچ درمان به کمیته بازگردانده شد و باز شکنجه دید و سه سال در زندانهای قهر و این آرمانهای کارگران و زحمتکشان را در نوشته‌هایش فریاد کرد . در بیست و دوم خرداد ماه سال ۵۷ رفیق سعید از زندان آزاد شد و بی درنگ خود را به فضای پر تنش مبارزه افکند . ابتدا ناهمی

اعتراض آمیز کانون نویسندگان را احیا کرد سپس در شبهای شعر کانون نویسندگان در برابر جمعیت فریاد برکشید که "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و آنگاه با شعرهایش از انقلاب نزدیک سخن گفت و از اتحاد طبقه‌ی کارگر از حزب از شهیدان و از سازمان . رفیق سعید پس از چندی برای درمان راهی اروپا شد .

سیزده ماه در شهرهای عدیه اروپا با میتنگهای پرشور و کنفرانس‌های ساجواتی و صاحب‌های تلویزیونی بافتاری روزم و گزارش جنبش پرشکوه خلق و نقش سازمان چریکهای فدایی خلق در اجتهش پرداخت .

زندگی سراسر شور و مبارزه رفیق با بازگشت به ایران پیش از پیش در خدمت جنبش انقلابی قرار گرفت . سعید پس از قیام تأثیر مستند "مبارزات کارگر ایران ناسیونال" و "مرک بر امپریالیسم" را بر روی صحنه آورد . در این نمایشها رفیق سعید هنر نمایش را چنان با مبارزه طبقاتی در آمیخت که مانند آن در تاریخ تأثیر ایران سابقه نداشته است .

در سراسر زندگی انقلابی خود ، رفیق سعید روحی دلیر و رزمنده در تکاپوی مدافع بود ، او که جز به آگاهانیدن توده‌ها ، جز به پیروزی انقلاب توده‌ها نمی اندیشید ، هرگز با سازش‌طلبی و کرنش در برابر ارباب قدرت و خیانت به توده‌ها روی آشتی نشان نمی داد . در برتو عشق به توده‌ها و ایمان به خورشید انقلاب توده‌ها بود که از هنگام بروز نخستین آثار سازش‌طلبی و خیانت پیشکی اکثریت در برابر مشی و سیاست آنان ایستاد و با تمام توان و رزمندگی خود برای رسوا کردن آن‌ها کوشید . رفیق سعید چون دریا پرورش و خستگی ناپذیر بود و در جبهه از به گسترش انقلاب خلق با دشمنان آشکار و پنهان انقلاب مبارزه میکرد . سلاح اصلی او در این نبود هنر و اندیشه‌اش بود . شعرش گرم و گیرا آمیزهای از عشق و انقلاب بود . مانند زندگی اش .

رفیق سعید به عنوان نویسنده شاعر و کارگردان عضو کانون نویسندگان ایران بود . و به خاطر ارزش کار هنری و آزادی‌بخشی انقلابی اش در سال ۱۳۵۹ به

عضویت هیات دبیران کانون نویسندگان برگزیده شد و در سال ۶۰ نیز با آنکه در بازداشت بود همچنان در هم جمهوری اسلامی بود باز دیگر به سمت قبلی انتخاب شد .

رفیق سعید دلیر و رزمنده بود زیرا که از تبار خلق برخاسته بود . او با آن که از درونش ، جنتیگاری و سفاکت رژیم آگاه بود اعتقاد داشت که با فعالیتهای وطنی بهتر میتواند در خدمت سازمان چریکهای فدایی خلق و انقلاب قرار گیرد . او با پشتوانی ایمان به توده‌ها به استقبال خطرها می رفت و از همین رو تا لحظه بازداشت در جشن عروسی خود که به عروسی خون بدل شد زندگی علفی داشت .

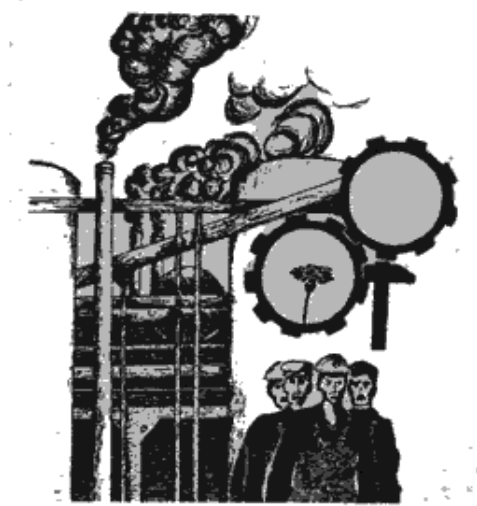
آخرین روز بهار روز ریختن عطر خون سعید برخاک وطن بود ، خون سعید با خون فدائیان و رزمندگان دیگر خلق با خون روزه با خون بهرنگ و با خون خسرویی که برق و لرزه بر ارکان خسروان بود و با خون توحش در هم آمیخت و آسج سینه‌ی دشمن گشت .

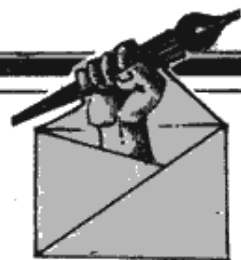
دلیری سعید ، عشق انقلابی و شاعرانه‌ی او به توده‌ها شعاعی در راه انقلاب و آزادی است . خون سعید چون آوازهای بندش انگیزه‌ی رزم آوری نیرو‌هایی است که استوارتر و توفنده تر از پیش در راه روشن فردا گام می زنند .

رفیق سعید در سنگر سرخ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران رزمند ، پرورش و تزلزل ناپذیر بود که با عشق عمیق به طبقه‌ی کارگر و همی زحمتکشان بطور خستگی ناپذیر و بی‌کیر برای آگاهی و بسیج توده‌ها در جهت پیروزی نهایی تا جان جنگید . امروز خون سعید چون پلکی در دست کارگر و چون داسی در دست پرورگر و چون شعلی در دست روشنفکران جامعه‌است .

تا مش جا ودان و روشن با یاد ارباب!

کلمات داخل گیومه نام کتابهای رفیق سعید است





از خوانندگان

● رفیق مهدی، پاریس - نامه بسیار صمیمانه شما رفیق کارگر را دریافت داشتیم ضمن توجه کامل به مطالب و تأکید بسیاری از نظریات شما و انتقال نکات مورد نظرشان به رفقای دیگر، درج رسمی و علنی جنبش مطالبی را درباره نویسندهگان مورد بحث شما در نشریه جهان در حال حاضر صحیح نمیدانیم. از برخورد مسئولانه شما در این زمینه و ارسال نامه با ارزشتان، قدردانی میکنیم.

● رفیق محمود از فلوریدا - نامه و چک ارسالی شما رسید.

● رفیق فرید - ایتالیا - یادداشت و آدرس شما رسید.

● رفیق مهران، تروی - نامه و نکات انتقادی شما همراه با ترجمه و شعر رسید. ضمن تشکر بسیار از دقت و همکاریتان، مطلب ترجمه شده را در اختیار "کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک زنان" و "کمیته ترجمه" سازمان آمریکا میگذاریم و در فرصت مناسب مورد استفاده "جهان" نیز قرار خواهد گرفت.

● رفیق لک از لیل، فرانسه - ۳ قطعه شعر خوب از شما رسید. به تدریج از آنها استفاده خواهد شد.

● رفیق علی، جنوا - شعر شما رسید. در فرصت مناسب از آن استفاده خواهد شد.

● رفقای هسته کپل - نامه شما رسید. استدلالهای شما قانع کننده نمیباشد. آپسا بهتر نبود نمونه‌ای از مطالب مورد نظرشان را برای ما ارسال میکردید؟

● رفیق جواد، نیویورک - عکس‌ها، کتب و نامه ارسالی شما رسید. ضمن قدردانی و تشکر از همکاری‌هایتان، انتقاد بجا و به موقع شما را می‌پذیریم.

● رفیق بهروز ب، هند - دو قطعه شعر شما رسید. بسیار متشکریم.

● "گروه آزادبخواهان پیشرو" - کتب و جوات شما رسید. بسیار متشکریم. ما را باز هم در جریان کارهایتان بگذارید.

● دکتر محمد ح. - یونان: نامه شما رسید. اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد.

● رفیق م. ا. بیکر - مقاله و اشعار شما رسید. ضمن تشکر از توجهات و قدردانی و استقبال از تلاشها و نوشته‌های ارزنده‌تان، به موقع از مطالب شما در "جهان" استفاده خواهد شد و در یک تماس کتبی اطلاعات لازم در دسترس‌را در اختیارتان خواهیم گذاشت.

● رفقای لندن - بریده‌های روزنامه و ترجمه‌های همراه آن مرتب به دستمان میرسد. ضمن قدردانی از زحمات شما، ارسال اخبار تفسیرها و نوشته‌های اقتصادی - سیاسی مربوط به اوضاع ایران مندرج در روزنامه - های مختلف، بسیار مفید خواهد بود.

● رفیق سیامک، آهایو - طرح‌های ارسالی شما رسید. بسیار متشکریم.

● "جامعه معلمان ایران" - اعلامیه شما رسید. ضمن تشکر با زحمات و درجریان فعالیت‌های شما بگذارید.

● رفیق منصوره از آلمان - نامه شما رسید. اطلاع از وجود شکل مترقی زنان در آلمان باعث خوشحالی است. نامه شما را در اختیار رفقای کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک زنان سازمان آمریکا گذاشتیم و آنها با شما تماس خواهند گرفت. برای اشتراک مجله "جهان" نیز بهتر است از طریق آدرس مربوط به پخش "جهان" در آلمان که در همین شماره ذکر شده است، اقدام نماید تا سریع‌تر و ارزاتر باشد. برای تشکر شما و فعالیت‌های مبارزاتی زنان موفقیت هرچه بیشتر را آرزو میکنیم.

● انجمن دانشجویان مونترال - کانادا: رفقا عکسها و گزارش آکسیون موفقیت آمیز شما رسید. سعی کنیم عکسهای سیاه و سفید بفرستید و نه رنگی. با تشکر از همکاری‌های مداوم شما.

● رفیق مقیم وین - اطریش - دو نامه، اعلامیه روز کارگر و عکس‌های شما رسید. با درود فراوان و آرزوی موفقیت‌های بیشتر در فعالیت‌های روزمره شما، متذکر میشویم که برای "جهان" چاپ عکس‌های سیاه و سفید مناسبتر از عکس‌های رنگی است.

● ر. ن. استانبول - ترکیه: رفیق از آنجا که سؤالات شما احتیاج به بحث و جواب مفصل دارد بتدریج به آنها خواهیم پرداخت.

● رفیق م. بیدار - انگلستان - شعرهای صمیمانه و پراحساس شما رسید. در فرصت مناسب از آنها استفاده خواهد شد.

● رفیق مهدی - فرانسه: انتقاد شما هم در مورد تقویم و هم در مورد نام شهدا کاملاً وارد است. ما نامه شما را به مسئولین مربوطه خواهیم داد که در آینده از رهنمودهای شما استفاده کنند. در مورد نام شهدا نیز ما سقیم که نمیتوانیم از تمام شهدای سازمان و دیگر نیروهای جنبش در "جهان" نام برده‌ایم. آنها را گرامی داریم. شما خود میدانید که شهیدان از شما رسی‌ها را ندانند. تلاش ما این است که به طور سبیلک و طی یادداشت کوتاهی از زندگی‌های آنها، سیمای از کسل‌شده‌ای خلق در "جهان" ترسیم نمائیم. شک نیست که در این رابطه کوتاهی‌ها نیز رخ میدهد. اگر چه در بسیاری موارد اطلاعات لازم در مورد بعضی از شهدا در دسترس نیست.

● رفقای هوادار، بروکسل - بلژیک: نامه شما رسید. اقدامات لازم را انجام خواهیم داد.

توصیه ما اینست که ترجمه و با تلخیصی از تفسیرها و اخبار مربوط به ایران مندرج در مطبوعات کشور محل اقامت خود را برای استفاده در "جهان" برای ما تهیه و ارسال دارید. با تشکر از همکاری‌هایتان

● رفقای بستن: گزارش حالت شما رسید. موفقیت‌های بیشتر شما را آرزو مندیم.

● محمد، انتاریو - کانادا: جواب سؤالات شما را همانطور که خواسته‌اید از طریق نامه‌ای برایتان خواهیم فرستاد.

● رفقای فدراسیون ترکیه و رفیق بهزاد، طرح و شعر شما رسیده که در همین شماره از آنها استفاده شده است. ضمن تشکر و قدردانی خواهان ادامه همکاری شما هستیم.

● فردشت - ا. لاقایت: یادداشت شما رسید. اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد.

● دوست عزیز منافر - هند: نامه شما و مطالب آن نما با نگرینات پاک و خواسته‌ها و بینش مردمی شماست. ما هم مثل شما خواهان وحدت در صفوف خلق و نیروهای انقلابی و مترقی هستیم لیکن تحقق این خواسته را بیش از آنکه تمایلات ما تعیین کند شرایط مادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و جنبش ایجاب خواهد کرد. ضمن تشکر در شماره آینده از جدول‌های ارسالی شما استفاده کرده خواهان تداوم همکاری‌های شما هستیم.

● حسن - ع. هانتویل: دوست عزیز نامه و چک شما رسید. ضمن تشکر اقدام لازم صورت میگیرد.

● اکبر، حیدرآباد - هند: رفیق اکبر از نامه محبت آمیز و تشویقی‌ها و انتقاد بجا شما تشکر میکنیم. علاوه بر شعرهای خوبی که فرستاده‌اید از نوشته‌های دیگر در زمینه نقد فیلم و غیره نیز استقبال میکنیم. در مورد شهید جلال و شعر مربوطه در شماره‌های دیگر سخن خواهد رفت.

تظاهرات کارگری در شیلی

آسوشیتد پریس گزارش داد روز پنجشنبه ۱۲ می، تظاهرات وسیعی به دعوت اتحادیه های کارگری شیلی با شرکت هزاران نفر کارگر و سایر اقشار جامعه، در سراسر شیلی انجام گرفت. تظاهرات مزبور، به دنبال فشار تورم و بیکاری حاکم بر شیلی و در اعتراض به حکومت نظامی پینوشه برگزار گردید. این تظاهرات توسط اتحادیه کارگران معادن شامل ۲۲ هزار کارگر و چند اتحادیه کارگری دیگر فرا خوانده شده بود. قبل از شروع تظاهرات، اتحادیه کارگران معادن مس یک روز اعتصاب عمومی سراسری فرا خواندند، ولی بعد از محاصره معادن توسط زره پوش و تانک های ارتش اعتصاب را به تظاهرات سراسری تبدیل نمودند. این تظاهرات بعد از ۹ سال به روی کار آمدن حکومت نظامی ژنرال پینوشه با موفقیت انجام یافت. در تظاهرات مزبور توده های کارگر، کارمند، دانشجو و دانش آموز و زنان خانه دار شرکت نمودند. مردم شیلی در همبستگی با تظاهرات با استفاده از تاکتیک های مختلف مانند نفرستادن فرزندان خود به مدارس، ترفتن به خرید روزانه، به مدار آوردن بوق های اتومبیل در مناطق اعیان نشین و بالاخره تظاهرات وسیع خیابانی در این حرکت اعتراضی شرکت نمودند. نیروهای نظامی با رگبار مسلسل به تظاهرات مزبور حمله کرده و حداقل ۲ تن را کشته و ۲۰۰ نفر را زخمی نمودند. رهبری اتحادیه های کارگری اعلام نمود که حداقل ۷۰ درصد از جمعیت ۱۱ میلیونی شیلی خواهان پایان حکومت نظامی میباشد (شرایط کنونی - ۲۰ درصد بیکاری و ۳۰ درصد تورم - نمایانگر وضعیت بحرانی حاکم بر شیلی است)

تظاهرات در شیلی

به دنبال تظاهرات سراسری در شیلی که چهارشنبه گذشته از طرف اتحادیه های کارگری این کشور فرا خوانده شد، شنبه ۱۴ می، هزاران نفر از مردم سانتیاگو، پایتخت شیلی، در مراسم تشییع جنازه دو تن از کشته شدگان این تظاهرات به دست پلیس، شرکت نمودند. همپوور بمبی قوی در مرکز پلیس واقع در ۷۰ مایلی سانتیاگو منفجر گردید.



بعد از نجات جم - قریب ۱۰۰۰ نفر در استادیوم معروف فوتبال سان سباستیان در سانتیاگو شیلی تظاهرات را منتهی نمودند.

دستگیری به دنبال تظاهرات

دستگیر و تحت محاکمه قرار گرفته اند. همچنین دوشنبه ۱۶ می هزاران نفر از مردم شیلی به جرم شرکت در این تظاهرات دستگیر و هم اکنون در استادیوم فوتبال سانتیاگو و سایر زندانها بسر میبرند. سن افراد دستگیر شده از ۱۴ سال به بالا بوده و ساعت ۵ صبح ۱۶ می دستگیری از محلات کارگری سن سانتیاگو و سایر مناطق شروع گردید.

به دنبال تظاهرات سراسری در شیلی که بر علیه حکومت نظامی پینوشه در چهارشنبه هفته پیش توسط اتحادیه کارگران معادن مس شیلی فرا خوانده شد، رادیو بی بی سی سه شنبه ۱۷ می در این رابطه اعلام داشت: ده نفر از رهبران اتحادیه های کارگری شیلی



United Press International

کارگردانی دولتی شیلی با وکلادانشجویان حقوق در محوطه دادگاه سانتیاگو شیلی گلاویز میشوند



Receiving instructions: guerrilla leader lectures his troops in the province of Usulután

یکی از فرماندهان چریکهای السالوادور برای نیروهای خود در ایالت اوسولوتان سخنرانی آموزشی ایراد میکند

جنبش چریکی کلمبیا

یونا بتدبیرس گزارش داد: چهارشنبه ۱۱ می جنبش چریکی ۱۹-۸۰ به یک پاسگاه پلیس واقع در جنوب غربی کلمبیا حمله و ۴ تن از افراد پلیس را به قتل رساندند. - سخنگوی نظامی کلمبیا اعلام داشت بعد از ۸ ماه گروه ۱۹-۸۰ حملات خود را به مقرهای پلیس و ارتش شروع نموده اند و از سه هفته گذشته حملات خود را با بازوکا به پاسگاه های پلیس آغاز کرده اند. سخنگوی مزبور اعلام داشت از روز دوشنبه ۹ می، ۶۷ نفر پرسنل پلیس و ارتش در حملات گروه مزبور کشته شده اند. وی تعداد تلفات چریکها را ۲۷ اعلام نمود.

تجارت حلال

پیتر گراهام، دبیر دوم سفارت آمریکا در افغانستان، به جرم فروش تشریفات مبتذل و کمی توسط دولت افغانستان از این کشور اخراج گردید. به دنبال این عمل دولت آمریکا دیپلماتهای افغانستان را از آمریکا اخراج کرد. دولت افغانستان اعلام نمود گراهام با درآمد از فروش تشریفات مزبور، فریب خریداری میکردن است

خروج دیپلماتهای شوروی

دوشنبه نهم می ۷۸ تن از اعضای خانواده دیپلماتهای شوروی در لبنان بنا به دستور الکساندر سولداتو، سفیر شوروی در لبنان، از این کشور خارج گردیدند. - سولداتو دلیل خروج افراد مزبور را استفاده از تعطیلات تابستانی عنوان نمود. قابل توضیح است در سه سال گذشته این سومین بار است که خانواده دیپلماتهای شوروی از لبنان خارج گردیده اند. بار اول در ۵ آوریل ۸۱ به دنبال برخوردهای نظامی سوریه با اسرائیل در منطقه زاهل و بار دوم، در ژوئن ۸۲ به دنبال تجاوز اسرائیل به لبنان بود. خبرگزاری تاس اعلام نمود: طرح خروج نیرو از لبنان توسط شولتز، وزیر خارجه آمریکا، به معنای تبدیل لبنان به سرزمین اسرائیل و آمریکا است.

حمله

رادبو و نسر موس صدای جبهه فارابوندو مارشی اعلام داشت: "چریکهای انقلابی در صدد حمله گمترده ای به شرق ایالت اوسولوتان هستند" قابل ذکر است ایالت اوسولوتان مرکز کشت قهوه و بنی السالوادور است. این منطقه نقش تعیین کننده ای در وارد آوردن ضربه اقتصادی به حاکمیت السالوادور دارد. در این میان ریگان ۱۱ میلیون دلار کمک دیگر، تحت عنوان بازسازی پل ها و جاده های منهدم شده توسط چریکها، به دولت السالوادور دور نمود. این مبلغ علاوه بر ۲۲۶ میلیون دلار کمکی است که کابینه ریگان در سال جاری برای دولت السالوادور تعیین نموده است.

ناز شست

کمیته مقدماتی سنای آمریکا در تاریخ دهم می، درخواست ریگان را در مورد ۲۵ میلیون دلار کمک نظامی دیگر به السالوادور، مورد تأیید قرار داد. علاوه بر این کمیته مذکور ۲۵ میلیون دلار کمک نظامی به رژیم هندوراس را نیز تصویب نمود.

یونان

آسوشیتدپرس گزارش داد یکشنبه ۱۵ می هزاران نفر در یونان بر علیه سلاحهای اتمی دسته تظاهرات زده و خواهان برچیدن پایگاههای آمریکا در این کشور شدند.

آزادسازی شهر

جمعه ۲۸ آوریل چریکهای السالوادور، شهر کشاورزی و ۲۵ هزار نفری سنت لویس را بدون درگیری و غافلگیر نمودن نیروهای نظامی السالوادور به تصرف خود درآوردند و پل استراتژیک این شهر را جهت فلج شدن نیروهای دولتی و جلوگیری از حمله آنان منفجر و منهدم نمودند. نیروهای جبهه فارابوندو مارشی بعد از ۱۲ ساعت تسخیر شهر و تبلیغ در میان مردم، شهر را ترک نمودند. انجام این تاکتیک خود نمایانگر قدرت چریکهای السالوادور و عجز نیروهای نظامی این کشور در مقابله با چریکها است عجزی که فرمانده کل قوای السالوادور به آن اعتراف نموده و اعلام داشته است که اگر چریکها قوی اند و میخواهند اثرا ثابت کنند باید دست از تاکتیکهای چریکی برداشته و بطور روباروی با ما وارد جنگ شوند.

آزادسازی شهر

آسوشیتدپرس گزارش داد شهر سین کوسرا واقع در ۲۲ مایلی شمال شرقی پایتخت السالوادور توسط چریکها تسخیر گردید. رادبو و نسر موس در این رابطه گزارش داد که بیش از ۶۰ تن از نیروهای دولتی در عملیات تسخیر شهر معدوم گردیده اند. شهر مزبور در اواخر سال ۸۱ به مدت چند ماه در کنترل چریکهای انقلابی بود.

نیکاراگوئه



اشغال سفارت آلمان

یونسیتدپرس گزارش داد دوشنبه دوم می حدود ۲۵ آلمانی مقیم نیکاراگوئه، سفارت آلمان در ماناگوا را به تصرف خود درآوردند. این تصرف به دنبال کشته شدن یک پوچک آلمانی به همراه ۱۲ تن نیکاراگوئه‌ای به دست نیروهای ضد انقلاب در منطقه مرزی نیکاراگوئه و هندوراس انجام گرفت. تصرف کنندگان سفارت، خود را آلمانیهای اتریشیونالیست معرفی نمودند که به طور داوطلبانه در نیکاراگوئه به خدمات پزشکی و اجتماعی مشغولند و بزرگ مزبور از اعضای این گروه بوده است. گروه نامبرده در اطلاعیه خود خواستار قطع شجاعت آمریکا علیه نیکاراگوئه و السالوادور شده و خواستار محکوم نمودن جنایات وحشیانه آمریکا در هندوراس توسط دولت آلمان شد ولی سخنگوی سفارت آلمان خواسته‌های گروه مذبور را رد نمود.

حمله ضد انقلابیون به خاک نیکاراگوئه

سه شنبه سوم می دولت نیکاراگوئه اعلام داشت نیروهای ضد انقلابی که بالغ بر ۱۵۰۰ تن هستند همراه با ارتش هندوراس از نوار مرزی این کشور در ناحیه شمال وارد خاک نیکاراگوئه شده‌اند و در حال حاضر شدیدترین زدو خورد بین نیروهای نیکاراگوئه و متجاوزین در منطقه شمالی این کشور

فلسطین

راه حل

آوسیتدپرس گزارش داد پاسر عرفات در سخنرانی خود اعلام داشت: "یک جنگ حقیقی تنها راه تعیین مرزهای جدید سیاسی در خاورمیانه است". غیرگزاری مذکور عنوان نمود این اعلام موضع در زمانی از جانب عرفات اتخاذ شده که بنا به گفته چند تن از مقامات رسمی سازمان الفتح، برخی از یکسای چریکی این سازمان که در شرق لبنان واقع در منطقه بکا مستقر هستند از دستورات پاسر عرفات بعنوان اینکه وی خواهان مذاکره با اردن و آمریکا هسته سربچی نموده‌اند.

اعتراض نیکاراگوئه

دولت نیکاراگوئه در پی حملات جدید به این کشور که از دوشنبه نهم می آغاز گردید، شدیداً به آمریکا حمله نمود و خواستار تشکیل کمیسیون سازمان امنیت شد. در این رابطه دبیر سازمان امنیت جلسه مزبور را تا بعد از تشکیل جلسه نمایندگان پاناما، کلمبیا، مکزیک و ونزوئلا به تعویق افکند.

اعتراف

شنبه ۱۵ می دو تن از هندوران به دست نیروهای نیکاراگوئه در خاک این کشور دستگیر شدند. افراد مزبور بعد از دستگیری عنوان نمودند که در پایگاه ارتش هندوراس تحت تعلیمات نظامی مستشاران آمریکایی بوده و به آنان گفته شده است که جهت جنگ با شوروی، کوبا و یوگسلاوی به نیکاراگوئه اعزام میگردند.

ریگان ونیشکر

به دنبال فشار نظامی بر دولت انقلابی نیکاراگوئه توسط آمریکا، دوشنبه نهم می ریگان دستور کاهش خرید نیشکر از نیکاراگوئه را داد. آمریکا سالانه بالغ بر ۵۸ هزار تن نیشکر از نیکاراگوئه خریداری مینمود ولی ریگان این مقدار را به ۶ هزار تن کاهش داد. ریگان در این مورد گفت: این حرکت جهت فشار به دولت نیکاراگوئه است و بجای خرید نیشکر از این کشور، از السالوادور و کستاریکا، نیشکر تهیه خواهیم نمود.

حالا نوبت سوریه است

به دنبال سفر جرج حبش به خاورمیانه و طرح آمریکا در رابطه با خروج سوریه از لبنان و تأکید این طرح از طرف اسرائیل، عربستان و دولت فالانژیست لبنان، موشه لوی فرمانده کل نیروهای نظامی اسرائیل بعد از بازدید از استحکامات نظامی اسرائیل در لبنان و مناطق مرزی این دولت با سوریه اعلام داشت: "به دلیل مخالفت دمشق با طرح خروج نیرو از لبنان، احتمال شدید شروع جنگ با سوریه در تمام جبهه‌ها وجود دارد". یووال نی من، وزیر علوم اسرائیل و رهبر جناح راست کابینه بگین، پیشنهاد اولتیماتوم یک هفته‌ای دولت اسرائیل به سوریه و در صورت عدم قبول سوریه، شروع جنگ را داد. در این رابطه موشه ارین، وزیر دفاع اسرائیل گفت: "ما حاضریم به سوریه وقت دشمنی دهیم تا نظر خود را تغییر دهد."

آهانگر

انگلستان
AHANGAR
C/O BOOKMARKS,
265 SEVEN SISTERS ROAD
LONDON N4 ENGLAND

آمریکا
AHANGAR
2265 WESTWOOD BLVD #256
L.A. CA. 90064 USA

بهای اشتراک

آمریکا، ۱۰ شماره ۱۰ دلار

انگلستان، ۱۳ شماره ۵ پوند

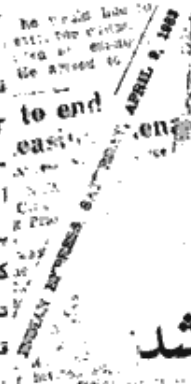
Nabbed diplomat to yet record statement

Iranian diplomat held with court band

کاردار رژیم

جمهوری اسلامی

در هند دستگیر شد



بنای به گزارش ایندین اکسپرس (Indian Express) در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۸۳ یک دیپلمات برجسته ایرانی به جرم حمل اجناس قاچاق در فرودگاه دهلی نو (هند) دستگیر شد. بعد از ماجرای افتضاح قاچاق تریاک توسط نماینده خمینی در آلمان یعنی صادق طباطبائی، که به یمن روابط حسنه موجود بین امپریالیسم آلمان و رژیم جمهوری اسلامی و به اعتبار پول های کلانی که رژیم خمینی بابت اسلحه و غیره به دولت آلمان میپردازد آزاد و به ایران بازگشت تا به مبارزه "فدامپریالیستی" خود ادامه دهد. این بار چمدانهای کاردار اقتصادی سفارت رژیم خمینی در هند به نام محمد مشاعری به دلیل قاچاق دستگا و ویدئو و مشروبات الکلی ضبط میشود. بنا به گزارش روزنامه ایندین اکسپرس Indian Express، مشاعری و همسرش همراه سه چمدان بسیار سنگین از توکیو وارد فرودگاه دهلی نو میشوند که مورد ظن مأمورین گمرک فرودگاه قرار میگیرند. مشاعری در جواب سؤال مأمورین گمرک در مورد محتوای چمدانها اظهار میدارد که آنها پر از کتاب است. مأمورین گمرک در رابطه با نوع کتاب میپرسد که مشاعری پاسخ میدهد او دیپلمات است و آنها حق ندارند چمدانهای او را بازرسی کنند. ولی از آنجاییکه پاسپورت مشاعری نشان میداد که در عرض ۳ ماه گذشته ۴۵ بار به توکیو و هنگ کنگ سفر کرده است مأمورین شدیداً به محتوای چمدانها و دلیل سفرهای وی مشکوک میشوند. مشاعری برای فریب مأمورین اعتراف میکند که در چمدانها دو دستگا و ویدئو دارد و حاضر است مالیات آنها را بپردازد. وی سعی کرد

دولت های ایران و آمریکا یکدیگر را بیشتر درک میکنند

نیویورک
در تاریخ ۲ مه برنامه ای تحت عنوان "مذهب و انقلاب"، "انقلاب ایران و منطقه" از طرف کالج بروکلین و با همکاری بنیاد فورد (Ford Foundation) و Continental Illinois National Bank گردید که سخنرانانی چون ویلیام سولپوان سفیر سابق آمریکا در ایران، هارولد ساندروز معاون وزیر دفاع در شرق نزدیک و جنوب شرقی آسیا، ویلیام کواندت Quandt عضو اسبق شورای امنیت ملی، بری رابینسون عضو مرکز مطالعات استراتژی بین المللی، نشودور الیوت سفیر سابق آمریکا در افغانستان و مشول ایران در وزارت دفاع، گاری سیک رئیس سابق شورای امنیت ملی آمریکا - بخش ایران در زمان کارتر و محقق کتاب سیاست آمریکا در زمان انقلاب و ماجرای گروگانگیری سعید رجایی خراسانی نماینده رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در سازمان ملل و چندین سخنران دیگر که عمدتاً از ایدئولوگهای امپریالیسم آمریکا در زمینه سیاست خارجی محسوب میگردند، شرکت جسته بودند.

سخنرانان مختلف در این برنامه کلامی داشتند که دولت آمریکا را راهنمایی نموده تا سیاستهای اصولی تری را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی پیشه نماید و از "اشتباهات" خود در گذشته "درس" گرفته و به حمایت بیشتری از رژیم کنونی در ایران بپردازد. چرا که "حمایت توده ای" و همچنین ثباتی که امروزه جمهوری اسلامی از آن برخوردار است ایجاب میکند که دولت آمریکا حمایتهای بیش از آنچه امروزه از جمهوری اسلامی بعمل میآورد را در پیش گیرد. برنامه فوق عمدتاً سعی داشت رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یک قدرت در منطقه که بایستی مورد حمایت بیش از پیش امپریالیستها قرار گیرد معرفی نماید. بعلاوه توجه بیشتر به رژیم ایران توسط محافل مختلف سرمایه داری را در نظر داشت.

به هنگام سخنرانی خراسانی مزدور رژیم جمهوری اسلامی در کنار مهره های امپریالیسم، دانشجویان مترقی بویژه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بعنوان اعتراض و در افشای ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی مانع صحبتهای وی گشته و به ایراد سخن در بقیه در صفحه ۲۲

دین ترتیب سرور صاحب را هم بیرون ما مأمورین فرودگاه بیشتر مقوجه جدیت ضربه میشوند و چمدانها را ضبط میکنند. ۳ روز بعد در حضور مقامات بلند پایه سفارتخانه خمینی، وزارت امور خارجه و اداره تشریفات سیاسی هند، چمدانها مورد بازرسی قرار میگیرد. از داخل چمدانهای کاردار سفارت خمینی مقدار ۹ دستگا و ویدئو تعداد زیادی بطری مشروبات الکلی گران قیمت، تعدادی ضبط صوت و وسائل الکترونیکی و تعدادی ساعت بدست میآید. به دنبال تحقیقات لازمه مقامات هندی اظهار داشتند که محمد مشاعری عضو باندی است که وی در آن وظیفه حمل اشیا قاچاق را بعهده دارد. به همین دلیل تنها ظرف ۳ ماه او ۴۵ بار به توکیو و هنگ کنگ سفر کرده است. شایسته دلیل همین کارهای "تجاری" است که پشت "کاردار اقتصادی" به او داده شده است. به احتمال زیاد سفارتخانه رژیم در توکیو و... نیز مأمور خرید اجناس هستند، دیگر نهادهای "انقلابی" رژیم هم مشول فروش آنها! جالب توجه اینکه سفارت رژیم خمینی در هند برای اینکه گند قضیه در نیاید قبل از بازرسی چمدانها، محمد مشاعری را به ایران فرستادند! بنابراین روشن میشود که آقای کاردار سفارت درآمدها را تنها بالا نمی کشیده است و یا حتی مسئله در حد سفیر خمینی نیز ختم نمی شود چرا که اگر مقامات بالائری در ایران حامی آنها نبودند، محمد مشاعری بجای فرار به ایران حداقل برای گریز از مجازات به یک کشور دیگر پناهنده میشد! البته امروز اینگونه مسائل در ایران جزو مسائل بسیار عادی است. رژیم طرفدار تجار محترم با حیل های شرعی هرگونه قاچاق را بسادگی "تجارت حلال" جا میزند. تنها نگاهی گذرا به روزنامه های خود رژیم نشان میدهد که چگونه به دنبال اختلافات جناحهای مختلف مقامات بالای وزارتخانه و وکلای مجلس اسلامی به جرم رشوه گیری، دزدی، قاچاق کالا و... یکدیگر را لو میدهند. مثلاً در اواخر فروردین ماه علی اکبر پور استاد نماینده مجلس اسلامی به جرم دزدی مورد مشاجره جناحین رژیم قرار گرفت که شرح کوتاهی از آن در همین شماره جهان آمده است. ■

نماز میت بر جسد حزب توده

بقیه از صفحه ۶

اشاره کردیم که رژیم برای تثبیت خود می‌بایست به سه وجه سرکوب، انسجام درونی و رفورم اقتصادی و سیاسی (که موفقیتش مدیون ارتباط و همراهی آنها با هم است) دست بزند. بنا براین بخش دیگر و البته مهم تر حرکت سرکوب گرایانه، پاسخ به "بحران اقتصادی" یعنی افتناع و جلب سرمایه داران داخل و خارج برای به حرکت درآوردن چرخ زنگ زده تولید، این رکن اساسی و کلیدی موجودیت رژیم بوده است. پس از سرکوبهای همه جانبه انقلابیون، رژیم در واقع تلاش نمود که زمینه‌های رفورم سیاسی و اقتصادی را با فرمان ۸ ماده‌ای و ۶ ماده‌ای خمینی فراهم سازد و فضای مناسب را برای پذیرائی از سرمایه داران فراری و ناخشنود و جلب سرمایه داران مردود برای سرمایه گذاری در بخش‌های تولیدی، مهیا نماید. دستگیری، انحلال، سرکوب و به خفت کشاندن سران حزب توده آنها با هیاهوی بسیار، در واقع جزئی از این تلاش رژیم بوده است که از یک طرف به طور سمبلیک به جهان سرمایه داری نشان دهد که نگرانی‌ها و بدبینی‌هایشان بی مورد است و از طرف دیگر با تبلیغاتش که غرب به غلط در مورد اهمیت، نفوذ و قدرت حزب توده کرده بود، قدرت مایشینی سرکوب و کارکرد سیستم پلیسی خود را به نمایش بگذارد و در یک کلام به امپریالیست‌ها اعلام نماید که از شعارها و تبلیغات "خط امام" و عناصر "رادیکال" نگران نباشید که جز تخدیر افکار عقب مانده جامعه نقش و توانایی دیگری ندارند، قدرت اصلی در دست ما برنامه ریزان "واقع بین" و هوشیاری است که تلاش داریم موق دماغ‌ها و مزاحمت‌های مینیمم بازاری سرمایه داری را یکی بعد از دیگری از سر راه برداریم و حال که نیروهای انقلابی را بطور نسبی سرکوب کرده‌ایم دیگر احتیاجی به مشاهده گران‌ها "توده‌ای" ما نداریم و برای اینکه خیال شما (سرمایه داران) کاملاً راحت شود آنها را هم با همه بی‌خطری شان سرکوب و داغان میکنیم. و باز برای اینکه مطمئن تر شوید اعلام میکنیم که "انحلال حزب توده موفقیتی است که حتی از موفقیت لانه جاسوسی آمریکا چشمگیرتر و برجسته‌تر و ارزنده‌تر است." (از قول آیت الله جنتی، عضو شورای نگهبان

امام جمعه موقت قم و از رهبران سرکوب خونین دانشگاه اهواز در اردیبهشت ۵۹) و پایه قول آیت الله شیرازی "نابودی این حزب مضعفن و پلید ترا بعنوان انقلابی دیگر و پیروزی این ملت مسلمان به حساب آوریم که بسیار شایسته و بجاست" و به جهت اینکه برای "انقلابی دیگر" در خدمت سرمایه داران شکی باقی نماند بلافاصله ۱۸ تن از دیپلمات‌های غروری از ایران اخراج میگردید. یک یک رهبران رژیم، چه آن‌ها که به خط حجتی معروفتند و چه آن‌ها که به خط امام، جداگانه و مستقل بر حرکت انجام شده صحنه گذارده‌اند و قبل از همه امام جلالان و مرتجعان "به‌دام انداختن سران خیانتکار حزب توده را موجب سرافرازی امت اسلامی" قلمداد میکنند (کبهران، ۱۵ اردیبهشت). اگرچه این اقدامات رژیم

تهران، لمیده بودند و کسی را با آنها کاری نبود. آنها بیش از آنچه رژیم انتظار داشت، انجام دادند. آنان برای حفظ دفتر و دستک خود در جاسوسی و لو دادن انقلابیون نیز کوتاهی نکردند. زمانیکه مگهای هارپاسدار به شکار انقلابیون مشغول بودند، اینسان با معرفی مسئولین و کادرهای اصلی خود به مقامات رژیم هرگونه شبهه‌ای از جانب رژیم را نسبت به خود زدودند. در یک کلام تفکیرات این حزب معامله و خیانت مدتها بود که در بست در اختیار رژیم قرار داشت حال این چگونه است که رژیم به دنبال دستگیری آنها اینچنین کرکری میخواند؟ پاسخ روشن است. می‌خواهد حتی از جسد حزب توده نیز به نفع خود سود برد و خود را قدر قدرت بنمایاند. اما در وزای آنچه گفته شد، گفتنی است

دستگیری، انحلال، سرکوب و به خفت کشاندن سران حزب توده آنها با هیاهوی بسیار، در واقع جزئی از این تلاش رژیم بوده است که از یک طرف به طور سمبلیک به جهان سرمایه داری نشان دهد که نگرانی‌ها و بدبینی‌هایشان بی مورد است و از طرف دیگر با تبلیغاتش که غرب به غلط در مورد اهمیت، نفوذ و قدرت حزب توده کرده بود، قدرت مایشینی سرکوب و کارکرد سیستم پلیسی خود را به نمایش بگذارد و در یک کلام به امپریالیست‌ها اعلام نماید که از شعارها و تبلیغات "خط امام" و عناصر "رادیکال" نگران نباشید که جز تخدیر افکار عقب مانده جامعه نقش و توانایی دیگری ندارند، قدرت اصلی در دست ما برنامه ریزان "واقع بین" و هوشیاری است که تلاش داریم موق دماغ‌ها و مزاحمت‌های مینیمم بازاری سرمایه داری را یکی بعد از دیگری از سر راه برداریم و حال که نیروهای انقلابی را بطور نسبی سرکوب کرده‌ایم دیگر احتیاجی به مشاهده گران‌ها "توده‌ای" ما نداریم و برای اینکه خیال شما (سرمایه داران) کاملاً راحت شود آنها را هم با همه بی‌خطری شان سرکوب و داغان میکنیم.

که رژیم از محاکمات پرهیاهوی سران حزب توده جار و جنجال براه می‌اندازد که افکار و اذهان مردم را مشغول دارد. این واقعیت بارها گفته شده است که رژیم جمهوری اسلامی از آغاز عمر خود تا کنون بر بستر بحران زیسته است و خود رژیمی بحران زاست چرا که بحران موجودیت‌اش را ضمانت میکند. رژیم مدتها بر بستر توهم زیست و هر آن که توهم کاهش می‌یافت، با ایجاد عمل بحران زاتی که چسبندگی درونی خود را افزایش دهد، منحنی توهم را نیز بالا میبرد. اما پس از ۳۵ خرداد رژیم نه بر بستر توهم، که بر بستر اختناق زیسته است. امروز رژیم در ورای دلایل گفته شده از هیاهو و جنجال دستگیری و "اعترافات" سران حزب توده برای نمایش مجدد زرق و برق سرنیزه و تحریرک احصایات و هیستری ضد کمونیستی "امت حزب

نگرانی‌های امپریالیست‌ها و سرمایه داران را کاهش میدهد، لیک آنان هنوز جامعه ایران را محیطی امن برای سرمایه گذاری نمی‌بینند. اما نه به دلیل ساختگی و تبلیغات رفرمیست‌های حزب توده مینیمم ضد امپریالیست بودن رژیم، بلکه آنها به خوبی آگاهند که "فریاد" در بطن باقی است اگرچه برق سرنیزه موقتا آنها در حنجره حبس کرده باشد. بهمین جهت هنوز تردید خود را از دست نداده‌اند و دستگیری سران "حزب توده" را نیز به حساب قدرت دستگاه‌های امنیتی رژیم نمی‌گذارند چرا که همگان واقفند که "توده‌ای‌ها" دیر بازاری است که خود را دست بسته تسلیم رژیم کرده بودند و رژیم درحالیکه در کوچه و پس‌کوچه در خانه گردی‌ها، ماشین گردی‌ها و بازرسی‌های بدنی خیابانی به دنبال عناصر انقلابی میگشت این پخشین آزادانه در حجره هفت طبقه خود به نام "دفتر حزب توده" در مرکز

”نماز میت“ بقیه از صفحه ۲۹

اللّٰهُ و خراب کردن چهره کمونیسم — بود می‌جوید. رژیم تلاش دارد با نمایش زیبایی حزب شده، کل جنبش چپ را خوار و زبون نماید.

”حزب توده“ ضربه بسیار رکاری تشکیلاتی و سیاسی خورده است. این ضربه را شاید بتوان از لحاظ تشکیلاتی با ضربه ۲۸ مرداد ۳۲ مقایسه نمود ولی از نظر سیاسی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. حزب توده امروز با ورشکستگی کامل مواجه است. امروز گردن حزب یا شمشیری زده میشود که خود چهارسال تمام آترا صیقل داده بود. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا عمر حزب توده پس از ۲۲ سال در جامعه ما به پایان رسیده است؟

اکنون با افتضاحی که حزب توده هم در حوزه سیاست و هم در حوزه تشکیلات به بار آورده است “به لاف متعفن بدل گردیده است که باید دفن شود.” اما آیا حتی اگر تشکیلاتی به نام حزب توده کاملاً از هم بشکند و نابود شود، خطر رفرمیسم و اپورتونیسم راست در جنبش از بین رفته است؟ جواب مسلماً منفی است. حیات رفرمیسم و اپورتونیسم با حیات بورژوازی گره خورده است بخشی از تکنوکرات‌ها، بوروکرات‌ها و اقشار مختلف خرده بورژوازی میانی و مرفه و آریستوکراسی کارگری همچنان منافع سیاسی و اجتماعی خود را در جریان‌های جنبش خواهند کرد که رفرمیسم و اپورتونیسم “حزب توده” را ادامه دهند. بدین ترتیب امکان شکل گیری حزب توده جدیدی باقی مانده است که با چهره‌های جدید همراه با نفی صوری گذشته خیانتکار این حزب، معرف غلط ایدئولوژیک آن در سطح جامعه گردد. لذا مبارزه با اپورتونیسم و رفرمیسم پایان نیافته بلکه زمینه بسیار مساعدی برای افشای هرچه بیشتر آن فراهم گردیده است.

اعر و با آید مبارزه با رفرمیسم و فرمت طلبی و پراگماتیسم را به حزب توده محدود نکرده بلکه مبارزه‌ای همه جانبه و پیگیر را با انحرافات اردوگاه سوسیالیسم و در رأس آن اتحاد شوروی دامن زد. باید از حزب کمونیست شوروی پرشید برآستی چگونه است که شماره امروز فریاد اعتراض علیه “سرکوب و شکنجه و اعمال شیوه‌های مشابه نازمان امنتیت رژیم شاه توسط جمهوری اسلامی” (نقل به معنی از

پراودا) بلند شده است؟! چگونه میتوان به اینترناسیونالیسم پرولتری وفادار بود و در مقابل باز داشت، شکنجه و اعدام‌هزاران کمونیست و مبارز سکوت نمود؟ تاکی میتوان با تکیه بر شعارهای “عدم پریالیستی” خمینی و فدیت‌های واپسگرایانه و نه ترقی خواهانه او با آمریکا و امید واهی “راه رشد غیر سرمایه داری” پرنسیب فروشی کرد؟ تاکی میتوان تزه های ورشکسته ای نظیر “راه رشد غیر سرمایه داری” را پس از تجربه شکست‌هایش در مصر، سومالی، عراق و ... آنهم در جامعه سرمایه داری وابسته پیشرفته‌ای چون ایران به آزمایش گذاشت؟ آری، نقش حزب توده، رفرمیسم و اپورتونیسم تنها به پراکندن توهم در سطح داخل ایران محدود نمیشود چرا که این جریان فضای سیاسی بین المللی را نیز در مورد ماهیت رژیم جمهوری اسلامی متوهم و مسموم کرده است. بهمین دلیل شکست تشریحی های حزب توده، شکستی است دیگر برای انحرافات اپورتونیستی در سطح بین المللی. اگرچه با تلاش رژیم سعی شد اعترافات زیوانسه و اوج فرومایگی و در بزرگی بران حزب توده در آخرین نمایش‌های تلویزیونی نمایانگر عملکرد جنبش چپ و یک گروه کمونیستی قلمداد شود و بدینوسیله به حیثیت کمونیستی لطمه وارد آید، اما این رخداد عملاً بی‌اثر است در جهت پالایش جنبش کمونیستی و تقویت مارکسیسم — لنینیسم انقلابی (خط ۲). اگر ورشکستگی و ارتداد خط ۳ و اپورتونیستی‌های سه جهانی و مافوقیم مدتی است که در عرصه پیکار عملی آشکار شده است، تجربه ایران و شکست مفتضاحه تاکتیک‌ها و استراتژی — حزب توده نمونه رسوائی است از نتایج بارز اپورتونیسم خروشنی. وقت آن رسیده است که جنبش کمونیستی در سطح بین المللی

و اردوگاه سوسیالیسم با درس گیری از این نمونه‌های تنگ آلود و رأی العین قسار دادن عواقب آن مانع از آن شوند که نیروی انقلاب در سطح جهان به هرز رفته و به — حیثیت مارکسیسم — لنینیسم بیش از این لطمه وارد شود.

تجربه خیانت بار حزب توده به راستی نتیجه اسفبار اپورتونیسم و رفرمیسم موجود در آن دسته از احزابی است که سیاست خود را بر مبنای معامله گری، پراگماتیسم و سازشکاری های اصول فروشان و مفاشات با حکومت‌های ارتجاعی در عرصه بین المللی قرار داده‌اند.

امروز سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و سایر کمونیست‌هایی که با تحلیل درست و سیاسی انقلابی توانستند روند و چشم انداز حرکت رژیم جمهوری اسلامی و وقایع سیاسی ایران را دریابند، با سربلندی و حقانیتی بیش از پیش خواهند توانست راه دشوار انقلاب را بهیمایند و به تدریج آثار مخرب و مسموم کننده و لکه های تنگ حاصل ازیاستهای حزب توده و آخرین پرده نمایش از انحطاط و ردالت آن را از دامان جنبش کمونیستی ایران بزدایند و این میسر میشود مگر با پی گیری در پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علیه تزه های رفرمیستی و سازش کارانه‌ای چون راه رشد غیر سرمایه داری غیر لنینی، گذار مسالمت آمیز، نقض اصول اینترناسیونالیسم پرولتری و ... مقاله های سازمان در نشریه کار در رابطه با تاریخچه و عملکرد حزب توده و آثار تشریح سازمان نظیر مبحث مربوط به راه رشد غیر سرمایه داری در “نبرد خلق” شماره ۲، گام هائسی است ارزنده که در این راستا برداشته شده است.

پایان



بنا

ملایان جمهوری اسلامی در حال اجرای قوانین اسلامی



۳ شعبه از دانشگاه سوادکوه در خیابان شهیدمرکز لاله ناسد طالبان ولگرد ، تشکیل جلسه دادند و مطالبان ولگرد را به مجازات محکوم کردند .
حجج اسلام علی مرتضی، توری زاده و فاضل روحای شیخ های دانشگاه سوادکوه در کلاس تدریس در کلاس دیده می شود.

دربن تصویب شورای عالی قضایی

بیش از یکصد معتاد ولگرد در ملاء عام شلاق خوردند



دیروز بدنیا تصویب شورای عالی قضایی برای اولین بار دهها معتاد ولگرد در ملاء عام مجازات شدند .
به امید روزی که جامعه اسلامی ما از وجود معتادان پاکشده و این پلای خانها سوزنهای همیشه از این جامعه کده شود . عکس گوشه ای از مراسم اجرای حد شرعی را نشان می دهد .

شلاق "حلال" مشکلات

نمودند. این روزنامه گزارش داد در میان معتادین ، عده ای زن و همچنین جوانان ۱۸ ساله تا پیرمردان ۸۵ ساله نیز دیده میشوند روزنامه اطلاعات افزود، این برنامه دادگاه های سیاره همه روزه در نقاط مختلف شهر و بطور ضربتی و ناگهانی ادامه خواهد داشت و افراد دستگیر شده در شعب دادگاه سیار محاکمه شده و احکام صادره درباره آنها در ملاء عام اجرا در می آید و در رابطه با زنان حکم دادگاه توسط خواهران پلیس قضایی اجرا میگردد.

در پی تصویب شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی در به اصطلاح مبارزه با مواد مخدو روزانه بیش از یکصد تن معتاد به مواد مخدر در ملاء عام شلاق میخورند. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۴ فروردین در این مورد گزارش داد : همیشه مرکب از سه قاضی شرع و با همکاری پلیس ، پاسداران و اعضای کمیته های طبسی یک طرح ضربتی به خیابانهای جنوب تهرانبان اعزام و اقدام به دستگیری و محاکمه معتادین در خیابان و زدن ۱۰ تا ۲۴ ضربه شلاق

پس از گذشت سفرن از محاکمه گالیله



گالیله Galileo

وانیکان در محکومیت گالیله تجدید نظر میکنند!

کم نیستند شهدای راه علم
به دست قاتلان مذهبی

گالیله یکی از قربانیان جنایت کلیساست . همواره علم از بند مذهب و خرافات رنج برده است . قرنهای تسلط مذهب بر جهان ، حتی آموزی را نیز در انحصار کلیسا و "علم" را در محدوده علوم دینی محصور کرده بود . جنگ علم با مذهب که به جرأت میتوان گفت چندین قرن به طول انجامید ، سرانجام با آغاز رنسانس ، گسترش علوم تجربی و انقلاب صنعتی حصار تسلط کلیسا را درهم شکست . اما کلیسا نقش ارتجاعی خود را در حفظ و حراست از - استعمار گران هنوز حفظ کرده است .

اگر اروپایان کلیسا در قرون وسطی با تکیه بر خرافات و عقاید مذهبی توده ها ، بطور رسمی به "بهشت فروشی" می پرداختند ، اینک پس از گذشت چندین قرن ، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قدم در جای پای آنان گذارده است . این بار جلادان جمهوری اسلامی با "فتوای امام خمینی" ، "کلید بهشت" را در جیب نو جوانان ۱۲-۱۳ ساله متوهم مذهبی نهاده ، آنان را به میدان های مین گذاری شده جنگ ارتجاعی ایران و عراق گسیل میدارند .

اگر امروز پس از گذشت ۳ قرن کلیسا به ناچار به نقض ارتجاعی و ضد علمی خود در مورد گالیله اعتراف میکند . جمهوری اسلامی ، این دشمن علم و آگاهی ، مبارزه با علوم و جایگزینی مذهبی را در پایان قرن بیستم آغاز نموده است رژیم جمهوری اسلامی با اتکا به دین و تبلیغ و گسترش خرافات مذهبی ، و ارتباط دادن قدرت خود به نیروهای ماوراء انسانی ، بر توهم توده های عقب مانده سوار شده و با ضدیت خود با تکامل ، علم و آگاهی ، جلوی پیشرفت و ترقی جامعه را گرفته است . کور دلان - وسیه اندیشان رژیم جمهوری اسلامی ، روح محاکمه کنندگان گالیله را احیاء کرده اند اما غم و غصه توده ها به اینها فرصت نخواهد داد که به اصلاح در اعمال جنایت کارانه خود تجدید نظر کنند !

۹ خرداد ۵۸ چهارشنبه سیاه

روزی خونین در تاریخ خلق عرب خوزستان

تقریباً ۲ ماه بعد از سرنگونی رژیم شاه به دست توده ها، خلق عرب مسعود یورش مجدد نیروهای مسلح مرتجع قرار گرفت. در روز ۹ خرداد ۱۳۵۸، غرضش به دنبال یک توطئه حساب شده به سرکردگی شمسار احمد مدنی، عامل امپریالیسم و شرکت ها رو دسته ارتجاعی امل به رهبری چمران مرتجع و پساداران مزدور به خون کشیده شد. تنها در یک روز بیش از ۲۵۰ نفر کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شدند. با این گشتار رژیم جمهوری اسلامی نشان داد که کینه و دشمنی اش تنها علیه خلق کرد نیست بلکه در همان ماه های اول بعد از قیام خلقهای کرد، ترکمن، عرب، بلوچ و ترک مورد یورش ارگانهای سرکوب رژیم قرار گرفتند و ماهیت ضد خلقی خود را از همان ابتدا آشکار نمود. مادر پنجمین سالگرد "چهارشنبه سیاه"، یاد تمام شهدای این واقعه را گرامی می داریم.

دولت های ایران و آمریکا بقیه از صفحه ۲۸ مورد اوضاع کنونی ایران و افشای نقش ضد خلقی حاکمیت جمهوری اسلامی پرداختند. پرداخت هزینه جشن کنفرانس از جانب موسسات مالی امپریالیسم مثل "بنیاد فورد" و بانک ایلینویر و دعوت از نظریه پردازان سرمایه داری برای ارزیابی موقعیت کنونی ایران، خود نشان میدهد که امپریالیست ها در جستجوی راه های جدیدتر و ملاپسند تری برای غارت ایران هستند. و همچنین شرکت نماینده رژیم جمهوری اسلامی، رجاسی - خراسانی، پهلوی په پهلوی نمایندگانی امپریالیسم آمریکا، مثل ویلیام سولیوان، و هارولد ساندروز در این کنفرانس، در عین کمک به یافتن این راه ها نشان میدهد که چگونه رژیم برای تضمین نیازهای خود و جلب حمایت امپریالیسم آمریکا به این در و آن در میزند. حتما زمانیکه رژیم جمهوری اسلامی رجاسی خراسانی را مأمور ملاقات با نمایندگان آمریکا میکند، دیگر مهره های رژیم در ایران غلظت شعارهای ضد آمریکایی خود را اغزایش میدهند تا اگر غیر این برنامه در ایران نیز پخش شد، کسی در ماهیت "فدا امپریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی شک نکند!

پیام همبستگی به جبهه آزادیبخش فارابوند مارتی بقیه از صفحه ۶

انحرافات راست و چپ فائق آید. شما به خوبی میدانید که خلق قهرمان ایران با قیام تاریخی خود رژیم مغربشاه، یعنی ژاندارم امپریالیسم در منطقه خلیج فارس را سرنگون ساخت. و باز میدانید که سازمان ما تنها سازمان کمونیستی بود که در زمان حکومت شاه به با خواسته و علیه رژیم و جانشین امپریالیستش اقدام به مبارزه مسلحانه نمود و با شرکت فعال در قیام سال ۱۹۷۹ و آگاهگری و سازماندهی مردم در حد توان خود تلاش نمود انقلاب را پیش ببرد و نگذارد رهبران سازشکار جنبش به بازسازی سیستم سرمایه داری و آستانه ایران پرداخته، حکومت سنجکزانه و ضد مردمی جدیدی را این بار در زیر پوشش اسلام جانشین حکومت شاه سازند. سازمان ما همچنان به این تلاش خود ادامه داد. با این همه تاریخ اندیشان رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از توهمن توده ها، بلافاصله بعد از به قدرت رسیدن در رژیم سیاست سر نیزه و فشار و بکارگیری شیوه های قرون وسطایی شکنجه به سرکوب همه جانبه خلق های ایران پرداختند. رفقای رزمنده! در شرایطی پیام همبستگی ما را دریافت میکنید که دهها هزار نفر از انقلابیون ایران بسودن سناگه در دو سال گذشته تیرباران شده اند و یورش همه جانبه های خلق های ایران با شدت هر چه تواتر ادامه دارد. بیش از ۵۰۰۰ نفر در سباه های رژیم جمهوری اسلامی به بند کشیده شده و تحت شکنجه قرار بر آورده. خلق قهرمان کرد زیر شدیدترین بمباران و یورش های وحشیانه رژیم قرار دارد. ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک مردم رعایت نمیشود و هرگونه خواست دموکراتیکی را با بهانه های واهی "وابستگی به غرب" با کلوله پاسخ میدهند. از نظر اقتصادی وضع رقت بار را بر مردم تحمیل میکنند. بساط برده داری قرون وسطایی رژیم، جز فقر و گرسنگی چیزی برآورد ندهد. مردم به ارضان نیاورده و تمام ارزش های انسانی را لگد مال کرده اند. وجود غریبه به ۵ میلیون بی کار گران بیش از حد در صد تورم کمبود مایحتاج اولیه، فقدان کترین آزادی های فردی و اجتماعی، به خاک و خون کشیدن اعتدایات کارگری، حمایت از ملاکین و سرمایه داران، تدوین قوانین قرون وسطایی و فوق ارتجاعی بر طبقه زنان و اقلیت های ملی و مذهبی، تدوم جنگ خانمانسوز و احمقانه با عراق نتیجه ای جز گشتار روزمره جوانان ندانسته و ضربه تقویت مواضع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه خاورمیانه نداده است. حمایت از شورشیان مرتجع افغانستان و هنگاری و عهدستی بسا رژیم های وابسته به امپریالیسم و مرتجعینی چون رژیم ضیاء الحق در پاکستان و فاشیست های نظامی ترکیه و ... همه گوشه های از کارنامه چهار ساله رژیم جمهوری اسلامی است. اگر چه هزاران نفر از رفقای ما و سایر نیروهای انقلابی بدست رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده و میشوند و اگر چه ده ها هزار تن از یاران ما در زندان ها در زیر شکنجه های قرون وسطایی رژیم قرار دارند، اما ما از پای نخواهیم نشست و در سخت ترین شرایط نیز وظیفه خود را در جهت تدوم انقلاب تا رسیدن به اهداف واقعی مردم که همانا رهائی از یوغ امپریالیسم، سرمایه داری وابسته و ستم و استثمار طبقاتیست، فراموش نخواهیم کرد.

رفقا! تو خالی بودن شعارهای ضد امپریالیستی خمینی و ماهیت واقعی رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر بر جهانیان آشکار میشود. شعارهای جمهوری اسلامی مبنی بر مبارزه ضد امپریالیستی فریبی بیش نیست. اگر چه سیاست های رفویستی و تسلیم طلبانه آپورتونیست ها، که متأثر از تئوری راه رشد غیر سرمایه داری میباشد، به چاکگری رژیم جمهوری اسلامی منجر شد تا شاید رژیم خمینی را از راه سالمیت آمیز به سوسیالیسم بکشانند! ولی امروز نتیجه سیاست های تسلیم طلبانه و تزلزل آپورتونیست ها در جهت پیگیری اهداف انقلاب بوسیله نمایش تلویزیونی رهبران خائن حزب توده بر همه مردم مبین ما روشن شده است.

رفقا امروز سازمان ما در سخت ترین شرایط در راه سرنگونی رژیم خنایتکار جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق مبارزه میکند. ما میکشیم تا با استقرار جمهوری دموکراتیک خلق ایران، جبهه دیگری علیه امپریالیسم بکشاییم و هر چه بیشتر در خدمت جنبش های رهائی بخش از جمله السالوادور و فلسطین و تمام خلق های تحت ستم جهان قرار گیریم. ما همواره بر اساس وثائق انترنشنالیستی خود به حمایت فعالانه از جنبش السالوادور برخاسته ایم. ما پیروزی شما را پیروزی خود دانسته و شکست امپریالیسم این دشمن مشترک بشریت را هدف مشترک همه خلق ها میدانیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته "خارج از کشور"
۱۹۸۲

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
پیروزی بر انقلاب السالوادور به رهبری FMLN-FDR
مستحکم باد همبستگی خلق های السالوادور و ایران

دیدگاهها



بمنظور پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

نقدی بر تئوری "سوسیال امپریالیسم"

بخش سوم این مقاله در سه بخش ارائه گردیده است

منشویکها مشروعیت بدعهدنبار رویزیونیست بودن را از دامان منشویکها پاک میکنند و آنها را تیره میکنند | نگاه کنید که اپورتونیسیم چه برای اثبات اندیشه های خام خود چگونه رویزیونیست های راست را تیره میکنند. بیکار میگوید:

" ما رویزیونیسم را نشانه اوج اپورتونیسیم میدانیم... اپورتونیسیم میتواند سیاست و یا به اصطلاح راجع به زمان لینین " تاکتیکی - که منظور از آن تاکتیکی استراتژی پیام است - و یا تمکیناتی و یا برنامه ای و یا ایدئولوژی باشد."

منشویکها اپورتونیسیم در تاکتیکی و تمکیناتی بوده زیرا سیاست اتحاد رولتاریسم با دهقانان، سیاست اتحاد با بورژوازی - لیبرال را در پیش میگرفت و بعلاوه شرایط تشکیلاتی حزبی را برای عضویت در حزب مقرر نمی نمود و هر پرسور و یا اعتبار کننده ای را عضو حزب قلمداد نمی کرد. با اپورتونیسیم در سیاست و تشکیلات هنوز میتوان بعنوان یک عضو " منحرفانه" جنبش کمونیستی به مبارزه ایدئولوژیک پرداخت ولی هنگامی که به اپورتونیسیم در ایدئولوژی و یعنی به تجدید نظر در اصول ایدئولوژیک بپردازیم عده دیگر نمیتوان درجهای راجع به جنبش کمونیستی بپردازیم. (بیکار تئوریست سیاسی ۲ - صفحه ۲۴۹) بقیه در صفحه ۲۴

تا بحال سازمان بیکار پرچمدار تز "سوسیال امپریالیسم" در ایران بوده اما تا زمان موجودیت این سازمان هیچگاه تحلیلی مستدل بر این ادعای خود نگذاشت. بعد از سازمان بیکار، امروز کومله (سازمان زحمتگهان کرستان) هنوز به این تئوری معتقد مانده است بی آنکه کوچکترین تحلیل منصفانه و علمی بر این موضع خود ارائه داده باشد. از آنجائیکه ما معتقدیم موضع گیری یک سازمان سیاسی، در هر زمینه الزاماً باید بر مبنای تحلیل منصفانه استوار شده باشد. با نگاهی به این مقاله از کلیه معتقدین به این تز دعوت میکنیم که نظرها خود را در این رابطه ارائه دهند. اگر چه این مقاله عمدتاً به نقطه نظرات سازمان بیکار اشاره میکند ولی بیشک شامل تمام نیروهای سیاسی موسوم به خط ۲ میشود.

درک انحرافی بیکار از مسئله رویزیونیسم همچنین در برخورد آن به مقام تاریخی رویزیونیسم منضم میشود. آنها با تحریف حقایق مسلم تاریخی جنبش کارگری جهان، تلاش میکنند که این واقعیت را انکار کنند که رویزیونیسم متولد از مربوط به جنبش لیبرال کارگر است. آنها خیلی خود دارند که آنرا متولد از بورژوازی امپریالیستی بدانند. از نظر آنها اپورتونیسیم متولد از مربوط به جنبش لیبرال کارگر است. اما رویزیونیسم هرگز زبیرا رویزیونیسم مساوی با بورژوازی امپریالیستی است. با چنین حکمی رقابت بیکار نتیجه میگیرند که کمونیستها را نباید سروکاری با رویزیونیستها با عده اما با اپورتونیسیم های تاکتیکی میتوان درجهای راجع به جنبش کمونیستی به مبارزه ایدئولوژیک پرداخت. آنها برای آنکه به مبارزه ایدئولوژیک بپردازیم با

پوزش و تصحیح متأسفانه در چاپ قسمت دوم مقاله "نقدی بر تئوری سوسیال امپریالیسم" اشتباهی رخ داد که بدینوسیله اصلاح میگردد. صفحات ۳۴، ۳۵ و در این شماره دنباله بخش اول مقاله بوده که میباشد قبل از بخش دوم (جهان شماره ۱۰) آورده میشود. صفحات ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۶ در این شماره دنباله بخش دوم قسمت سوم مقاله میباشد. *****

در اینجا لازم است که پرسیده شود که اینهمه تلاش بیکار برای یکسان جلوه دادن ماهیت لیبرالی و ایدئولوژی رویزیونیسم و بورژوازی امپریالیستی برای چیست؟ بدآور قبلی ساده رفتار بیکار میخواهند نتیجه گیری کنند که چون رویزیونیسم شکل خاصی از ایدئولوژی بورژوازی امپریالیستی است و بر استقرار رویزیونیسم خروجهایی بعد از مرگ استالین مساوی است با استقرار و احیای سرمایه داری در موردی!! خوب از نظر آثار غیبتها شمار هر چه بهتر!

نقدی بر تئوری

بقیه از صفحه ۳۳
بینیم بیکار چگونه با زندگی خاصی
خط مبحث میکند. واقعیت این است که
منشویکها رویزونیست‌هایی بودند که تا
توجه اپورتونیسیم راست تکامل یافتند.
لنین در مقاله مارکسیسم و رویزونیسم
(صفحه ۳۳) که آنرا به سال ۱۹۰۸ نگاشت
به اجتناب تا پذیر بودن و بین المللی
بودن رویزونیسم اشاره میکند و از
رویزونیست‌ها در مقابل مارکسیست‌ها
در کنفرانس مختلف اروپا نام میبرد. مثلا
اوتو کرا و پرنسپیشیا در آلمان،
اندراست و زرمیستا در ایتالیا
و بلوویکا و منشویکا در روسیه.

در این مقاله لنین از اپورتونیسیم
پارتیکولار یاد می‌کند (نه منشویکا) که خط
خود را از آنجا بیان در سال ۱۹۰۸
جدا کرده بود نام میبرد. البته پلخانف
بعدا در انترناسیونال دوم کاملاً به طبقه
کارگر دست کرد و مارکسیسم را برای همیشه
و داغ گفت. منشویکها از همان ابتدای
مبارزه خود در سال ۱۹۰۳ رویزونیست
به‌دند که انحرافات آنها بدرجه اپورتو-
نیسم راست تکامل پیدا نکرده بود. بعد از
انتخاب نومیه، منشویکها از کنار بورژوازی
بخشی از سرکوب کجا و دنیکن در روسیه
علیه بلشویکها و کارگران هدید بختیانی
کردند. آیا تمام این انحرافات را باید
به اپورتونیسیم در تانکیک نسبت داد؟
لنین در مقاله "در اطراف شعارها" هدیدا
به کسانی که حمایت منشویکها از گفتار
بلشویکها را به اشتباه آنها نسبت میدهند
حمله کند و آنرا ساده لوحی کودکانه
میداند. علیرغم خیانت منشویکها، لنین
باز مطرح میکند که آنها بد حزب خرده -

بورژوازی هستند (منتخب آثار صفحه ۴۸۱).
واقعا بیکار مارکسیسم را بسخره می‌برد،
و حتی مطرح میکنید که منشویکها اپورتونیست
در تاکتیک و سیاست بودند ولی به تجدید
نظر در اصول ایدئولوژیک تمهید ننشده

بودند! چیزی بهتر از این واقعیت
که آنها یک حزب خرده بورژوازی بودند
میتواند ماهیت رویزونیستی منشویکها را
آشکار سازد؟ لنین در دولت و انقلاب
هدیدا به کائوتسکی که "مهم ترین فرق -
بین مارکسیسم و اپورتونیسیم را در مورد
مسئله وثایف انقلاب پرولتری ماست مالی
نموده است" (منتخب آثار صفحه ۵۵۰-۵۵۱)
حمله میکند. آیا منشویکها در مسئله انقلاب
پرولتری و دیکتاتوری پرولتاریا بمثابه
اساسی ترین اصل مارکسیسم، تجدید نظر
نکرده بودند؟

آنچه که بیکار میخواهد با تحریف
تاریخ نتیجه گیری کند این است که مبارزه
ایدئولوژیک بلشویکها تحت رهبری لنین با
منشویکها از سال ۱۹۰۳ تا سال ۱۹۱۲ در
حزب سوسیال دموکرات روسیه و بعد از آن
در خارج از حزب تا سال ۱۹۲۲ در حقیقت
با اپورتونیست‌های تاکتیکی بوده است نه
با رویزونیست‌ها! مضافاً چگونه
لنین میتواند با رویزونیست‌ها در چهار-
چوب جنبش طبقه کارگر مبارزه ایدئولوژیک
کند؟! لازم است که برای رفتن بیکار که
به آئین برستی خدا مفرانه دچار هستند
بگوئیم که حتی بعد از انتخاب پیروزمند
اکتبر در سال ۱۹۱۲ بلشویکها از منشویکها
که کنگره عوامهای کارگری را ترک کرده
به‌دند دعوت میکنند که در کنگره عوامها
در سال ۱۹۱۸ شرکت کنند. لنین حزب -
منشویکهای رویزونیست را که به پرولتاریا
خیانت کرده بود و تجدید نظر در اصول

مارکسیسم بعمل آورده بود، منحل اعلام نکرد
رهبران منشویکی مجدداً در سامبر ۱۹۱۹ به
هفتمین کنگره عوامهای کارگری دعوت
میشوند. دان مارشال رویزونیست در کنگره
محبت هم میکنند. حزب منشویک لی تا پستان
سال ۱۹۲۰ در مسکو و ایالات دارای دفتر
است و جزوات گوناگونی منتشر میکنند. در
انتخابات عوامهای محلی شرکت میکنند و -
چهارصد کرسی بدست می‌آورد (بقتلها هم مبارزه
ایقناتی در شوروی). در اوت ۱۹۲۰ منشویکها
کنفرانس حزبی تشکیل میدهند. منشویکها در
هفتمین کنگره عوامها هم شرکت میکنند.
تنها بعد از ورود گروه نجات (۱) است که -
جلوی فعالیت منشویکها که در این عمل به
ضییقت دست داشتند گرفته میشود. ولی با این
حال حزب منشویک منحل اعلام نمی‌گردد. لنین
هم محبت از منشویکها نمی‌کند و رفتار در شورائی
خود را کنار گذارده اند می‌گوید: "مانند
آنها را کنار بزنیم، بلکه باید از آنها
دعوت کنیم و به آنها اجازه کار مشترک با
خودمان را بدهیم" (لنین مجموعه آثار جلد
۲۸ صفحه ۲۰۲). بنا بر این لنین منشویکها را
علیرغم انحرافات رویزونیستی شان در -
درون جنبش طبقه کارگر میدانند و ضمن
مبارزه بی‌امان ایدئولوژیک بر علیه آنها
میخواهد رهبران آنها را منفرد سازد. البته
واقعیت این است که بخشی از منشویکها هم
به ضد انقلاب می‌روند و برای همیشه
کسبگی خود را از پرولتاریا و حتی خرده -
بورژوازی نشان دادند. سوسیال خونمسم،
با بتول لنین اپورتونیسیم کامل و بسیاری
از رهبران انترناسیونال دوم بعد از سال
۱۹۱۰ استحاله کامل یافته‌اند و امروزه -
نمایندگی ایقناتی بخشی از سرمایه داری
امریالیستی را بعهده دارند. امروز

احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی از - جمله حزب سوسیالیست فرانسه به رهبری میتران بخشی از جناح های مختلف امپریا - لیستی را از لحاظ طبقاتی نمایندگی میکنند بدون شک آنها دیگر هیچگونه جانی در درون جنبش کارگری ندارند و خود نیز دشمنی خود را با طبقه کارگر و اردوگاه سوسیالیسم علنا اعلام میدارند.

برخلاف برخورد انحرافی رشتان بیچاره ما معتقدیم که اگرچه حزب کمونیست شوروی دارای انحرافات رویزیونیستی اساسی است و تجدیدنظر در بسیاری از انقلابی - مارکسیسم - لنینیسم به آن آورده است و با اینحال باید در چهارچوب جنبش کمونیستی جهان به انحرافات آن برخورد نمود. همانطور که در مقدمه گفته شده متأسفانه ما در اینجا فرصت پرداختن به انحرافات رویزیونیستی آنها نداریم.

دورک انحرافی از سرمایه داری و امپریالیسم

حال بگذارید به پیش انحرافی بیکار در مورد احیای سرمایه داری در شوروی که خود از شناخت آثار ریستی آنها از مثلث رویزیونیسم ناشی میشود، بپردازیم. رفقای بیکار ادعا میکنند که استقرار رویزیونیسم باعث احیای سرمایه داری در شوروی گردید. عبارت دیگر دنیا از استقرار دیکتاتوری بورژوازی، یعنی رویزیونیسم غرونیخی، اقتصاد سوسیالیستی استحاله پیدا کرده و تغییر ماهیت میدهد و اقتصاد سرمایه داری بوجود میآید. زیرا با توجه به رابطه دیالکتیکی بین روبنا و زیربنای جامعه، تغییر ضد انقلابی در روبنا نمی - توانست تاثیر مستقیم و قاطعی بر زیربنای جامعه نگذارد. (بیکار تئوریک - سیاسی

۲ صفحه ۱۴۳). بطور خلاصه بزرگ بیکار روبنا (رویزیونیسم) زیربنای اقتصادی سوسیالیستی را از بین برد! این است جان کلام بحث های بیکار. رفقای بیکار که مخالفان تئوری احیای سرمایه داری در - شوروی را متهم میسازند که برای اثبات ساخت سوسیالیستی شوروی از "کشفیات جدید علمی" سخن میگویند، خود بهترین اصل دیالکتیک مارکسیسم، یعنی نقد تعیین کننده زیربنایا در رابطه دیالکتیکی بین روبنا و زیربنایا انکار میکنند. در حقیقت این مدافعان تئوری "سوسیال امپریالیسم" هستند که از "کشفیات جدید علمی" و - دستاوردهای ایدئولوژیکی بورژوازی تا اجازه گفتن می دهند تا دگماتیسم را بجان - مارکسیسم بنشانند. در نوآموز مارکسیست میدانند که هر روند مبارزه ایقاتی و در روند تبدیل ناهای اقتصادی - اجتماعی به یکدیگر، عوامل زیربنایی نقش تعیین کننده دارند.

ایدئولوژیکی بورژوازی تاثیر ماکس ویر این جامعه، همان زیر بورژوازی که تمام توان خود را منبوجانه بکار رفته تا مارکسیسم را بی آبرو (!؟) کند - خیلی زودتر از بیکار به این کشف جدید علمی دست یافته اند! ماکس ویر تلاش میکرد که تحلیل جدیدی از نظام سرمایه داری و تکاملی جوامع در مقابل تحلیل اقتصاد مارکس که حاکی از تسلط ساخت زیربنای بر ساخت روبنا (ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) است، ارائه دهد. ویر در کتاب "اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری" همان تئوری را ارائه میدهد که مدافعان تئوری "سوسیال امپریالیسم" تلاش دارند آنرا به رسم مارکسیسم - لنینیسم خالی! قالب کنند. او در این کتاب تاثیر روبنا یعنی

اخلاق پروتستانی (کالونیسیم) را در بوجود آوردن نظام سرمایه داری (زیربنایا) تعیین کننده میدانند. بیکار کیست نمی - تواند منکر رابطه دیالکتیکی رو بنایا و زیربنایا بوده ولی تنها ایده آلیستی ما میتوانند نقد تعیین کننده و اساسی زیر - بنا را در دوره تکاملی جامعه انکار نمایند. انگلر در نامه خود به بلوخ (Block) در ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۰ من اقتناع به دگماتیست هائی که در مارکسیسم از مارکس هم "مارکسیست تر" هستند و نقش مهم عوامل روبنایی را انکار میکنند، مجدداً بر نقش تعیین کننده زیربنایا تاکید میکند:

"وضعیت اقتصادی اساسی و پایه است، هر چند عوامل گوناگون روبنایی تاثیر تئوری های سیاسی، حقوقی، فلسفی و ایده های مذهبی و تکوین بعدی آنها بصورت سیستمی اقتصادی دگماتیستی نیز اثرات خود را بر روند مبارزات تاریخی میگذارند و در موارد بسیاری در تعیین هم آنها نقش موثر دارند" (۱) (تاکید از ماست). - بنا بر این انگلر از نقش ایهای اقتصاد و نقش مهم و تازه تعیین کننده عوامل روبنایی تنها در تعیین فرم و شکل تکاملی اجتماعی صحبت میکند. این تنها زیربنایست که میتواند محتوی تکامل اجتماعی را - تعیین کند.

اتفاقا رفقای بیکار در مورد نقش تعیین کننده سیاست نیز از تئوریهای ماکس ویر بورژوا تبعیت میکنند. ماکس ویر بر آن بود که قدرت سیاسی و سیاست به مراتب بیشتر از عوامل اقتصادی در تعیین تحولات اجتماعی سهم هستند. رفقای بیکار نیز معتقدند که سیاست رویزیونیستی غرونیچف

قدی برتوری

باعث احیای سرمایه‌داری گردید. اما - مارکسیسم - لنینیسم ضمن انتقاد به اثرات مهم عامل سیاست و نقش آنرا ثانوی میدانند بقول لنین: "سیاست با زتاب فشرده اقتصاد است و سیاست ممکن نیست بر اقتصاد ولویت داشته باشد" * پایان بخش اول آغاز بخش سوم *****

برخی از ویژگیهای

اقتصاد سوسیالیستی

در اینجا برای رد تئوری احیای سرمایه‌داری در شوروی و لازم است که مهم - ترین ویژگی های اقتصادی این کشور را بر عمده و آنها را با ویژگی های جوامع سرمایه‌داری مقایسه کنیم:

۱) فقدان بحران اقتصادی دوره‌ای

مارکس و انگلس بحران دوره‌ای (سیکلی) و رکود را عوارض ذاتی سیستم سرمایه‌داری میدانند. برای مثال تولید ناخالص ملی آمریکا در سال ۱۹۵۸، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸ و ۱۹۶۷، بطور متوسط سالانه ۷ درصد کاهش یافت. در سال ۱۹۷۴ تولید ناخالص ملی در آمریکا ۱۳/۴ درصد در ژان ۲۲/۸ درصد در ایتالیا ۱۹/۴ درصد در فرانسه ۱۶/۲ درصد و در آلمان ۱۲/۳ درصد کاهش یافت. این در حالی است که هیچگونه بحرانی در اقتصاد شوروی بعد از جنگ مشاهده نمیشود و در هیچ سالی میزان رشد صنعتی کمتر از ۵ درصد نبوده است.

۲) برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی

یکی از مهمترین ویژگی های سیستم تولید سوسیالیستی، اجتماعی کردن وسایل تولیدی است. برای این کار، وجود

حسابداری و کنترل واحد که به وسیله یک برنامه مرکزی اعمال شده، ضروری است. وجود برنامه ریزی متمرکز اقتصادی همچنین اجازه میدهد که اولویتهای اقتصادی در برنامه ریزی رعایت شود و از هرج و مرج در تولید که ذاتی سیستم سرمایه‌داری است جلوگیری شود. برای رشد نیروهای مولده و رشد اقتصادی هرچه بیشتر جامعه در شوروی الویت به تولید کالاهای تولیدی از قبیل صنایع سنگین، صنایع نظامی و مواد نفتی و برق داده میشود. برخلاف جوامع سرمایه‌داری که بخاطر سود - آوری بیشتر بر تولید کالاهای مصرفی تأکید بیشتری میشود، در شوروی نسبت تولید کالاهای تولیدی به کالاهای مصرفی ۷۵ به ۲۵ است. تا آنجا که اولویتهای مطرح است، کارشناسان مسائل شوروی همگی معتقدند که اقتصاد شوروی کارآیی بسیار دارد (۲). البته فقدان کارآیی کافی در بخشهای مصرفی یکی از مشکلات اقتصادی جامعه شوروی بوده است.

۳) رفاه مادی و برابری

میدانیم که بیکاری یکی از عمده ترین بحرانهای جوامع سرمایه‌داری است. امروز میزان بیکاری در اغلب کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بیش از ده درصد میباشد. در حالیکه در جامعه شوروی نه تنها بیکاری وجود ندارد، بلکه به خاطر پائین بودن میزان زاد و ولد، کمبود نیروی کار بخصوص در بخش کفاورزی مطرح میباشد (۳). در بین سالهای ۱۹۵۱-۶۷، مصرف سرانه تمام کالاهای ۲/۶ برابر شده است (رشد سالانه ۴ درصد) در این مدت مصرف خدمات ۳ برابر، مصرف مواد غذایی ۲ برابر و درآمد بولی ۴ برابر شده است. در حالیکه تورم و افزایش قیمت

کالاهای مصرفی، یکی از مهمترین مشکلات مردم کشورهای سرمایه‌داری است. ثابت بودن قیمت مواد غذایی باعث رشد کیفی و کمی مصرف مواد غذایی در شوروی شده است. برای مثال قیمت گوشت در شوروی در ۱۸ سال گذشته

ثابت مانده است. البته در این مدت درآمد

سرانه ۷۰ درصد رشد یافته است. افزایش

درآمد و رشد مصرف مواد غذایی در چند سال

گذشته باعث کمبود مواد غذایی شده است (۴)

Wiles در تحقیقاتی که در مورد توزیع

درآمد در کشورهای غربی و شرقی انجام داده

انسان میدارد که هیچ کشوری تا بحال -

مانند شوروی به طرف برابری حرکت نکرده

است. لازم به تذکر است که مقامات حزبی

و دولتی هنوز از امتیازات خاصی برخوردار

دار هستند. البته تفاوت اساسی دولت

سوسیالیستی شوروی و نظام های سرمایه‌داری

در این است که در شوروی افرادی که دارای

درآمدهای بالا هستند (حقوق و مزایای

زیاد میگیرند) بهیچوجه نمیتوانند آنرا

سرمایه‌گذاری کرده و از این راه سود

کلاسی به چنگ آورند. به عبارت دیگر افراد

نمیتوانند درآمدهای خود را بصورت

سرمایه در تولید اجتماعی بکار اندازند

و ارزش اضافی آنرا به جیب خود بریزند.

ناگفته بهداست که اقتصاد سوسیالیستی

در شوروی مشکلات خاص خود را داراست.

امروز بازدهی بخش کفاورزی بسیار پائین

است و باری است بر دوش کل اقتصاد شوروی

مزارع کوچک خصوصی، هرچند تعداد آن نسبت

به مزارع دولتی و مزارع جمعی بسیار کم

است، هنوز در بخش کفاورزی وجود دارند.

ولی واقعیت این است که از سال ۱۹۳۷ تا

بحال دائماً از اهمیت آنها کاسته شده است.

باروی کار آمدن رویزیونیم خرومچنیسیه سیاست‌هایی از قبیل فروختن (Motorized Tractor Stations - MTS) به مزارع جمعی و بکارگیری سیستم Zeveno (تیم‌های کار کوچک خصوصی که مسئولیت کشت و برداشت محصول را در بعضی از مزارع جمعی به عهده داشتند) گام‌هایی بود در جهت تقویت بخش خصوصی در کشاورزی. بعد از خرومچنیسیه مخالفت‌های بسیاری با سیاست‌های ارضی او انجام گرفت. بطوریکه امروز این سیاستها دیگر کاربرد چندانی ندارد. بطور خلاصه سوسیالیسم در شوروی امروز با مسائلی از قبیل عدم موازنه بین عرضه و تقاضای کالاهای مصرفی، فقدان تکنولوژی پیشرفته در بعضی از رشته‌های تولیدی، و فساد اداری و بوروکراسی روبروست. اما این مشکلات ماهیتاً با مشکلاتی که کشورهای امپریالیستی با آن دست‌بگریبانند، از زمین تا آسمان فرقی دارد.

تجارت خارجی شوروی

در اینجا لازم است اشاره‌ای هرچند مختصر به تجارت خارجی شوروی بنمائیم. بطور کلی دولت شوروی با سه دسته از کشورها روابط تجاری دارد: (۱) تجارت با کشورهای سوسیالیستی و مترقی، (۲) تجارت با کشورهای توسعه نیافته تحت‌سلطه و (۳) تجارت با کشورهای امپریالیستی. در اینجا از بررسی تجارت خارجی با کشورهای امپریالیستی که بر اساس قوانین بازاریهای جهانی برگزار میشود، صرف‌نظر کرده و فقط به تجارت خارجی شوروی با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای تحت‌سلطه که نشانگر ماهیت سیستم موجود در شوروی است، می‌پردازیم:

(۱) تجارت خارجی با کشورهای سوسیالیستی

امروز حتی محققان بورژوازی نیز تا آنجا میکنند که روابط تجاری بین شوروی و کشورهای سوسیالیستی و کشورهای که از زیر سلطه امپریالیسم رها شده‌اند، بسیار عادلانه بوده است. مقایسه صادرات و واردات شوروی با کشورهای سوسیالیستی از سال ۱۹۵۸ به بعد نشان میدهد که در مجموع تعادل برقرار بوده است. واقعیت این است که روابط اقتصادی و تجاری بین شوروی و کشورهای عضو Comecon (شورا) برای کمک‌های اقتصادی چند جانبه (باعث تسریع رشد اقتصادی کشورهای کومکون و کندی رشد اقتصادی شوروی شده است. کشورهای اروپای شرقی تنها $\frac{1}{3}$ کل تجارت خود را با شوروی انجام میدهند و میزان تجارت بین شوروی و این کشورها در سال ۱۹۷۰ به بعد نسبت به سال ۱۹۶۰ کاهش یافته است. در حالیکه بیش از $\frac{2}{3}$ کل تجارت خارجی بسیاری از کشورهای تحت‌سلطه با امپریالیسم آمریکا انجام میگردد. در بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ کشورهای عضو کومکون به میزان ۴ درصد بیشتر از آنچه که از شوروی وارد کردند به آن کشور صادر نموده‌اند. این کشورها بیشتر صنایع ماشین و لوازم یدکی به شوروی صادر کرده و در عوض مواد خام و سوختی از آنجا وارد میکنند. (این مسئله در مورد رابطه بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت‌سلطه کاملاً برعکس است).

در مورد کمک اقتصادی شوروی به کشورهای مثل ویتنام و کوبا شاید کمتر جای بحثی باشد. تنها در ۵ سال بین ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰، شوروی تنها ۸۰۰ میلیون دلار کمک اقتصادی به ویتنام نمود. بعد از پیروزی

انقلاب کوبا و بایکوت شدن محصولات شکر آن کشور از طرف امپریالیسم آمریکا، شوروی شکر کوبا را ۲۵ درصد گرانتر از قیمت بازاریهای جهانی خریداری نمود. برای کمک به اقتصاد کوبا، شوروی همچنین نیکل این کشور را با قیمتی معادل ۲ برابر قیمت بازاریهای جهانی خریداری میکند. به خاطر کمک‌های بی‌دریغ شوروی، صنایع سنگین کوبا بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۵، $\frac{2}{9}$ برابر شده است. در سال ۱۹۶۳ بانک بین‌المللی برای همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو کومکون بوجود آمد. این بانک کاملاً بصورت دموکراتیک اداره میشود و شوروی مانند دیگر کشورهای عضو در کمیته اجرایی بانک نماینده دارد. هدف این بانک تنظیم برنامه‌های اقتصادی و امور مالی کشورهای سوسیالیستی است. اعتباراتی که از جانب این بانک به کشورهای عضو داده میشود، اغلب بیش از ۵ سال و با بهره کمتر از ۲ درصد میباشد.

(۲) تجارت خارجی با کشورهای تحت سلطه

با تسلط یافتن نظریات رویزیونیستی بر حزب کمونیست شوروی بعد از سال ۱۹۵۶ هدف از روابط تجاری با کشورهای تحت‌سلطه تاثیر گذاری بر دولت آن کشورها و برقراری روابط دوستانه بوده است. کسری موازنه تجارت خارجی شوروی با بسیاری از کشورهای تحت‌سلطه کاملاً محسوس میباشد. برای مثال در سال ۱۹۷۵ شوروی ۲۵۰ میلیون دلار در آفریقا و ۴۷۰ میلیون دلار در آمریکای لاتین کسری موازنه داشته است. همانطور که قبلاً گفتیم، صادرات شوروی به کشورهای تحت‌سلطه تنها ۹ درصد کل صادرات آنرا تشکیل میدهد (این رقم در مورد آمریکا ۲۵ درصد است). شوروی بقیه درصفا ۲۹

به مناسبت ۲۰ آوریل، هشتمین سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام



شالیزار، باغ و جنگل در اثر بمباران و مواد شیمیایی از بین رفته بودند و امراضی چون مالاریا، تیفوئید و وبا خطری دائمی ایجاد کرده بود.

انقلاب می‌بایست با همه این مشکلات روبرو می‌شد و مسئله دیگر دست و پنجه نرم کرده و جامعه ویتنام را از درون این همه خرابی نجات می‌بخشد و ساختن سوسیالیسم هدایت نماید. خلق ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام، که طی رهبری نبردهای چندین ساله آبدیده شده بود، مصمم بود که با تمام این مشکلات مقابله کرده و با در هم شکستن آنها، راه خود را به سوی آینده بسازد. دموکراسی و سوسیالیسم به پیش میرود.

یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب تجدید تربیت سربازان، پلیس و کارگزاران رژیم سابق بود. پیشبرد این وظیفه که کنترل و تربیت بیش از یک میلیون نفر منجمد ۲۰ هزار افسر را در بر میگرفت، بدون کمک و همکاری همه جانبه سازمانهای توده‌ای عامه سازمانهای زنان و جوانان امکان پذیر نبود. انقلاب بسیاری از آنان را پس از رسیدگی به پرونده‌هایشان بدون قید و شرط آزاد نمود و تنها افسران و تعدادی عوامل بالای رژیم سابق را برای تجدید تربیت و پاکسازی در اردوگاه‌های مستقر ساخت که پس از طی دوره‌های تجدید تربیت ۳ ماهه، ۶ ماهه و ... و آزمایش‌های لازم به جامعه باز گردانیده شدند.

انقلاب برای نابود کردن فرهنگ استعماری، فیلم‌های مبتذل، بوسترهای تبلیغاتی و مجلات منحرف را جمع‌آوری نمود. مراکز "احیای حیثیت زنان" برای آموزش - فاحشه‌ها و مراکز متعدد ترک اعتیاد، کمک

قابل تحسین و دست‌آوردهای درخشانی سوسیالیسم و احیای دیگر باره این واقعیت که فقط زحمتکشان و در رأس آن طبقه کارگر است که میتوانند سرباز رهبری یک حزب انقلابی و مارکسیست-لنینیست را تعیین و از جنگ‌های استعماری، استعمار فقر، جنم، استعماری و فساد و ... رها سازد. مطالعه مشکلات و پیچیدگی‌های موجود بر سر راه ساختمان سوسیالیسم در کشوری نظیر ویتنام نمیتواند تجربه آموخته‌های ساده و جهت‌آموزی واضح بمانند هوا در آن کمونیسم که بسیاری اوقات سرداشتی محلی و آید - آلتستی از سوسیالیسم دارند.

مبتلا بودند بر جای گذاشت. ۱۰ میلیون نفر از سکنه روستاهای بمباران شده، آواره - گردیده بودند. بر روی زمینها و مزارع سراسر کشور دستکم صد و پنجاه هزار تن بمب منفجر نشده باقیمانده بود که هر روز ضایعات تجدیدی ایجاد میکرد. (بیش از ۸ میلیون تن بمب در زمان اشغال آمریکای جنایتکار بر سر مردم محروم ویتنام ریخته شده بود). رژیم وابسته تیو، چهار میلیون نفر بی سواد، یک میلیون بیوه، نیم میلیون معتاد به مواد مخدر و هزاران دزد و ولگرد به جای گذاشته بود. سیاست‌های وابسته این رژیم ۹/۵ میلیون نفر را بطور دائمی بیکار کرده بود. در آستانه پیروزی خلق ویتنام و ستاد رهبری کننده آن، حزب کمونیست ویتنام، اوضاع بسیار وخیم تر شده بود. بیش از یک میلیون پرسنل ارتش و یک میلیون کارمند دولت و مدعا هزار تاجر کوچک که وابسته به رژیم تیو بودند با احتکار و انواع دغلکاریها قیمت اجناس را بالا برده و بحران را تشدید میکردند. علاوه بر همه اینها چندین میلیون هکتار

مناسبت سالگرد پیروزی نهایی انقلاب ویتنام و شکست مطلقا سوسیالیسم امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم جنایتکار آمریکا در هندوچین، طی سوسیالیسم کونامی موزی شکست بر مشکلات موجود بود. هنگام قدرت‌یابی خلق در ویتنام و سپس نگاه کونامی می‌فکنیم بر دست‌آوردهای سوسیالیسم و مقاومت این سوزین بدلیل ریاست اختصار، مطالب عمده شهرت و آن و نه سرت‌آمار و ارقام بیان شده است. عمده‌ها بعد از غرضی استوار پیروزی‌های

تجاوز سی ساله امپریالیستی به خاک ویتنام نتایج مغرب و وحشتناکی برای مردم این کشور ببار آورد. در اثر بمبارانهای متوالی ویتنام شمالی، مراکز ۱۲ استان و بیش از ۵۰ بخش کاملاً از بین رفتند. تمام خطوط راه آهن و پل‌ها غیر قابل استفاده شده بودند و سیستم حمل و نقل دریایی و روستاهای از هم پاشیده شده بود. در روستاها ۱۶۰۰ شبکه آبیاری آسیب دیده بودند و صدها هزار هکتار زمین‌های مزروعی غیر قابل استفاده به جای مانده بود. ۳۰۰۰ مدرسه و ۲۵۰ بیمارستان بکلی ویران شده بودند. علاوه بر همه اینها اکثر شهرها به وسیله بمب‌دچار ویرانی شده بودند. در جنوب ویتنام وضع به مراتب بد تر بود. از ۱۵ هزار دهکده، ۹ هزار در اثر بمباران با خاک یکسان گردیده بود. تعداد معلولین و زخمی‌های جنگ به یک میلیون نفر میرسید. ۸۰۰۰۰۰ کودک بی سرپرست بر جای مانده بود. رواج فحشاء به وسیله آمریکا، نیم میلیون فاحشه که به انواع امراض

قدی برتوری

بقیه از صفحه ۲۷

اغلب اعتبارات طولانی به مدت بیش از ۱۲ سال در اختیار این کشورها میگذارد که با پولهای محلی نیز قابل پرداخت است. میزان بهره این اعتبارات ۲/۵ درصد است (۵) دولت شوروی همچنین به خاطر دیدگاه روزهونستی / اکونومیستی راه رشد غیر سرمایه داری، کمکهای زیادی را به کور- هائی مثل مصر، عراق، سوریه و سومالی و... نموده است. اگرچه این کشورها با کمکهای شوروی راهی جز راه سرمایه داری نیهموده اند با اینحال به جرأت میتوان گفت ماهیت روابط تجاری شوروی با این کشورها استثمار- گرانه نبوده و به هیچوجه نمیتوان آنرا با روابط تجاری بین امپریالیست ها و کشورهای تحت سلطه مقایسه نمود.

درک انحرافی از سوسیالیسم

دراینجا لازم است که دید خود را از سوسیالیسم بیان داریم و تفاوتهای آنرا با سوسیالیسم تخیلی و مدافعان ثنوری "سوسیال امپریالیسم" برشمردیم. ابتدا لازم است تفاوت سوسیالیسم و کمونیسم را روشن کنیم. آنچه را که امروز ما سوسیالیسم مینامیم، مارکس فاز نخستین یا پائینی جامعه کمونیستی مینامید. همچنین استنباطی که امروز در مورد کمونیسم یا جامعه بسی- ابقه وجود دارد، همان چیزی است که مارکس و لنین فاز بالائی کمونیستی میخوانند. خصوصیات نخستین فاز جامعه کمونیستی یا سوسیالیسم که یک مرحله خاص تاریخی از تکامل بشری است و فرمسیون اقتصادی اجتماعی کارا کتر مخصوص به خود را داراست بدین قرار است: (۱) تولید از تملك خصوصی افراد جداگانه خارج شده است و وسائل تولید متعلق به تمام جامعه است. (۲) هرکس به اندازه کارش از انبارهای

اجتماعی مواد مورد مصرف را دریافت میدارد، (۳) "نخستین فاز کمونیسم هنوز نمیتواند عدالت و برابری را تأمین نماید: تفاوت در ثروت باقی خواهد ماند و این تفاوتی غیر عادلانه است ولی استثمار فرد از فرد غیر ممکن میگردد." (لنین دولت و انقلاب، منتخب آثار صفحه ۵۰۰-۴) سوسیالیسم از هر لحاظ مهر و نشان جامعه کهنه سرمایه داری را با خود دارد و - "حقوق بورژوازی فقط تا اندازه ای ملغی میشود نه بطور تام و تمام، فقط به میزانی که تحول اقتصادی جامعه اجازه میدهد یعنی تنها در مورد وسائل تولید" (لنین ه مانجا صفحه ۵۰۰)، وجود دولت برای حراست مایملک همگانی بر وسائل تولید هنوز ضروری است.

خصوصیات فاز بالائی کمونیستی به قرار زیر است: (۱) تفکیک کار فکری و جسمی از بین میروند (۲) تکامل نیروهای مولده باید به حدی رشد یابد که جامعه بتواند شعار "هر کس طبق استعدادش و هر کس طبق نیازش" را عملی سازد، (۳) با از بین رفتن ابقه، دولت نیز رو به زوال خواهد رفت و آزادی و برابری برای اولین بار تحقق مییابد، (۴) تنها میتوان از ناگزیری زوال دولت سخن گفت و بهیچوجه نمیتوان "معد و شکل های منحص این زوال را پیش بینی نمود" زیرا برای حل اینگونه مسائل مدرکی وجود ندارد" (لنین همانجا ص ۵۰۱) بررسی دقیق تفاوتها ی جامعه سوسیالیستی با فاز اول کمونیسم و جامعه کمونیستی یا فاز بالائی کمونیسم نشان خواهد داد که در جوامع سوسیالیستی ما بناچار هنوز مهر و نشان جامعه سرمایه داری را با خود داریم و حقوق بورژوازی هنوز وجود دارد و معیار های بورژوازی هنوز کاملاً از بین نرفته

است، منتها دیگر تولید همگانی است و استثمار فرد از فرد از بین میرود. بنا- براین وجود پول و بانک دولتی در شوروی که معتقدان به ثنوری سوسیال امپریالیسم بدان توسل میجویند تا سرمایه داری بودن شوروی را اثبات کنند، نمیتواند به مفهوم احیاء سرمایه داری در شوروی باشد. حقایق نشان میدهد که به هیچ فردی در شوروی اجازه داده نمیشود که فرد دیگری را - استخدام نماید و از اینرو اساس کار مزدوری فردی از بین رفته است. رفقای بیکار به وجود نا برابری و تفاوت در ثروت در شوروی اشاره میکنند و آنرا دلیل ماهیت سرمایه داری شوروی میدانند. ما نیز معتقدیم که تفاوت در ثروت در شوروی وجود دارد و این تفاوتی غیر عادلانه است. اما مارکس و لنین به اجتناب نا پذیر بودن تفاوت در ثروت در جامعه سوسیالیستی اشاره مینمایند. در حقیقت برداشتی که بیکار از سوسیالیسم دارد همان فاز بالائی کمونیستی است که در آن عدالت و برابری کاملاً رعایت میگردد. این برداشت از آنجا تخیلی است که شرایط عینی جهان معاصر هنوز زمینه مادی پیدایش آنها را فراهم نیاورده است.

چرا جبهه خلق برای آزادی عمان، انقلاب- بیون آمریکا ی لائین و انقلابیون سرتا- سر جهان به فریادهای طرفداران "عظ ۳" که آنها را از "عواقب نزدیک با "سوسیال امپریالیسم- شوروی" برحذر میدارد گوش فرا نمیدهند؟ جواب به این سئوالات خیلی ساده است. روند زندگی و روندها قیامات گوشان به حرفهای تخیلی و آنارشیستی آنها بدهکار نیست. آنچه که رفقای بیکار و هم نظران از سوسیالیسم میفهمند،

تقدی بر تئوری

نوعی سوسیالیسم تخیلی است که باید در -
 ناکجا آبادها سراع آنها را گرفت. لنین
 ضمن هشدار به "چپ" های آلمانی که به
 بیماری رفقای بیکار دچار بودند، میگوید:
 " ما میتوانیم (و موظفیم) ساختمان
 سوسیالیسم را نه با مصالح هشدار آمیز و
 نه با آن مصالح انسانی که خود ما مخصوصاً
 ایجاد نموده‌ایم، بلکه با آن مصالحی
 آغاز کنیم که سرمایه داری برای ما به -
 میراث نهاده است. بدون شك این کار بسیار
 "شوار" است ولی هر نوع شیوه برخورد
 دیگری نسبت به این وظیفه بعدی سبک‌مزانه
 است که حتی قابل بحث هم نیست" (بیماری
 کودکانی چپ روی در کمونیسم، منتخب آثار
 ص ۲۶۱).

ما امروز اعتقاد داریم که علیرغم
سلطه رویزیونیسم بر حزب کمونیست شوروی
 و کوتاهی های آن در دفاع از مبارزات -
 خلق های تحت‌تیم، دولت سوسیالیستی شوروی
 جزو دوستان خلقهای جهان محسوب میشود و
 واقعیات نیز این را نشان میدهد. چگونه
 رفقای بیکار که نام مارکسیت بر خود
 میگذارند میتوانند ماهیت انقلابی رژیمهای
 مثل کوبا و ویتنام را انکار کنند و
 خلقهای تحت‌تیم جهان را به جای مبارزه
 بر علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی
 امپریالیسم آمریکا بر علیه آنها و اصولاً
 بر علیه کشورهای سوسیالیستی دعوت کنند؟ از
 مدافعان تئوری سوسیال امپریالیسم باید
 پرسید که اگر دولت سوسیالیستی کوبا يك
 دولت بورژوا کمبرادور است پس چرا به
 عوض حمایت از هواداران رژیم ساموزا و
 رژیم السالوادور که منطقیاً باید از لحاظ
 طبقاتی با آنها همبستگی بیشتری داشته
 باشد، از رژیم انقلابی نیکاراگوئه و از
 کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی

السالوادور دفاع میکند ؟

تنها يك آثار ریست میتوانستند
 چشمهای خود را بر واقعیات ببندد و دولت
 انقلابی کوبا را بورژوا کمبرادور بدانند.
 بیکار با خوشحالی زاید الوصفی بیان میکند
 که " توده‌ها در جریان تجربه روزمره خود
 و همراه با پرورش روحیه ضد رویزیونیستی
 و ضد سوسیال امپریالیستی واقفیت استعمار -
 گرانه و امپریالیستی شوروی را به خوبی
 درک کرده‌اند و هیچ احتیاجی به کتب و
 رسالات علمی آقایان آگامیستا ندارند"
 (بیکار تئوریک سیاسی ۲، صفحه ۲۴۲). بلکه
 حق با شماست! سردمداران رژیم جمهوری
 اسلامی و لیبرالها خیلی بهتر از شما به
 ماهیت سوسیال امپریالیستی شوروی (!) پی
 برده‌اند و خیلی بهتر از شما روحیه ضد
 سوسیال امپریالیستی را در آنها پرورده‌اند
 این توده‌هایی که شما از آن صحبت میکنید
 یا توده‌های ناآگاهی هستند که از رژیم
 ضد انقلابی جمهوری اسلامی شدیداً دفاع
 میکنند و یا فالانژها و نوکران سرمایه
 داری هستند که "مرگ بر کمونیسم" را شعار
 خود قرار داده‌اند. اینجاست که عمیق
 انحراف شما پدیدار میشود و خویشاوندی -
 تان با تز ورشکسته و ارتجاعی "سه جهان"
 آشکار میگردد.

البته ما نیز میدانیم که بیکار و
 برخی دیگر از مدافعان تئوری سوسیال
 امپریالیسم مانند کومله به این تز
 ورشکسته دیگر معتقد نیستند، اما بخوبی
 نیز واقفیم که انتقاد آنها به تز "سه
 جهان" بسیار سطحی است و تنها بر اثر حماقت
 حقیقت‌صورت گرفته است. امروز دیگر این
 تئوری برای توده‌های مردم کاملاً افشا شده
 است. تا زمانی که آنها دلایل بوجود آمدن
 تز سه جهان را نشکافتند و بیوند تئوریک
 آنرا با تئوری ارتجاعی سوسیال امپریالیسم

که منشاء تمام خیانت‌های حزب کمونیست
 چین است، نبینند، تا زمانیکه بی نبرد
 که تئوری سه جهان يك تئوری معلق در هوا
 نیست که يك دفعه به وجود آمده باشد بلکه
 ادامه منطقی انحرافات چپ روانه حزب
 کمونیست چین تحت رهبری ماو است، غلط
 تا زمانیکه با ریشه های تئوریک وایدشو -
 لوزیک تئوری سه جهان مبارزه قاطعانه
 نکنند، سرنوشت بل بوتهای کامبوجی در
 انتظار آنهاست. ممکن است که این رفقا
 برافروخته شوند و بگویند که "ما خط کشی
 خود را با تئوری سه جهان بارها اعلام
 کرده‌ایم" اما این کافی نیست. تاریخ
 جنبش کمونیستی جهان نشان داده است که
 انحرافات رویزیونیستی و خیانت همیشه در
 در شرایط تاریخی تعیین کننده به وجود
 می‌آیند. سوسیال کمونیسم انترناسیونال
 دوم نتیجه بروز جنگ جهانی اول است.
 پیچیدگی مبارزات طبقاتی جهان ما، رفقای
 همفکر شما را در افغانستان به موضع کاملاً
 ارتجاعی انداخته است. فردا از کجا معلوم
 است که در پیچیدگی مبارزه ضد امپریالیستی
 دموکراتیک خلقهای ایران، شما به این
 انحراف دچار نشوید؟ البته در آن زمان
 بسیاری از نیروهای اصولی با روشن شدن
 واقعیات راه را از چاه تشخیص خواهند داد
 دچار شدن به سرنوشت بل بوتها نه لزوماً در
 انتظار شك شك کسانی که از تئوری سوسیال
 امپریالیسم دفاع میکنند، بلکه سرنوشت
 محتوم و ناگزیر دیدگاه ارتجاعی سوسیال
 امپریالیسم است که تا به حال بارها تحق
 یافته است.

امروز مبارزات ضد امپریالیستی
 دموکراتیک در ایران شرایط بس دشواری
 را میگذراند و جنبش کمونیستی در پراکندگی
 بسر می‌برد. بدون هیچگونه شکی پیوستن

بقیه از صفحه ۲۸

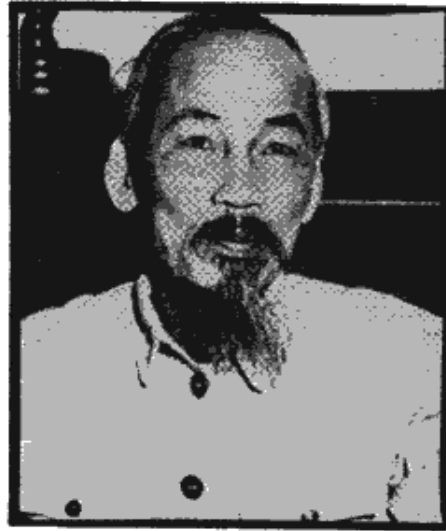
به ناتوانها، یتیمها، و غیره در سراسر جنوب برپا شد. فرهنگ انقلابی در سراسر کشور گسترش یافت. با استفاده از روشهای آزمایشی شده انقلابی در شمال، انقلاب بلافاصله به مسئله بی سوادی در جنوب پرداخت. (در شمال تا سال ۱۹۵۸ مسئله بی سوادی حل شده بود). در جنوب در عرض یک سال، نیم میلیون نفر خواندن و نوشتن آموختند. در عرض یک سال ۱۰ هزار مؤسسه آموزشی، چهار میلیون دانش آموز را در جنوب در خود جای داد. کار ترک اعتیاد مدتها - هزار معتاد به سرعت پیش رفت و مبارزه با سایر امراض به دستاوردهای بزرگی نائل آمد. جنبش وسیعی برای ایجاد مناطق قتمدی جدید، سراسر کشور را در بر گرفت. به هر خانواده قطعه‌ای زمین داده میشد و با کمک دولت کثوبراتیوهای (تعاونی ها) کشاورزی شروع به شکل گیری نمودند. در عرض یک سال و نیم بیش از نیم میلیون نفر از سایگون به مناطق جدید اقتصادی پیوستند. روشنفکران انقلابی و دانش جویان و دانش آموزان، دست یاری به سوی دهقانان دراز کرده و به کمک آنان شناختند. در ظرف یک سال ۱/۸ میلیون مترمکعب شبکه های آبیاری و ساختمان های مربوط به کشاورزی در اطراف سایگون ایجاد گردید. ۵ هزار کیلومتر کانال آبی ساخته و یا تجدید ساختمان شد. همچنین ۹۵۰ کیلومتر رودخانه و دریاچه مصنوعی ساخته و یا تجدید ساختمان شد. ۱۵ هزار کانال و سدهای کوچک ساخته و ۲۰ هزار حلقه چاه آبی حفر گردید.

قیمت برنج (غذای اصلی مردم)، در سراسر کشور تثبیت شده و به خانواده هایی که محتاج بودند، برنج مجانی داده میشد. سازمان زنان نقش بسیار مهمی در اکثر این برنامه ها ایفا نمود و زنان ویتنام همانطوریکه قبل از پیروزی در سراسر کشور همیا با مردان، مبارزه میکردند، نقش بسیار تعیین کننده ای را در موفقیت برنامه های بعد از پیروزی انقلاب به عهده داشته اند.

سیاست حزب در برابر مشکلات

بیرون راندن نیروهای اهریالیسم با بیان مشکلات خلق ویتنام نبود. ناملایمات طبیعت و سیاست ارتجاعی حکام چین فصل جدیدی از

سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



"هیچ چیز گران بها تر از آزادی و استقلال نیست" هوشی مین

۲۹ اردیبهشت برابر با ۱۹ مه مصادف است با تولد و سومین سالروز تولد یکی از انقلابیون بزرگ عصر ما، رفیق هوشی مین. نقش ارزنده این انسان بزرگ در پیشبرد انقلاب عظیم ویتنام بر کسی پوشیده نیست. ما در سالروز تولد او یاد پرافتخارش را گرامی میداریم و از آنجائیکه ۲۷ اردیبهشت مصادف با سالروز تولد لنین، آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان است، تنها به باز نویسی جملات کوتاهی از هوشی مین در باره خودش و در باره لنین که خود گویاتر و رساتر از توصیف و توضیحی است بسنده میکنیم باشد تا خاطره این دو بار زحمتکشان جهان در دلها زنده گردد.

مشکلات را پیش روی خلق ویتنام نهاد. دوسال پس از به خاک نشاندن نهائی پست امپریا - لیسم آمریکا، یعنی در سال ۱۹۷۷ و نیز در سال ۱۹۷۸، دو طوفان سهمگین گریبان خلق ویتنام را گرفت که خسارت های بسیار جانی و اقتصادی از خود بجای گذاشت. در ازای این بقیه در صفحه ۴۲

"پس از جنگ جهانی اول، من در پاریس به امرار معاش مشغول بودم، گاهی به عنوان رتوش کننده در یک مغازه عکاسی و گاهی به عنوان نقاش عتیقه جات چینی (که در فرانسه ساخته میشد!)، در این میان به بخش اعلامیه هائیکه جنایات استعمارگران فرانسوی را در ویتنام افشا مینمود، اشتغال داشتم. در آن زمان بطور غیررئی از انقلاب اکتبر هواداری مینمودم، و هنوز همه اهمیت تاریخی آنرا درک نکرده بودم. لنین را دوست میداشتم و ستایش میکردم، چون او میهن پرست بزرگی بود که همه هم میهنان خویش را آزاد ساخته بود، ولی تا آن زمان هنوز هیچک از آثار او را نخوانده بودم. دلایم برای پیوستن به حزب سوسیالیست فرانسه این بود که این "قاپان و خانمهای محتسرم" (من رفقای خود را اینگونه صدا میزدم) نسبت به من و نسبت به خلقهای ستمدیده همدردی ابراز میداشتند. لیکن من هنوز نفهمیده بودم که حزب، اتحادیه کارگری یا سوسیالیسم و کمونیسم چیست.

در آغاز میهن پرستی (پارتیوتیسم)، و نه هنوز کمونیسم، مرا به ست اعتماد به لنین و بین الملل سوم هدایت نمود. قدم به قدم، در راه مبارزه، با مطالعه مارکسیسم - لنینیسم، با شرکت در فعالیت های علمی، تدریجا به این واقعیت دست یافتم که تنها سوسیالیسم و کمونیسم میتواند خلقهای درینند و زحمتکشان را در سراسر جهان از اسارت نجات بخشد.

در کشور ما و کشور چین افسانه ای در باره "کتاب فرزنانگان" معجزه آسا وجود دارد. به هنگام رودررویی با دشواریها باید این کتاب را گشود و راه نجات را در آن یافت. لنینیسم تنها آن "کتاب فرزنانگان" معجزه آسا، یعنی قطب نمای انقلابیون و خلق ویتنام نیست، بلکه به منزله آن - خورشید روشنی بخشی است که راه ما را به پیروزی، سوسیالیسم و کمونیسم مینمایاند.

از کتاب:

منتخبی از آثار هوشی مین

به مناسبت ۳۰ آوریل، هشتمین سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام



بقیه از صفحه ۱۱

برگزاری مراسم مذهبی در ویتنام
آزاد میباشد ولی به دلیل تعلیمات صحیح
حزب، در حال حاضر از ۵۷ میلیون جمعیت
ویتنام (طبق منابع امپریالیستی که همواره
خواهان کثیرالتعداد نشان دادن مذهبیون
در کشورهای سوسیالیستی میباشند)، تنها
اندکی بیش از پنج میلیون کاتولیک در
ویتنام وجود دارند که در حدود ۱۲۰۰۰ نفر
آنان به کلیسا میروند. این خود نشانگر
طریقه صحیح و مؤثر مبارزه حزب با مذهب
میباشد.

علیرغم همه این دستاوردها، خلـق
ویتنام هنوز با انبوهی از مشکلات مواجه
است. مبارزه با بازار سیاه و قاچاق،
ریشه کن کردن بیکاری (مسئله ای که امروزه
در اغلب کشورهای سوسیالیستی از جمله در
اتحاد شوروی حل شده به حساب میآید)، بهبود
تغذیه (مصرف گوشت یک کارگر متوسط در ماه
حدود ۲ کیلو گرم میباشد که با وجود اینکه
این رقم در مقایسه با کشورهای نظیر ایران
که تنها یکمقد و پنجاه گرم در ماه است
رقم بالایی به نظر میرسد، هنوز در سطح یک
کشور سوسیالیستی پیشرفته نیست) از جمله
اهدافی هستند که پیش روی خلق ویتنام قرار
گرفته اند. در رابطه با چگونگی پیش بردن
این اهداف در حال حاضر سه نظرگاه در حزب
کمونیست ویتنام موجود میباشد. دیدگاهی
که از طرف رفیق فوانگ نمایندگی میشود
معتقد به دادن امتیازات بیشتر به
بورژوازی ویتنام میباشد. نظریه ای که محور
آن رفیق ترون شین میباشد معتقد به کنترل
بیشتر دولت بر امر تولید و توزیع و ایجاد
محدودیت های بیشتری برای بورژوازی میباشد.
دیدگاهی که بین این دو نظریه قرار گرفته
و در عین حال دیدگاه اکثریت حزب کمونیست
ویتنام به رهبری رفیق له دوان میباشد،
معتقد به قبول موقت و محدود وجه تولیدی
سرمایه داری بوده و وجه توزیعی و تجارت
خارجی آنرا کاملاً رد میکند. شکی نیست که
ادامه مبارزه ایدئولوژیک در درون حزب
کمونیست ویتنام منجر به انتخاب صحیح ترین
راه شده و خلق قهرمان این کشور با موفقیت
در راه ساختمان سوسیالیسم به پیش خواهد
رفت.



رفرم که شباهت بسیاری به برنامه نـخـب
"سیاست اقتصادی نوین" در روسیه که طراح
اصلی آن رفیق لنین بود، دارد تا کنون
اثرات چشمگیری در زمینه سازی ساختمان
سوسیالیسم در ویتنام داشته است. حزب
کمونیست ویتنام موفق شد تا بار دیگر
با تحلیلی از شرایط مشخص ویتنام، خلق
ویتنام را از یکی دیگر از تندبچه های
تاریخ عبور دهد. پنجمین کنگره این حزب
پنجاه و سه ساله که سال گذشته در هانوی
برگزار شد، دستاوردهای ساختمان سوسیالیسم
طی دوره گذشته را به قرار زیر برمی شمارد:
در زمینه کشاورزی در طی دوره گذشته
(۸۲-۱۹۷۶) مقدار زمین زیر کشت بیش از
۲ میلیون هکتار افزایش یافت و همچنین
بیش از ۱۸۰۰۰ تراکتور به تعداد قبلی
افزافه شد که خود کمک هایانی به پروسه
مکانیزه کردن کشاورزی کرده است. در حال
حاضر حدود ۵۸۰۰۰ هکتار مراتع جنگلی در
ویتنام به وجود آمده است. در زمینه
صنعت بیش از ۱۰۰۰۰۰ کیلو وات به نیروی
برق افزافه شده است. همچنین میزان تولید
سیمان ۲ میلیون تن افزایش یافته است.
در زمینه ارتباطات با وجود خسارات بسیار
زیاد وارده در نتیجه حمله چین، در حال
حاضر حدود ۱۷۰۰۰ کیلومتر راه آهن، ۲۸۰۰
کیلومتر جاده، ۳۰۰۰ متر پل در ویتنام
وجود دارد. ریشه کن کردن بیسوادی در
جنوب نیز یکی دیگر از دستاوردهای این
دوره محسوب میشود. در حال حاضر بیش از
۱۶ میلیون نفر مشغول تحصیل در ویتنام
میباشند.

سال ۱۹۷۱ نیز حکومت چین دست به یک حرکت
ارتجاعی زده و حدود شصدهزار سرباز خود را
به درون خاک ویتنام فرستاد. حاکمیت چین
به دلیل اینکه خلق ویتنام به وظایف
انترناسیونالیستی خود ارج نهاده و به
کمک خلق کامبوج شتافته بود تا آنان
را از شر حاکمیت خونخوار پل پات غلابی
کند، تصمیم به "تنبیه" خلق ویتنام
گرفته و بیش از شش شهر در شمال ویتنام
را منهدم کرده و بسیاری از راه های
ارتباطی را از بین برد. ولی اینبار نیز
خلق ویتنام از جنگ مقاومت سربلند و بیروز
بزون آمد و چون گذشته پوزه متجاوزین را
به خاک مالید.

باری این وقایع اثرات مغرب خود را
بر اقتصاد ویتنام به جای نهاد و باعث
گردید که تولید کشور در سال ۱۹۷۹ بمیزان
۴/۵ درصد تنزل یابد. با توجه به مشکلات
فوق، کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام
در ششمین پلنوم خود در ژوئیه ۱۹۷۹ قطع
نامه ای معروف به "قطعنامه شش" تصویب
نمود که بر طبق آن بنا شد که پروسه ملی
کردن سرمایه های کوچک کندتر شده و برای
واحدهای تولیدی، بهشاً انگیزه های مادی
مقرر شود. برای مثال برای زارعین برنج
حجم مشخصی متعادل با ظرفیت مزرعه آنان
از طرف برنامه ریزان مرکزی معین میشود
که قیمت برنج تا آن حجم در حدود کیلوژی
۲۶ سنت میباشد و اگر چنانچه زارعین
موفق شوند افزافه بر حجم تعیین شده تولید
نمایند، میتوانند افزافه آنرا تا کیلوژی
۲۴ سنت به خود دولت به فروش رسانند. این

بگذار سخن بگویم!

"بگذار سخن بگویم" گزارشی است از دمیتیلایاریوس دوچونگارا Domitila Barrios de Chungara زنی سرخپوست از معادن قلع بولیوی در باره مردمش، زندگی و مبارزه مردان و زنان معدنچی و افت و خیزهای جنبش کارگری و ضد - امپریالیستی بولیوی. این کتاب مجموعه‌ای است از گفت و گوهای که خانم موئسا ویشزر (Moema Viezzer) روز نامه نگار و مردم شناس مترقی برزیلی با دمیتیلایاریوس بولیوی و همچنین طی اقامت دمیتیلایاریوس مکزیکی (برای شرکت در "دادگاه سال جهانی زن") با وی داشته است. این گفتگوها توسط خانم ویشزر تنظیم شده و پس از تجدیدنظر در آن که به پاریس دمیتیلایاریوس صورت پذیرفت در سال ۱۹۷۸ بصورت کتاب توسط بنگسماه انتشاراتی Monthly Review منتشر گردید. ترجمه فارسی این اثر که توسط احمد شاملو و ع. پاشائی و به شیوه ترجمه آزاد انجام گرفته، بدون آنکه به محتوای اثر لطمه ای وارد کند، با استفاده از لغات و اصطلاحات رایج در محاورات توده‌ای بر شیوایی و گهرایی این اثر افزوده است.

"بگذار سخن بگویم" گزارش تجربه شخصی دمیتیلایاریوس است در باره زنان و مردان زحمتکشی که در زیر وحشیانه ترین دیکتاتوری‌ها رنج می‌برند و برای آزادی شان پیکار میکنند. آنچه که این کتاب را از آثار مشابه متمایز می‌سازد آنست که نویسنده آن نه فردی تحصیلکرده، بلکه زنی است خانه دار و از طبقه زحمتکش، مادر هفت فرزند، زنی که نه تنها مورد استثمار و بهره کشی سیستم سرمایه داری قرار می‌گیرد، بلکه مجبور است مستم مفاعفی را در جامعه تحمل کند. دمیتیلایاریوس آنکه ادعای ارائه تحلیل تاریخی جنبش کارگری و توده‌ای در بولیوی را داشته‌باشد، راوی آنچه که بر او، خانواده‌اش، "کمیته زنان خانه‌دار سیگلو ۲۰" و جنبش اتحادیه‌ای معدنچیان گذشته است، می‌باشد. با این حال گزارش او که به زبان توده‌ها و با استفاده از کلمات و عبارات رایج محل -

زندگی خودش انجام گرفته، دلایل شکستها و پیروزی های مردمش و درسهایی که باید از آن گرفت را به آشکونه که محرومترین اقشار مردم از آن چیزی سردر بیاورند، بیان میکند. در این مورد خود دمیتیلایاریوس مقدمه کتاب می‌گوید: "... می‌خواهم که این گزارش به دست فقیرترین مردم برسد، مردمی که آه در بساطشان نیست، اما به راهنمایی نیاز دارند، محتاج سرمشقی هستند که بتواند در زندگی آینده دستشان را بگیرد. به خاطر آنهاست که قبول کردم حرفهایم نوشته شود. مهم نیست روی چه جور کاغذی به چاپ برسد، آنچه خیلی مهم است این است که برای طبقه زحمتکش مفید باشد، نه این که فقط فایده‌اش به روشنفکر برسد یا به کسانی که این جور



"بگذار سخن بگویم" را می‌توانید با ارسال ۵/۵ دلار به آدرس "جهان" تهیه‌نمائید

چیزها کسب و کار آن‌هاست. کتاب "بگذار سخن بگویم" نمونه ارزنده‌ای است از ادبیات کارگری و غنای زبان توده‌ها. به جرئت می‌توان گفت پس از کتاب "مادر" گورکی، کمتر نوشته‌ای توانسته است به اندازه این کتاب به توصیف واقعیت زندگی و مبارزه کارگران و زنان زحمتکش پرداخته باشد. دمیتیلایاریوس با اینکه ازدانش و آگاهی روشنفکران برخوردار نیست، به دلیل دید عینی از مسائل و مشکلات جامعه طبقاتی، اثری از خود بجای می‌گذارد که خیلی بیشتر از بهترین داستان‌ها به تصویر محیطی که در آن زندگی میکند پرداخته و خواننده را مدام به دنبال خود میکشاند.

کتاب "بگذار سخن بگویم" را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱) توصیف زندگی - طاقت‌فرسای معدنچیان، ۲) مشکلات و مبارزات زنان، ۳) تجربیات جنبش اتحادیه‌های معدنچیان.

زندگی در معدن

بولیوی کشوری است در قلب آمریکای جنوبی با ۵ میلیون جمعیت که حدود نیمی درآمد آن از منابع زیرزمینی و معادن تامین میشود. حدود ۷۰ هزار نفر در معادن آن کار میکنند. معادن "ملی شده" بولیوی به وسیله شرکت معدن بولیوی (Comibol) اداره میشود. سیگلو ۲۰ (کاتایو) بزرگترین مرکز معدنکاری بولیوی محسوب میشود. در اینجاست که طبقه کارگر بولیوی بزرگترین تجارب انقلابی را بدست آورده و در اینجاست که حکومت‌های بولیوی به فجیعترین قتل عام‌های معدنچیان دست زده‌اند. در حقیقت دمیتیلایاریوس در "بگذار سخن بگویم" زندگی و مبارزه را در اردوگاه معدنکاری سیگلو ۲۰ تصویر میکند.

در سیگلو ۲۰ تنها معدودی از معدنچیان دارای خانه سازمانی هستند و اکثر معدنچیان مجبورند که در یکی از دهکده‌های مجاور آلونکی کرایه کنند. خانه‌های معدنچیان بسیار محقر است. قفسی پنج یا شش متری که باید یکجا کار اطاق نشیمن و آشپزخانه و اطاق خواب خانواده را انجام بدهد. دمیتیلایاریوس و شوهرش هفت تا بچه قدونیم قدشان در چنین قفسی می‌خوابند. در آنجا بچه‌ها به درس و مشقشان می‌رسند و در آنجا بازی میکنند. برای تهیه آب آشامیدنی، هر خانواده باید در صف‌های عمومی مدتی معطل شود. یک حمام عمومی وجود دارد با ده دوازده تا دوش برای همه اردو، که یک روز زنانه است و یک روز مردانه، در حالیکه در خانه‌های مخصوص کارمندان غنی شرکت تسهیلات بهداشتی وجود دارد، در آلونک‌های کارگران اطلاعات از این چیزها نیست. مثلا در محوطه‌ای که خانواده دمیتیلایاریوس آن زندگی میکنند، یک مستراح عمومی وجود دارد با ده تا چاهک برای همه همسایه‌ها. کار معدن تعطیل بردار نیست و شب و روز ندارد. هر روز به دسته نوبت‌کاری میکنند. بدتر و سخت‌تر از همه نوبت‌کاری شب‌است. معدنچی تمام شب را جان میکند و به خانه می‌آید تا در طول روز بخوابد.

بگذار سخن بگویم!



کارگران معادن بولیوی

اما مگر می شود در خانه قد قوطی کبریت که باید هفت هفت تا بچه قد و نیم قد در آن بازی کنند، استراحت کرد؟ از ایفروس که همه کارگران از نوبت کاری شب منتظرند، اما بهر حال چاره ای ندارند. مقررات شرکت است و باید بارش را بکشند. طول متوسط ضریب معدنی تقریباً ۳۵ سال است و موقعی که به این سن می رسند "سلی کوز"، بیماری معدن درست و حسابی کارش را می سازد. ذرات گزرد و غبار که از راه تنفس به ریه ها می رود داخل ریه را درمی آورد. شرکت برای آنکه کارگران را در وضع فلاکت باری که هستند، نگهدارد، یک حقوق بخور نمیزی به آنها می دهد. از دست مزد یک معدنی اگر وجوه مختلفی را که شرکت به بیانه های مختلف از سرتوش میزند، کم کنیم چیزی کمتر از یک دلار در روز باقی نمی ماند. بدینگونه است که کارگران در آخر ماه یک چیزی هم به شرکت بدهکار میشوند.

زندگی فلاکت بار معدنیان بولیوی تا بحال آنها را بارها به مبارزه بر علیه دولت کشانده است. آری کورنگی می آموزد، کورنگی نبرد می آموزد.

کمیته زنان خانه دار سیگلو ۲۰

برای آنکه بدبختیها و مشکلاتی که زنان معدنیان باید تحمل کنند، بهتر لمس شوند، دمیتلا به توصیف کارهای روزانه خود می پردازد. ساعت چهار صبح باید بیدار شود تا برای شوهرش صبحانه آماده کند. بعد باید شروع کند به درست کردن سالتن بیلا (Saltena نوعی کلوچه) برای فروش در خیابان. فروش کلوچه کمکی است به خرج خانه. قبل از آنکه بچه ها بیدار شوند دمیتلا باید لباسهایی را که شب قبلاً خیسانده، بشورد. ساعت ۸ برای فروختن کلوچه بیرون می رود، ولی در ضمن نباید از از تهیه آذوقه غافل بماند. برای تهیه آذوقه باید در صف طولانی گوشت، سبزی، شفت و... بایستد. ظهر باید برای بچه ها شاهر حاضر کند. بعد از ظهر باید چند ساعتی در "کمیته زنان خانه دار" به کارهای مربوطه برسد و با زنانی که برای راهنمایی به آنجا می آیند، کپ بزند. شب باید برای شوهر که خسته و کوفته از معدن برمیگردد و بچه ها که از مدرسه برگشته اند، غذا

درست کند و به درس و مشق بچه ها برسد. از ایفروس ناگزیر است اغلب نیمه شب به رختخواب برود.

دمیتلا با زبانی که برای زنان زحمتکش ملموس می باشد، استعمار مضاف زنان را شرح می دهد. او توضیح می دهد که اگر زنان در مقابل کارشان پول نمیگیرند، ولی واقعا کار میکنند و به اقتصاد خانوادگی کمک می رسانند. او برای آنان تشریح میکند که چگونه سیستم سرمایه داری با استثمار کارگران و دستمزد کمی که به آنها میدهد، همسرانشان را مجبور میکند که در خانه مثل سگ جان بکنند.

بخش مربوط به چگونگی تشکیل کمیته زنان خانه دار بسیار خواندنی است. این کمیته به وسیله ۷۰ نفر از زنان معدنی که در طی یک مبارزه درخشان که زنان به حمایت فعال از شوهران دستگیر شده خود پرداخته بودند، در سال ۱۹۶۱ بوجود آمد. تشکیل چنین کمیته ای کار آسانی نبود. بغیر از دولت که سنگ می انداخت، متاسفانه مردها نیز به خاطر عقب ماندگی فرهنگی، مانع کار میشدند. مردها که عادت نداشتند زنان را در صحنه مبارزه سیاسی ببینند، بنا کردن داد زدن که: "آبجی برگرد خونه! برو آشپزخونه آشو بپز همشیره رختا تو تشت منتظر تن بابا! برگرد سر خشک شوریت آبجی! خیلی از آنها نیز فکر میکردند که برای آن ساخته شده اند که کتف خانگی بنشینند، بچه داری کنند و به پخت و پز و بشور بحال و رفت و روبشان برسند و باید فعالیت های اجتماعی، اتحادیه ای و سیاسی را به مردان واگذار کنند. اما واقعیت های

سخت زندگی "کمیته زنان خانه دار سیگلو ۲۰" را مجبور کرد که به هر قیمتی که شده سازمان پیدا کنند. به همت زنان استخوان داری مثل دمیتلا، کمیته زنان خانه دار در تمام مناطق معدنی ملی شده بولیوی مشغول به فعالیت شد. کمیته زنان خانه دار تشکیلات رزمنده ای شد نه تنها برای زنان، بلکه برای کل طبقه کارگر.

طبیعی است که برای تشکیل چنین کمیته رزمنده ای، دمیتلا و دیگر رهبران زن - دشواری های بسیاری را از سر گذراندند. دمیتلا خود دوبار به زندان افتاد و یک بار به منطقه بد آب و هوای لوس یونگاس تبعید شد. بار اولی که دمیتلا به بند افتاد، بعد از کشتار "سان خوان" بود. بعد از شروع مبارزه چریکی چه گوارا و زلفایش در ژوئن سال ۱۹۶۷، حکومت نظامی بولیوی دمیتلا را به اتهام رابط چریکی بازداشت نمود. ولی در مدتی که در زندان بود شکنجه ها و مرارت بسیاری را تحمل نمود ولی هیچگاه به زحمتکش پشت نگرد. بالاخره با حمایتی که کارگران و دانشجویان از وی میکنند، دولت مجبور میشود او را رها کند. ولی دمیتلا از آن کسانی نبود که بعد از رهایی از زندان، سکوت اختیار کند. وی با تمام انرژی خود به افشای دولت نظامی بولیوی می پردازد و زحمتکشان را به اتحاد و مبارزه دعوت میکند. در نتیجه مجدداً به زندان می افتد. این بار او را - چنان شکنجه و آزار میکشند که بچه چند ماهه اش را سقط میکند.

بقیه در صفحه ۲۵

بگذار سخن بگویم!

در سال ۱۹۷۲، یک زن فیلمساز برزیلی از طرف سازمان ملل برای تحقیق در مورد موقعیت زنان به بولیوی می‌آید. وی با دمیسیلا که بخاطر مبارزات خود مشهور شده بوده، ملاقات کرده و او را به دادگاه سال جهانی زن که قرار بود در سال ۱۹۷۵ در مکزیک برگزار شود، دعوت می‌کند. دولت بولیوی به خاطر فشارهای بین‌المللی با سفر دمیسیلا به مکزیک موافقت می‌کند. اما بشرطی که او شرط عقل بجای آورد و لب فروبندد.

در کنفرانس سال جهانی زن که پیشتر با شرکت زنان مرفه و فمینیست برگزار شده بود، تنها به مسائل فرعی زنان اشاره می‌شد و آنچه که اساساً مطرح نبوده مشکلات اساسی زنان زحمتکش آمریکای لاتین بود. از این‌رو دمیسیلا شجاعانه به طرح مسائل و مشکلات واقعی زنان زحمتکش می‌پردازه. رشادیت دمیسیلا، آرامش زنان بورژوازی را که بجز بزرگ دوزک، آرایش و مد لباس به چیز دیگری فکر نمی‌کردند، بهم می‌زند. آنها به او - اعتراض می‌کنند که چرا مرتب راجع به مردمش دیکتاتوری و کشتار حرف می‌زند و از مسائل مشترک زنان سخن نمی‌گوید. اما دمیسیلا برای درد دل کردن با این زنان نیامده بود. او آمده بود که از این تریبون مسائل واقعی زنان زحمتکش را مطرح کند تا رژیم دیکتاتوری بولیوی در نزد افکار عمومی جهان افشا شود. زندگی در میان زحمتکشان - آموخته بود که: "رک و راست سخن بگو. بی بزرگ و بی پیروایه سخن بگو. برای آن - بگو که مفهوم کرده، نه مفهوم گروهی ظریف و نکته سنج، بلکه مفهوم ساده ترین فقیرترین مردم (رومن رولان - زن کریستف). زندگی سخت در معادن به او آموخته بود که هیچ گونه مسائل مشترکی بین زنان زحمتکش و زنانی که در قشرهای مجلل می‌نشینند نمی‌تواند وجود داشته باشد. او آموخته بود که مسائل زنان نیز طبقاتی است. از این رو در جواب اعتراض زنان مرفه می‌گوید: "من و شما از کدام "تساوی" از کدام "مسائل و مشکلات مشترک" می‌توانیم حرف بزنیم؟ ... وقتی می‌بینم این همه اختلاف زندگی، اختلاف فکر، اختلاف سطح هست چی داریم که به هم بگوئیم؟"



Students set up barricades in futile resistance.

بزویل ۱۹۸۰ - دانشجویان سنگرهای مقاومت برپا می‌دارند

کارگر بولیوی و بخصوص کارگران معدن دولت نتوانسته است اتحادیه‌ها را به خدمت خود درآورد. در این کتاب خواننده می‌تواند از طریق مطالعه تجربه شخصی دمیسیلا به نکات قوت و ضعف جنبش اتحادیه‌های بولیوی پی ببرد. اتحادیه معدنچیان بولیوی توانسته است در زوند مبارزه طبقه کارگر، رهبران بسیار خوب و ارزنده‌ای را در میان کارگران تربیت کند. گذشته از این رابطه تنگاتنگی با کارگران و خانواده‌های آنها برقرار نموده و همه آنها در مبارزات سیاسی به حرکت درآورد. نکته جالب توجه اینک - اتحادیه‌های بولیوی تشکلی که صرفاً برای خواسته‌های صنفی و اقتصادی کارگران مبارزه کند نبوده و اغلب با طرح خواسته‌های سیاسی، مبارزه کارگران را ارتقاء داده است. برای مثال اتحادیه کارگران بولیوی (COB) در سال ۱۹۷۰ در کنگره خود تصویب نمود که "بولیوی فقط وقتی آزاد خواهد بود که یک کشور سوسیالیستی بشود".

در بخشی از کتاب که مربوط به خاطرات دمیسیلا از جنگ چریکی چه‌گوارا و رفقاییش در بولیوی میشود، عدم توجه چریک‌های بولیوی به جنبش اتحادیه‌ای و مبارزات بالفعل کارگران معدن مشخص میشود. دمیسیلا ضمن تجلیل از مبارزات چه‌گوارا و رفقاییتش به اشتباهات آنها می‌پردازد. وی با استناد به "یادداشت‌های روزانه" چه، نتیجه می‌گیرد که در بولیوی تصویری غیر واقعی برای چه‌گوارا رسم کرده بودند. اشتباه دیگر "چه" بقیه در صفحه ۲۶

شرکت در "دادگاه جهانی زن" دمیسیلا را به عنوان چهره‌ای مبارز از زنان زحمتکش به جهانیان معرفی نمود. به نظر دمیسیلا راه حل مشکلات زنان نه در مبارزه بر علیه مردان، بلکه در مبارزه مشترک زنان و مردان بر علیه سلطه سرمایه‌داری است. بگذارید این مسئله را از زبان او بشنوم: "موضوع ما موضوع فمینیستها (Feminists) یکی نیست. ما فکر می‌کنیم که آزادی ما در درجه اول منوط به این است که کشور ما برای همیشه از یوغ امپریالیسم رهنا شود. ما می‌خواهیم کارگری مثل ما صاحب قدرت باشد و قوانین، تعلیم و تربیت و همه چیز در کنترل او قرار بگیرد. بعد، حال و روز بهتری پیدا خواهیم کرد و آزادی کاملی خواهیم داشت که خوب دیگر، آزادی ما زن‌ها را هم شامل خواهد شد."

جنبش اتحادیه‌های معدنچیان

بخش قابل ملاحظه‌ای از کتاب بگذار سخن بگویم "اختصاص به مبارزات کارگران معدن، دستاوردها و شکست‌های آن دارد. اصولاً معدنچیان و سایر کارگران بولیوی در اتحادیه‌ها متشکل شده‌اند. اتحادیه‌های معدنچیان بولیوی در سطح ملی در فدراسیون اتحادیه‌های کارگران معدن بولیوی (FSTMB) متحد شده‌اند. این فدراسیون با فدراسیون اتحادیه‌های کارگران ساختمانی، صنعتی، راه آهن، رانندگان کامیون و غیره در اتحادیه کارگران بولیوی (COB) متمرکز شده و از طریق کنگره‌ها و توافق‌های مشترک مبارزه بر علیه دولت بولیوی را به پیش می‌برند. به خاطر سخت مبارزاتی طبقه

بگذار سخن بگویم!

شماس نداغین با سازمانهای واقعی مردم یعنی سازمانهای طبقه زحمتکش بود" تابستان عقاید صمیمانه و بی شیله پيله آنها را بشنود."

را دیكالیبزم معدنچیان تا آن حد بود که بدون اینکه هیچگونه ارتباط ارگانیکی با چریکها داشته باشند، بیانیه گروه چریکی "چه" را از رادیو "صدای معدنچی" پخش نمودند و به خاطر این کار هم رژیم کشتار وحشیانه "سان خوان" را براه انداخت.

البته جنبش اتحادیه‌های نیز اغکالات خودش را داشت که مهمتر از همه رهبری نشدن آن از جانب یک حزب انقلابی بود که بتواند سیاست‌های انقلابی را در شرایط دشوار اتخاذ کند. اگرچه این کتاب گزارش تجربه های شخصی دمیتیلای است و نباید از آن موضع تشویریک صرف مورد ارزیابی قرار گیرد، با اینحال همانطور که خود دمیتیلای میگوید برای غنی کردن تجربه خلق های کشورهای مختلف، میباید مورد تحلیل انتقادی قرار گیرد. مهمترین انتقادی را که میتوان در این کتاب متوجه دمیتیلای دانست، کم توجهی وی نسبت به نقش احزاب و سازمانهای انقلابی است. البته بعداً در سال ۱۹۷۸ در گفتگویی که موففا، تنظیم کننده کتاب با وی داشته است، دمیتیلای بر اثر جمع بندی تجربیات شخصی خود این نظر خود را تصحیح میکند: "... اگرچه من غالباً حرف اتحادیه را پیش کشیده‌ام اما اعتقادم بر این است که مبارزه رهائی بخش مردم باید از طریق حزبی رهبری شود که به راستی حزب ستم‌دیدگان و استثمار شدگان باشد. حزب کارگران و زحمتکشان. به عبارت دیگر ما باید حزب خود را داشته باشیم و آن را هدایت کنیم. با آن مختصر اطلاعاتی که از واقعیات بولیوی دارم ... معتقد شده‌ام که روشنفکر ما باید با ما کار کند. این فکر که حزب کارگران و دهقانان آرمان های خودش را دارند، مبارزه‌شان را ادامه میدهند و به پیروزی میرسند، فکر بیخودی است ... کبرم روشنفکرها باید به واقعیت زحمتکشان نزدیک باشند و آن را لمس کنند تا بتوانند نظریات سوسیالیسم را به درستی و با شرایط واقعی این محیط تطبیق بدهند."

بعد از سال ۱۹۷۵، شرایط خفقان و دیکتاتوری در بولیوی بسیار تشدید شد و

فعالیت اتحادیه‌ها غیرقانونی اعلام گردید. موج سرکوب و زور موقتاً موجب فرو نشستن مبارزات کارگران گردید. امروز رژیم دیکتاتوری ملیرغم کودتاها و فعلوانفعالات سیاسی بسیار، هنوز سلطه خویش را بر خلق بولیوی حفظ نموده است.

اما دمیتیلای حالا دیگر رهبری آبدیده و استخواندار است که این شکست‌ها نمیتواند در اراده و ایمان او نسبت به پیروزی - نهایی کارگران و زحمتکشان خللی وارد کند. او با توجه به دستاوردهای کشور های سوسیالیستی و کشورهای که از زیر سلطه امپریالیسم رها شده‌اند، پیروزی کارگران دهقانان و زحمتکشان را اجتناب ناپذیر میدانند. او حالا دیگر یک انترناسیونالیست بزرگ است که مبارزه و همبستگی بین المللی را برای کارگران و زحمتکشان همه کشورهای که مانند بولیوی در زیر شدیدترین سرکوبها و خشونت‌ها بیکار میکنند، ضروری میداند: "میدانیم که مبارزه‌ای طولانی در پیش است اما این، بهرحال چیزی است که ما همه با آن درگیریم، نه تنها ما، که خلق‌های فراوانی در سرتاسر جهان در سنگر همین مبارزه‌اند و چرا این را نگوییم؟ هرملتی به همبستگی ملل دیگر نیاز دارد، درست مثل ما، چون جنگ ما جنگ بزرگ، جنگ جهانی است. پس ما هم باید انترناسیونالیسم پرولتاریائی را که بسیاری از ملت‌ها در باره‌اش سرود خوانده‌اند و بسیاری از کشورها را هنر را دنبال کرده‌اند، تمرین کنیم."

تلفن‌های خبری

«سازمان چریکهای فدایی خلق ایران»
لوس آنجلس

هواداران	در آمریکا و کانادا
۲۸۹-۹۹۰	(۲۱۲)
۲۹۱-۷۴۱۸	(۲۱۲)
۲۴۸-۷۸۹۲	(۳۱۲)
۲۵۲-۹۲۵۲	(۲۱۲)
۹۲۱-۶۲۲۱	(۷۱۲)
۸۲۰-۱۹۰۷	(۷۰۲)
۵۴۸-۶۱۰۰	(۴۱۵)
۸۹۱-۰۳۹۹	(۳۰۵)
۹۲۵-۲۲۴۱	(۵۰۴)
۴۶۲-۴۹۰۷	(۶۱۹)
۳۶۰-۶۵۲۶	(۴۰۵)
۲۶۱-۲۰۲۰	(۸۱۷)
۳۸۲-۴۷۴۲	(۸۱۷)
۵۲۲-۴۲۴۲	(۲۰۶)
۸۹۴-۱۰۰۲	(۶۰۲)
۹۲۳-۱۲۲۲	(۵۱۴)
۶۵۲-۴۲۸۲	(۴۱۶)

غرب لوس آنجلس
شیکاگو
نیویورک
هوستون (تکزاس)
واشنگتن
برکلی
میامی
بتن روژ (لوئیزیانا)
ساندیاگو
اکلهمیا
دالاس - آریزناتگن
دنتون (تکزاس)
سیاتل (واشنگتن)
تمپی (آریزونا)
مونتروال (کانادا)
تورنتو (کانادا)

تقدیر پورتوری سوسیال امپریالیسم" بقیه از صفحه ۲۰

"اکثریتی های" هاشن به حزب توده و تقویت اپورتونیسیم راست، لطعات شدیدی به مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران و تشکیل صف مستقل طبقه کارگر و ایجاد حزب طبقه کارگر وارد آورده است. اما سلطه اپورتونیسیم راست برای مدت نسبتاً طولانی، درها را برای رشد اپورتونیسیم چپ و آنارشیسم کاملاً زگذا رده است همانطور که لنین میگوید "آنارشیسم اغلب یک نوع کیفری در مقابل معاصی اپورتو - نیستی جنبش کارگری بوده است. هر دوی این پدیده‌های زشت، مکمل یکدیگرند" (بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسیم منتخب آثار صفحه ۲۳۹). امروز تمام کسانی که به آینده جنبش کارگری و تأمین صف مستقل طبقه کارگر، سرنگونی فهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی، پیروزی انقلاب دموکراتیک توده لوی و استقرار سوسیالیسم می‌اندیشند باید مبارزه قاطعی بر علیه کاپیه انحرافات درون جنبش کمونیستی از جمله تئوری - ارتجاعی سوسیال امپریالیسم بعمل آورند. هرگونه سهل انگاری در این مورد ضربات سنگینی را بر جنبش کمونیستی ایران وارد ساخته و در تحلیل نهائی خیانت به آرمانهای طبقه کارگر ایران خواهد بود.

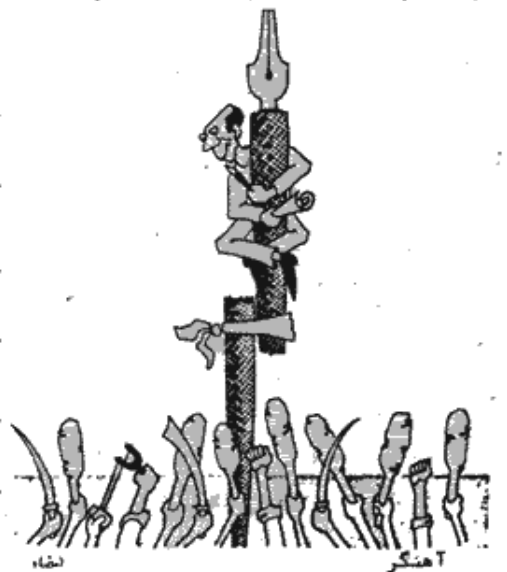
1. Marx and Engels, Selected Correspondence, 1846-1895. Greenwood Press Publishing, 1975, B47E
2. Alec Nove. The Soviet Economy: Problems and Prospects.
3. Alec Nove. New Left Review, No. 119 (Jan-Feb) 1980, P. 3-19.
4. Michael Goldfield and Melvin Rothenberg. The Myth of Capitalism Reborn. Line of March Publications, 1980.
5. John B. Quigley. The Soviet Foreign Trade Monopoly, Institutions and Laws. Columbus: Ohio State University, 1974.



مقاومت

برگهای کتابتان را
از دانشی سرخ رنگین کرده‌اید
رفقا!
شیر شفق گوندی سینماها تان
آن پایداری توفندمایست
که دیروز
کاخ شاه
و امروز
جمجمی سالوسان را
وبران کرده است.
خلق
دانشتان را
درخستگار جهالت
و هجوم طاعون
مثل آب زلال
می نوشد.

جنگ!
جنگ سرمایه با کار
جنگ جهالت با دانایی.
برگهای کتابتان را
از دانشی سرخ رنگین کرده‌اید
برگهای کتابتان را
از عشق به خلق
درف می‌زنید
رفقا!
شلیک مقاومت
باروی ارتجاع را
فرو می‌ریزد.



هر روز اول اردیبهشت

بهار
با جشنواره‌ای از عطر یاس‌ها
به اردیبهشت - ماه گرمی و سبزه -
بای مینهاد
باد تواندهندۀ "بیژن" و هم‌زمان
بند حماسه پایداری را
به گل نشسته بود
بهار بود
دامن کشان و جلوه کشان
بهار آمده بود
همراه نغمه امید مرغگان
.....
آنک به خشم
دستها ، مشت
مشتها گره خورده
و هزاران دهان سرخ
غران - به عشق - میخوانند:
"آمریکا تو خالیست ، ویتنام گواهیست"
.....

آنک را تکیه
گره گروه مرد و زن
هر یک نظاره گر ،
ناباور ، پریان ،
با چشمهای دریده از حیرت :
"این پیامبران دروغین عدل و داد
آوخ چگونه ، چه زود
به درو آلاله‌های سرخ شکوفایی
به میراندن چراغ فرا راه خلق
کمر بستند"
.....

خوشترنگ گلوآزۀ ترانه
با اولین شلیک حامیان سرمایه
بر گلوی رفیق تیر خورده
می‌فسرد چون یخ
و خشمی
به وسعت هوشیاری
بخش پیروزی را به مهر
که پنبه و دارو آورده است
می‌ترکد آتشفشانه
واشک
میتراود بر چهره پرفرت آن زال
تلخ و غمگانه
.....

آنک به صف
فوج فوج
زنجیر بسته و آهن عزم
هزاران جوان دانشجو
میدمند بادهان
شیبور بر خروش انقلاب را :
" اتحاد ...
مبارزه ...
پیروزی ..."
فریاد گرم و مصمم و امیدوارشان
درمی‌آمیزد
با ازدهام مفیر گلوله
و قبحه سرمستی از فرور
و تشنگی قدرت
روز حاکمیت "قانون"
- قانون پلید سرمایه - را
چشم میگیرد .
سرود "بهاران غمسته باد"
چه رنجور و غمگانه است اینک
در نرغ دیوانه رگیار ها و باد
.....
آه ...
ای فقیر مانده بلوچستان !
ای سر سبز جنگل کیلان !
ای دشت سوخته کویر ، ای لوت !
ای تلخ تر از اشک مادران ، عمان !
ای قلعه سر به شهر ، کردستان !
میدانید
روزی که جوانه زند
پیوند علم و پنبه دستان کارگر
و به گل بنشیند
سهال باروریهای داس و پتک
هر روز اول اردیبهشت
هر روز آخر خرداد ماه
هر روز هشت تیر
هر روز ۱۷ شهریور
هر روز شانزدهم آذر
هر روز نوزده بهمن
هر روز روز خون و جوخه اعدام بیشمار
هر روز
روز تنگ و مرگ
بر امپریالیسم جهانی
و جیره بگیران داخلی است .

لیست کتابهای موجود برای فروش

الفاز انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ...



— میخواستم ببینم کتاب تازه چی اومده...؟... هسگر

هـ - جنبشهای رها شیبخش

قیمت به دلار	نام کتاب
۱/۷۵	۳۴- نیکاراکوه
۱/۰۰	۳۵- بیانیه بین المللی ارتش چریکی فقرا (گواتمالا)
۱/۰۰	۳۶- مقدمه‌های بر انقلاب کوبا
۱/۲۵	۳۷- انقلاب در آنگولا
۱/۷۵	۳۸- انقلاب در آمریکای لاتین (۱)
۱/۲۵	۳۹- درباره جنبش چپ شمالی (مصر)
۱/۷۵	۴۰- فلسطین
۱/۵۰	۴۱- نیروهای سیاسی در لبنان
۱/۷۵	۴۲- بحران در لهستان
۱/۵۰	۴۳- نقش طبقه کارگر در انقلاب ویتنام
۱/۷۵	۴۴- تحلیل طبقاتی جامعه فلسطین (حرح حبت)
۱/۰۰	۴۵- چگونه حزب ما مارکسیسم - لنینیسم را بنا کردیم (تورن شیفا)

و- کتابهای از لنین

۱/۲۵	۴۶- برترین و نکات جنبش ما و چند مقاله دیگر
۱/۰۰	۴۷- بزرگ برده‌ی دروفین
۲/۰۰	۴۸- مقولات سیاسی
۱/۲۵	۴۹- برگزیده‌های از آثار لنین
۱/۰۰	۵۰- موقعیت انقلابی (چند مقاله)
۱/۲۵	۵۱- قیام سلحانه
۱/۵۰	۵۲- ارزیابی از انقلاب روسیه ۱۹۰۵
۱/۲۵	۵۳- آوانتوریسم انقلابی
۰/۵۰	۵۴- طبقه کارگر و دمکراسی بورژوازی
۱/۲۵	۵۵- بحران انقلابی و دوخط مشی در انقلاب
۱/۰۰	۵۶- وظیفه سازمانهای جوانان
۱/۲۵	۵۷- چهارمقاله از لنین
۱/۰۰	۵۸- درباره جزوه یونیوس
۱/۰۰	۵۹- کنفرانس شهر پتروگراد
۰/۵۰	۶۰- جنگ پارتیزانی
۱/۰۰	۶۱- کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره اکتونومیسم
۰/۵۰	۶۲- احزاب سیاسی در روسیه و تکالیف پرولتاریا
۱/۲۵	۶۳- جنگ و انقلاب

قیمت به دلار	نام کتاب
۰/۵۰	۱- برنامه عمل
۲/۲۵	۲- نبرد خلق (۱)
۲/۲۵	۳- نبرد خلق (۲)
۰/۲۵	۴- نبرد خلق (۳)
۰/۷۵	۵- کاریکاتوری از برنامه حزب کمونیست
۰/۵۰	۶- یادنامه شهید ای کردستان
۱/۰۰	۷- لنینیسم یا تروتسکیسم
۱/۲۵	۸- شناخت دولت
۰/۵۰	۹- عسته‌های سرخ گاردانه
۱/۲۵	۱۰- پرولتاریا و آزاد یمنی در ماراتینک
۰/۵۰	۱۱- جبهه واحد ضد دیکتاتوری و در اردوستان حزب توده
۱/۵۰	۱۲- تاریخچه جنبش کارگری
۲/۵۰	۱۳- نبرد با دیکتاتوری - رفیق حزنی
۲/۵۰	۱۴- طرح جامعه شناسی و جهانی استراتژیک جنبش انقلابی خلق ایران (تاریخ سی ساله)

ب- کتابهای صد بهرنگی

۱/۲۵	۱۵- یک علو و هزار علو - مسرک لبو فروش
۱/۰۰	۱۶- کچل کترباز
۱/۰۰	۱۷- ماهی سیاه کوچولو
۱/۰۰	۱۸- ۲۴ ساعت در خواب و بیداری
۱/۰۰	۱۹- حماسه کوراوخلو
۲/۵۰	۲۰- کدو کاو در مسائل تربیتی ایران
۲/۷۵	۲۱- تلخون

ج- کتابهای سعیدسلطانپور

۱/۲۵	۲۲- از کشتارگاه (شعر)
۱/۲۵	۲۳- آوازه‌های بند (شعر)
۱/۲۵	۲۴- نوبی از هنر نوبی از اندیشه

د- کتابهای مربوط به مسائل زنان

۱/۲۵	۲۵- خانواده در جامعه سوسیالیستی - لنین
۱/۷۵	۲۶- خانواده مقدس (مارکس - انگلس)
۱/۲۵	۲۷- زنان و جنبشهای آزاد بخش
۱/۵۰	۲۸- زن و مبارزه (مجموعه مقالات)
۱/۵۰	۲۹- درباره مسئله زن (لنین)
۲/۵۰	۳۰- رعایتی زن
۱/۵۰	۳۱- مادر سالاری
۴/۵۰	۳۲- مشاه خانواده مالکیت خصوصی و دولت (انگلس)
۵/۰۰	۳۳- بگذر از سخن بگویم (دیتیل - زنی از معادن بولیوی)

لیست کتابهای موجود

نام کتاب

قیمت به دلار

ز - اقتصاد سیاسی

- ۶۴ - علم اقتصاد (۱) پ - نیکی تین ۲/۲۵
 ۶۵ - علم اقتصاد (۲) " " ۲/۲۵
 ۶۶ - اقتصاد سیاسی (۲) آکادمی نویسندگان شوروی ۴/۵۰
 ۶۷ - اقتصاد سیاسی (۳) اسپرالیسم ۳/۰۰
 ۶۸ - آنتی دورینگ (انگلس) ۵/۰۰
 ۶۹ - نظریه وابستگی و نقد آن ۲ - خرده بورژوازی در دولت (مقاله از جان ویکز) ۱/۵۰
 ۷۰ - فقر فلسفه (مارکس) ۴/۰۰

ح - فلسفه علمی

- ۷۱ - نظریه شناخت (مورس کونفورث) ۳/۵۰
 ۷۲ - ماتریالیسم دیالکتیک " " ۳/۰۰
 ۷۳ - اصول مادی فلسفه (ژوز پولیتسر) ۲/۵۰
 ۷۴ - لودویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان ۱/۵۰
 ۷۵ - تکامل سوسیالیسم از تخیل تا به علم (انگلس) ۱/۲۵
 ۷۶ - آنتی دورینگ (انگلس) ۵/۰۰
 ۷۷ - ایدئولوژی و دستگاههای ایدئولوژیک دولت (لویی آلتوسر) ۱/۲۵

ط - سوسیالیسم علمی

- ۷۸ - مقدمه‌های بر تاریخ (حمید موزی) ۱/۲۵
 ۷۹ - مارکس انگلس انقلابهای ۴۹-۱۸۴۸ (سیاهنگ ۱۱) ۲/۵۰
 ۸۰ - اصول کمونیسم ۱/۵۰
 ۸۱ - مارکس و انگلس (اتحادیه کمونیستها) (سیاهنگ ۱۰) ۲/۵۰
 ۸۲ - حزب و طبقه ۱/۵۰
 ۸۳ - همبستگی بین المللی ... (لودوان) ۱/۵۰
 ۸۴ - میرترین و آتاپ جنبش ما ۱/۵۰
 ۸۵ - درباره روزیونیم مدرن (ترجمه) ۲/۰۰
 ۸۶ - زندگی و آثار فعالینهای مارکس و انگلس ۲/۵۰
 ۸۷ - مبارزه طبقاتی در فرانسه (مارکس) ۲/۵۰
 ۸۸ - همبستگی هم برور لویی بناپارت (مارکس) ۲/۰۰
 ۸۹ - طبقه کارگر و دموکراس بورژوازی ۰/۵۰
 ۹۰ - سازماندهی هسته های مطالعاتی (پیشگام) ۱/۰۰
 ۹۱ - درباره دیکتاتوری پرولتاریا (مارکس) ۰/۵۰
 ۹۲ - درباره بورژوازی و خرده بورژوازی (انگلس) ۱/۲۵
 ۹۳ - حدت ادبیات (ماکسیم گورکی) ۱/۲۵

ی - کتابهای "جبهه همبستگی بین المللی در دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران"

- ۱ - حناایات رژیم خمینی (انگلیسی) ۷/۰۰
 ۲ - گزارش کمیسیون هفتین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل (انگلیسی) ۴/۰۰
 ۳ - هرگز نمیرد آنکه لاشه زنده شد به عشق (اساسی و مشخصات ۲۵۹۶ شهید راه آزادی از ژوئن ۱۹۸۱ تا دسامبر ۱۹۸۱) ۱/۵۰



نام نوارهای ضبط شده

- قیمت به دلار
- ۱ - موسیقی خلق لر (گروه عاری) ۳/۰۰
 ۲ - حماسه سیاهنگ (سازمان آمریکا) ۳/۰۰
 ۳ - ترانه سرودهای خلق لر (کارگاه هنر ایران) ۳/۰۰
 ۴ - از کشتارگاه (صدای رفیق سلطانیور) ۳/۰۰
 ۵ - رستاخیز سیاهنگ (بهمن ۱) کارگاه هنر ۳/۰۰
 ۶ - سرزمین شورانما (بهمن ۲) کارگاه هنر ۳/۰۰
 ۷ - پایانی عمیق از آذربایجان کارگاه هنر ۳/۰۰
 ۸ - موسیقی شرقی ایرانی (۱) ۳/۵۰
 ۹ - موسیقی شرقی ایرانی (۲) ۳/۵۰
 ۱۰ - موسیقی آذربایجان (رشید بهبودوف) ۴/۰۰
 ۱۱ - شب شعر سعید سلطانیور ۴/۰۰
 ۱۲ - بنیاد گلبنهای خون ۴/۰۰
 ۱۳ - بهار ۵۶ - تابستان ۵۶ از کشتارگاه ۳/۰۰
 ۱۴ - آهنگ های انقلابی فلسطین ۴/۰۰
 ۱۵ - دفاعیات خسرو گل سرخی ۴/۰۰
 ۱۶ - نوار بیسیم ارتش در کردستان ۴/۰۰
 ۱۷ - زندگی لنین (انتشارات پیشگام کن) ۴/۰۰
 ۱۸ - کون پاریس (" " ") ۴/۰۰

فهرست پوستر

- ۱ - پوستر سعید سلطانیور ۳ نوع ۰/۷۵
 ۲ - اسکندر (سیاهنگ اسدیان) ۰/۷۵
 ۳ - ترکمن صحرا ۴ رنگ ۱/۰۰
 ۴ - پوستر صد بهرنگی ۰/۵۰
 ۵ - حمید اشرفی ۰/۵۰
 ۶ - محمود احمدزاده ۰/۵۰
 ۷ - علی اکبر صفائی فراهانی ۰/۵۰
 ۸ - خسرو گل سرخی ۰/۷۵
 ۹ - بیون جزئی ۰/۵۰
 ۱۰ - طرح آزادی (رنگ) (جبهه همبستگی) ۱/۰۰
 ۱۱ - طرح شکوه " " " ۱/۰۰
 ۱۲ - " " " " " ۱/۰۰

دگمه سینه

- ۱ - زندانی سیاسی ۰/۵۰
 ۲ - سعید سلطانیور ۰/۵۰
 ۳ - آرم سازمان چ صخ ا ۰/۵۰
 ۴ - پیراهن با تصویر رفیق اسکندر و رفیق سعید ۷/۰۰
 ۵ - تقویم دیواری ۳ رنگ فارسی - انگلیسی سال ۱۳۶۲ ۳/۰۰
 ۶ - تصویر برجسته صد بهرنگی روی شیشه قاب شده ۵/۰۰
 ۷ - " " " " " ۵/۰۰

کدهای کمکهای مالی ارسال شده

به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هموطنان! نشریه جهان را
برای خود و دوستان
خود مشترک شوید!

شما میتوانید نشریات "کار"، "ریگای گدل" و
"جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نماشید.

آلمان غربی
POST FAFH 3653
7500 KARLSRHE, W. GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10186 U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۵۰ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۸۰ شیلینگ برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC IN3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI, ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM, SWEDEN
۸۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISS
P.O. BOX 101, STATION H
MONTREAL, QUEBEC H3G2K5
CANADA
۱۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸ دلار برای ۱۲ شماره

دولار	آمریکا
۲۰ مری ویل	۱۲۵ گینزویل
۲۰ ژ-۱۰۰	۱۲۵ دننون
۱۰ ژ-۱۰۰	۱۰۰ دالاس
۱۰۰ کردستان - آریزونا	۱۵۰ کردستان - آریزونا
۲۵۰ بلومینگتون	۸۰ کاربندل
۲۰۰ رفیق مسعود رحمتی	۱۲۰ دالاس
۱۵۰ رفیق حسن حسینیور	۵۰ ژ-۱۰۰
۱۵۰ رفیق بهنام قاسم - زاده	۱۵ ژ-۱۰۰
۵۰ رفیق فریدون	۵۶ تورنتو
۱۰۰ بانهای	۵۸ لنین - ۵۸
۱۵۰ رفیق حر رضائی	۱۰۰ کردستان - آریزونا
۱۸۰ رفیق محسن شانه چی	۲۰ محمد - ایندیانا
۶۰ رفیق مراد میرزائی	۲۵ لافایت - رگبار
۲۰۰ رفیق اسکندر	۵۰ کردستان - آریزونا
۱۳۰ رفیق انور اعظمی	۸۵ وست - لافایت
۵۰ رفیق مسعود بربری	۲۷ با فالو
۵۰ رفیق آنا ماریا	۲۰ سیراکیوس
۱۰۰ رفیق کارپیو	۹۰ بتن روز - رگبار
۷۰ رفیق مسعود رحمتی	۲۵ آریزونا - ۱۰۰
۱۵۰ رفیق علیرضا صفری	۵۰ خلق ایران
۳۰۰ صد بهرنگی	۲۵۰ دننون - ماه مه
۲۰۰ سعید سلطانپور	
۱۰۰ رفیق مسعود رحمتی	
۲۰۰ رفیق انور اعظمی	
۷۰ جهان کمونیست	
۳۰ علی شوذری	
۲۵ رفیق هادی	
۳۰ رفیق نظام	

۱۰۰ رفیق آنا ماریا
۵۰ رفیق مسعود بربری
۵۰ رفیق آنا ماریا
۱۰۰ رفیق کارپیو
۷۰ رفیق مسعود رحمتی
۱۵۰ رفیق علیرضا صفری
۳۰۰ صد بهرنگی
۲۰۰ سعید سلطانپور
۱۰۰ رفیق مسعود رحمتی
۲۰۰ رفیق انور اعظمی

ترکیه - فدراسیون
۱۰۰۰ هواداران سچفا
مارک آلمان
توضیح و پوزش
در شماره قبل کد
استانبول ۱۰۰ غلط
میباشد. استانبول ۲۰۰
صحیح است.

فراشه
رفقای بر دو ۱۰۰۰
س - س ۵۷۵ ۱۵۰
پاریس - جواد کاشی ۱۰۰
جهان - رفیق مسعود رحمتی ۲۰۰
پاریس - جهان کتاب ۵۰۰
رفیق پیشمرگه
مسعود رحمتی ۱۰۰۰ سچفا ۵۰۰۰

سوئد
سازمان دانشجویان ایرانی
در استهبکلم هوادار
سچفا ۵۰۰۰

با کمکهای مالی خود، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در امر انقلاب پاریس بسازید!

فرم اشتراک



بهای اشتراک:

۶ شماره ۸ دلار
۱۲ شماره ۱۵ دلار

آدرس مشترک شوند:

Name

Address

پتک است خون من درد دست کارگر
داس است خون من درد دست بزرگر



گرامی باد خاطرۀ فدائی شهید محمد سلیمانی - "اصغر"

رفیق در ۱۳۳۸ در یک خانواده زحمتکش و کارگری در شهرستان اراک به دنیا آمد. تمام دوران کودکی اش را در محیط سخت و توانفرسای کار بدنی گذراند، به نحوی که روزها به مدرسه میرفت و شبها که گاهی تا به صبح میکشید، را در کارگاههای قاب - سازی و ... به کار میبرد. او به دلیل شرایط دشوار مالی خانواده اش، ناگزیر از کار شبانه بود. ولی همین امر در عین حال به رفیق "اصغر" امکان داد تا از نزدیک ستم و استثمار را لمس کند و کینه طبقاتی در وجودش ریشه دواند.

در جریان قیام و کمی قبل از آن که مبارزات آشکار توده‌ای گسترش می یافت، رفیق با مسائل سیاسی آشنا گردید و به علت استعداد و شرایط زندگی اش خیلی زود با - مواضع فدائیان خلق و راه سرخشان آشنا شده و به صفوف آنان پیوست. هنگام اشباع خائنین "اکثریت"، رفیق قاطعانه با مواضع فرمستی آنان برخورد نموده و در موضع جناح انقلابی سازمان فرار گرفت. شور انقلابی و عزم آهنین او در راه - پیکار کارگران و زحمتکشان باعث شده بود که مسئولیت‌های زیادی برعهده رفیق قرار گیرد. مسئولیت توزیع نثریه در سطح منطقه برعهده رفیق بود.

با آغاز شهادت سراسری رژیم در ۳ خرداد و بورژوازی امان ارتجاع به انقلابیون حرفه‌ای رفیق "اصغر" نیز مورد شناسایی مزدوران قرار گرفت و به همین علت برای ادامه

فعالیت‌هایش به شهر بروجرد رفت. در همین ماه ۱۳۶۰، به علت یک اشتباه، توسط - پاسداران در اراک دستگیر گردید. رفیق که از بیماری زخم معده نیز رنج میبرد، به مدت ۷ ماه توسط دزخیمان شکنجه گردید، و در این مدت به خاطر وخامت اوضاع جسمی اش بارها به بیمارستان انتقال یافت، ولی کینه طبقاتی اش نسبت به خصم قوی تر از آن

تقویم تاریخ

خرداد

MAY - JUNE

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱				

۱۳۴۹	خرداد	شهادت رفیق فدائی حسن نیک داوودی
۱۳۵۱		شهادت رفیق فدائی بهروز دهقانی (نویسنده و مترجم) زیر شکنجه عمال شاه
۱۳۵۰	۲ خرداد	شهادت رفقای فدائی امیر پرویز بیویان، رحمت‌الله پیرو نذیری و اسکندر مادی نژاد
۱۳۵۱	۴ خرداد	شهادت رهبران سازمان مجاهدین خلق، محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی‌اصغر بدیع‌زادگان، محمود عسگری و عبدالرسول مشکین‌فام
۱۳۱۰	۱۰ خرداد	تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به "قانون سیاه" توسط رژیم رضا شاه
۱۳۹۹	۱۴ خرداد	اعلام جمهوری کیلان
۱۹۶۵	۹ ژوئن	آغاز انقلاب عمان
۱۳۴۲	۱۵ خرداد	قیام خونین ۱۵ خرداد
۱۳۳۸	۲۳ خرداد	اعتصاب ۴۰۰۰۰ کارگر کوره‌پزخانه های تهران
۱۹۲۸	۱۶ ژوئن	تولد انقلابی بزرگ رفیق ارستو چه‌گوارا
۱۳۳۰	۲۹ خرداد	خلع ید امیرالایم انگلیس از منابع نفتی ایران
۱۳۶۰	۳۰ خرداد	شبه خونین "۳۰ خرداد"
۱۳۶۰	۳۱ خرداد	کشتار دسته‌جمعی ۲۳ تن از فرزندان راستین خلق از جمله سعید سلطان‌نیور، محسن فاضل و ...

بمناسبت

سده درگذشت مارکس

سلسله بحث‌های آموزشی

درک مادی از تاریخ

را در شماره آینده "جهان" بخوانید

بود که کلمه‌ای از اسرار خلق را بازگو کند.

بالاخره در آبان ماه ۱۳۶۱، دزخیمان که از شکنجه وی برای کسب اطلاعات ناامید شده بودند، رفیق "اصغر" را همراه ۷ تن دیگر از همزمانش به جوشه اعدام سپردند.

یادش گرامی و راهش جاودان باد



خلق